

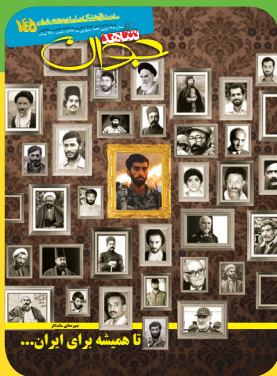


چه بسیار کسانی که بایک تذکرمتنبه  
شده، مسیر زندگیشان عوض شده است.

سوره الذاریات آیه ۵۵

# معروف مرتب سجده





## جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی  
شماره ۱۴۵ شهریور ماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی  
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی  
مدیر اجرایی: محمد مهدی مازنی

دبیر تحریریه: حسین علی پور

امور فنی: آتلیه شاهد  
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی  
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶  
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴  
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد  
تهران، خیابان طالقانی، خیابان ملک الشعرای  
بهار شمالی، شماره ۵  
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

آدرس الکترونیکی:  
Email:javan@shahedmag.com  
صندوق پستی: تهران ۱۹۴/۱۵۷۱۵

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی  
کوثر

\* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال  
منتشر می شود.  
\* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده  
آزاد است.

\* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود  
\* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴ دوست و هم نشین  
یادداشت: ۵ برنامه ریزی برای زندگی  
برداشت آزاد: ۶ جوان، آمال و آرزوها  
دخترانه، پسرانه: ۸ چگونه ازدواجمان آسان می شود  
مادرانه، پدرانه: ۱۰ کلیدهای موفقیت  
اجتماع: ۱۲ شرح حادثه مکه از زبان طاهره قاسمی نژاد  
رو به رو: ۱۴ حماسه اروند، نبرد بزرگ فاو  
راه و چاه: ۱۶ ثبت اختراع  
مهارت: ۱۸ نقش سنگ در جواهرسازی  
مطبخ: ۱۹ طرز تهیه کنتل میگو و میلک شیک گیلان  
لبخند: ۲۰ پایه اولین حضورم در جبهه بود  
جدول: ۲۱ جدول  
زندگی به سبک دیگر: ۲۲ گفت و گو با همسر شهید حججی  
سرچشمه: ۲۴ عرفه در تابش نور روایات  
عافیت: ۲۵ پروفیسور پری رخ دادستان هرگز پشیمان نشد  
سلامت: ۲۶ آرتروز زانو  
خانه دوست: ۲۸ ۲ عاملی که مانع موفقیت شما می شود!  
نور و نقره: ۲۹ جدول وزن ایده آل مردان و زنان بر اساس قد، جثه و سن  
موج سازان: ۳۰ خانه موزه شهید رجائی  
علمی: ۳۲ گفت و گو با رضا رویگری  
نقد و نظر: ۳۴ اولین شهید قدس از گیلان  
حماسه آفرین: ۳۵ روستای بالاچاف با ۲۵ شهید  
یک، دو، سه: ۳۶ ماموریت زهپادها  
حرکت: ۳۸ نگاهی به فیلم نفس  
سیاست: ۴۰ شکارچی ناوهای اوزا  
بین الملل: ۴۲ مرد آسمانی فوتبال ایران  
دریچه: ۴۳ مشتکی خاک به پیشگاه خداوند متعال  
روایت: ۴۴ دیپلماسی ورزشی  
شعر: ۴۶ رئیس جمهوری در ۳۸ روز  
بازار کتاب: ۴۸ علل رسمی تا غیر رسمی قطع روابط با قطر  
تغافل: ۵۰ جنگ نابرابر  
انگلیسی: ۵۲ تکاوران دریایی ارتش و مقاومت ۳۴ روزه در خرمشهر  
کاریکاتور: ۵۴ پوتین و شهدای مدافع حرم و ...  
۵۵ معرفی کتاب خط مقدم و سیره شهید رجائی  
۵۶  
۵۸  
۵۹

## دوست و هم‌نشین



امروزه شکل‌گیری جوامع همواره دستخوش تغییر و تحولات اجتماعی است. بی‌توجهی و عدم برنامه‌ریزی اصولی و دقیق مبتنی بر نیازهای آن‌ها موجب لطمات جبران‌ناپذیری خواهد بود.

هرچند در این زمینه بیشتر نقدها متوجه دولت است، منتها به نظرم خود ما نیز سهل‌انگاری بسیاری داریم. در بتن جامعه به‌خصوص بدون آنکه داده‌هایی به فرزندان ارائه گردد انتظار خروجی مطلوب را از آنان داریم. صرف دادن هشدار نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد. یکی از علل سقوط و انحطاط جوان را می‌توان مسئله هم‌نشینی و مصاحبت با افراد ناهنجار نام برد. در حال حاضر بیشتر خانواده‌ها از این درد اجتماعی می‌نالند. بدون شک همه دوست دارند جوانانشان در آستانه زندگی اجتماعی قرار گیرند و آرزوی رسیدن به اوج قله‌های موفقیت را دارند.

آشنایی این نسل با ارزش‌های اخلاقی، خصوصاً مباحثی که جنبه‌ی عملی و کاربردی در جوامع انسانی داشته باشد، امری ضروری و لازم می‌باشد. این وظیفه‌ی بسیار ضروری و مهم، در آغاز ورود به جامعه که شخصیت انسان چنان نهالی نارس و نوپا است، کاری ساده‌تر خواهد بود؛ چراکه شکل دادن به ابعاد روحی در دوران نوجوانی و جوانی تأثیری همیشگی و درازمدت خواهد داشت و راه چندین ساله، در کم‌ترین مدت طی خواهد شد.

انتخاب دوست و هم‌نشین نکته حائز اهمیت است که بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد. انتخاب و گزینش در زندگی اجتماعی بشر ارزش ویژه‌ای دارد. داشتن بینشی صحیح و توجه کافی به مسئله انتخاب از لوازم اصلی موفقیت در آن است. این بینش را باید به‌مرور در جوان تقویت و پرورش داد. یک هم‌نشین هم می‌تواند شرایط و اسباب ترقی و رشد و شکوفایی معنوی را برای آنان فراهم آورد و هم می‌تواند آنان را از رسیدن به کسب مدال موفقیت بازداشته و عوامل شکست و سقوط آنان را فراهم آورد.

از سویی دیگر جوانان باید برای گزینش انتخابی صحیح، خود را مسلح به سلاح عاقبت‌اندیشی و بررسی جوانب کار کنند و آنگاه با قاطعیت تمام راه صحیح و سعادت‌مند را برگزینند.

معاشرت و دوستی، تأثیرهای نیک یا ناخوشایند بر آدمی می‌گذارد. سخن استاد شهید مرتضی مطهری نیز در این باره بسیار آموزنده است. «در باب معاشرت، آن چیزی که اثرش فوق‌العاده است، پیدا شدن ارادت است. مسئله ارادت و شیفتگی به یک شخص معین، بالاترین و بزرگ‌ترین عامل است. در

پس بدون شک عامل سازنده شخصیت انسان، بعد از اراده، خواست و تصمیم او به امور مختلفی وابسته است که از اهم آن‌ها هم‌نشینی، دوست و معاشر است زیرا بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می‌گیرد.

کمال و نقص هم‌نشینی و دوست آنچنان روح انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد که بعد از مدت زمانی طرز فکر و اندیشه و اعمال انسان شبیه دوست او می‌شود.

بنابراین بایستی در دوستی‌ها همواره جنبه احتیاط مد نظر قرار داده شود. چه بسا تأثیرات بدی که بر آدمی می‌گذارد و از آن بی‌خبر است. انسان باید در انتخاب دوست خود نهایت دقت را ورزد زیرا داشتن یک دوست خوب در روشن نمودن مسیر زندگی وی نقش مهمی ایفا می‌کند. حتی گاهی اوقات دوست خوب مسیر زندگی یک شخص را عوض می‌کند و وی را به نیکی‌ها علاقه‌مند می‌سازد.

تغییر دادن انسان و این اگر بجا بیفتد، فوق‌العاده انسان را خوب می‌کند و اگر نابجا بیفتد، آتشی است که آدمی را آتش می‌زند.»

انسان نیازمند به دوستی با دیگران است. در روایات اسلامی نیز فراوان به دوست‌پایی و هم‌نشینی با نیکان سفارش شده است مثلاً رسول اکرم (ص) فرمودند: «کسی که خداوند خیری را برایش بخواهد، دوستی شایسته به او عطا می‌کند که اگر فراموش شد به یادش می‌آورد و اگر به یادش آورد، یاری اش می‌کند.» پس در این روزهای جوانی مراقب باشید چه کسی را هم‌نشین خود انتخاب می‌کنید.

در قرآن مجید درباره دقت در گزینش دوست به واگویی‌های کسانی که از این رهگذر به بیراهه رفته‌اند چنین اشاره شده است: «يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»

ای وای بر من، کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست بر نمی‌گزیدم.»

# اهمیت سلامت اجتماعی

عناصر در کنار یکدیگر نشان می‌دهند که چگونه و در چه درجه‌ای افراد در زندگی اجتماعی خود خوب عمل می‌کنند.

حال باید پرسید که چرا سلامت اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است؟ در پاسخ می‌توان گفت که: اهمیت سلامت اجتماعی در حدی است که اشخاص برخوردار از سلامت اجتماعی، با موفقیت بیشتری می‌توانند با مشکلات ناشی از ایفای نقش‌های اصلی اجتماعی کنار بیایند. آنان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که ثبات و انسجام بیشتری دارند و احتمالاً می‌توانند در فعالیتهای جمعی بیشتر مشارکت کنند و باید انتظار داشت تطابق آنان با هنجارهای اجتماعی بیشتر باشد. این وضعیت می‌تواند نقش مهمی داشته باشد در پیشگیری از انحراف که ابعادی فراتر از قلمرو رفتارهای فردی دارد.

بنابراین بی‌توجهی به جنبه اجتماعی سلامت موجب افزایش آسیب‌پذیری افراد در ابعاد روانی، خودکشی، گرایش به مصرف دخانیات، فرار از خانه، افت تحصیلی و سایر آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

یادآوری می‌شود اشخاصی که از سلامت اجتماعی برخوردارند، با موفقیت بیشتری می‌توانند با چالش‌های ناشی از ایفای نقش‌های اصلی اجتماعی کنار بیایند. آنان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که از ثبات و انسجام بیشتری برخوردار است و احتمالاً می‌توانند مشارکت بیشتری در فعالیتهای جمعی داشته باشند. باید انتظار داشت تطابق آنان با هنجارهای اجتماعی بیشتر باشد، شرایطی که می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از انحراف که ابعادی فراتر از قلمرو رفتارهای فردی دارد، داشته باشد.

موضوع سلامت اجتماعی دارای ابعاد وسیعی است که پرداختن به آن در این حجم غیرممکن است. لیکن در مقوله به کلیاتی از آن‌من باب آشنایی با برخی مفاهیم پرداختیم.

بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۴۸، سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت محسوب می‌شود، از دو بعد جسمی و روانی سلامت تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها اثر متقابل دارد. کمیت و کیفیت تعامل فرد با اجتماع به‌منظور ارتقای رفاه آحاد جامعه یکی از تعاریف سلامت اجتماعی است. نتیجه نهایی این تعامل ارتقای سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، کاهش فقر و بی‌عدالتی است و نقطه مقابل آن افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

بنابراین سلامت اجتماعی در کنار سلامت جسمانی و روانی یکی از سه ارکان تشکیل‌دهنده سلامت عمومی جامعه و خانواده می‌باشد. «در واقع زمانی شخص را واجد سلامت اجتماعی برمی‌شمیریم که بتواند فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف در خانواده و اجتماع بروز دهد و با خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، هنجارهای اجتماعی موجود احساس پیوند، اتصال و ارتباط برقرار نماید.»

سلامت اجتماعی به‌نوعی بهداشت روانی، فردی و جمعی است، که در صورت تحقق آن شهروندان دارای انگیزه و روحیه شاد بوده و در نهایت، جامعه شاداب و سلامت خواهد بود. در واقع زندگی سالم در بین اعضای خانواده محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب‌های فردی از یک‌سو و محیط اجتماعی و اقتصادی خانواده از سوی دیگر است.

به‌طور کلی، بعد اجتماعی سلامت دربرگیرنده سطوح مهارت‌های اجتماعی و عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به‌عنوان عضوی از جامعه بزرگ‌تر است. از این‌نظر، هر کس عضوی از افراد خانواده و عضو جامعه‌ای بزرگ‌تر محسوب می‌شود. سلامت اجتماعی به‌چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه یا همان جامعه‌پذیری وی اشاره دارد. و بر بعدی از سلامت تأکید دارد که به ارتباط فرد با افراد دیگر یا با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند مربوط است. سلامت اجتماعی شامل عناصر متعددی است که این



# جوان آمال و آرزوها

عباس باصری

برنامه‌ریزی‌های توسعه به شمار می‌رود به طوری که می‌توان گفت هیچ برنامه‌ای بدون توجه به مسئله اشتغال نمی‌تواند نتیجه مطمئنی را به همراه داشته باشد. اصولاً ایجاد اشتغال وحل مسئله بیکاری بهترین پشتوانه برای اجرا و پیشبرد دیگر اهداف برنامه‌ریزی‌ها به حساب می‌آید و معمولاً دولت‌ها و نظام‌هایی در برنامه‌های خود موفق‌تر خواهند بود که بتوانند مسئله اشتغال را به خوبی حل و فصل کنند چرا که افراد بدون داشتن شغل و درآمد فرصتی برای پرداختن به دیگر مسائل نخواهند داشت.

نباید گذاشت جامعه با مشکل بیکاری رو به رو شود. و قشر جوان، بر اثر نیافتن شغل و حرفه مناسب، دچار سردرگمی و سرخوردگی گردد. برنامه‌ریزی و اجرای دقیق آن در این راستا می‌تواند «عدالت اجتماعی» و «رفاه همگانی» را فراهم سازد.

لازم است برای آن، برنامه‌ریزی مناسب و کارآمدی صورت گیرد، تا برای همه افراد واجد شرایط و جویای کار، موقعیت شغلی متناسبی فراهم گردد.

و اما چند توصیه برای جوانان، ایمان بدون کار و تلاش، عملی بی‌معناست. کار و تلاش سازنده، خواست خداوند و سیره انبیا و بزرگان و پیشوایان دین است. انسان می‌تواند در مسیر دین‌باوری با کار و تلاش عملی، عروج کند، و به این وسیله، به رشد و تعالی نایل گردد. به طور کلی انسان دینی،

خمینی تهران و در میان احساسات پرشور خیل عظیم جوانان و نوجوانان برگزار شد، طی سخنان مسوولی خانواده‌ها، مربیان و مسوولان را به اهتمام نیازهای جوانان توجه دادند. ایشان فرمودند: «مسأله جوانان باید به یک مسأله ملی تبدیل شود و دولت، روحانیت، صدا و سیما، بسیج، سازمان‌های ورزشی و همه دستگاه‌های مربوط به جوانان باید در این زمینه احساس مسؤولیت کنند. مقام معظم رهبری اظهار داشتند: من با حضور در این مجلس و طرح مسأله جوانان می‌خواهم

این پیام را به همه مسوولان برسانم که مسأله نیاز آینده و برنامه‌ریزی برای جوانان را امری جدی به شمار آورند.» بدون شک در همه کشورها مسئله اشتغال از مهم‌ترین اهداف

دوره جوانی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد به عنوان یکی از دوران‌های مهم زندگی فرد به شمار می‌رود. شرایط و موقعیت‌هایی که فرد در این دوران تجدید می‌کند نقش مهمی در مراحل بعدی زندگی او خواهد داشت.

اشتغال و مسکن را می‌توان از دغدغه‌های پیش روی جوامع امروزی به خصوص کشورمان دانست.

با شتاب گرفتن امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درباره جوانان بسیاری از مدیران و سیاستمداران به جوانان توجه به خصوصی دارند.

نیاز جوان به شغل، یک نیاز ضروری است و در کنار سایر نیازهای او (نظیر ازدواج، تحصیلات، و مسکن) مطرح می‌باشد. از این رو بهبود اشتغال، به معنای رونق چرخه تولید و کسب درآمد، بیشتر است، و افزایش سطح درآمد، زمینه ارتقای رفاه و آسایش می‌شود. آن هم برای قشری جوان که اشتغال مهم‌ترین دغدغه اوست.

شغل مرتبط با توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی هر فرد امری است که هر شخص لزوماً با آن در زندگی روزمره‌اش مواجه خواهد شد.

اشتغال را می‌توان عاملی دانست که بر زندگی افراد اثرگذار است. داشتن شغل و حرفه به عنوان منبع درآمد و بی‌کاری یا نداشتن شغل به منزله محرومیت از درآمد به شمار می‌آید. اگر نتوانیم به موضوع اشتغال به طور صحیح سامان ندهیم، به مرور شاهد بحران خواهیم بود. از این روست که در تعالیم اسلامی، کار و اشتغال، گذشته از بُعد اقتصادی و درآمدزایی، برای سلامت جامعه و زیست مطلوب، ضروری است و یک وظیفه دینی محسوب می‌شود.

امنیت، اقتدار و سلامت جامعه با جوانان و رفع مشکلات آنها در ارتباط است. توجه به این قشر آنچنان از اهمیت بالایی برخوردار است که رهبر معظم انقلاب در مراسم باشکوه «گردهمایی جوانان عاشورایی» که در مصلاي بزرگ امام



آمیزه‌ای است از عقیده، عمل، فکر، کار و تلاش، که سعادت و فلاح خود و جامعه را در کار بایسته می‌داند. افزایش کیفیت کار، رعایت نظم و انضباط در کارها، تعهد کاری، مهارت و تخصص، تقسیم کار، و ... اموری است که همواره باید مورد توجه یک انسان دین‌باور و تلاشگر باشد. و در مورد ازدواج این که یکی از اساسی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین مراحل زندگی انسان به شمار می‌رود. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام بخش خانواده است. از آنجائی که ازدواج عامل پیدایی خانواده و تاخیر و عقب افتادن آن می‌تواند تبعات اجتماعی زیادی به همراه داشته باشد. از جمله آسیب‌ها و مضرات دیر ازدواج کردن می‌توان به عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به آن در سایر زمینه‌های زندگی، گرایش به ارتباطات غیر متعارف دختر و پسر، هدر رفتن سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، دل‌نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، افسردگی و اختلالات جنسی، پناه بردن به مواد مخدر و بسیاری از آسیب‌های دیگر اشاره نمود. ازدواج در دیدگاه اسلام، از بهترین و شایسته‌ترین اعمال صالح به شمار

می‌رود. ازدواج، ارزش و پاداش عبادت‌های انسان را ده‌ها و گاهی صدها برابر می‌کند. ازدواج، باعث اعتبار اجتماعی و هویت مستقل می‌گردد و نیز موجب شکوفایی زندگی و فعالیت در مسیر خودکفایی و سرانجام، ازدواج، روزه‌های رحمت خداوندی را به سوی انسان می‌گشاید. شاید به خاطر این همه آثار و برکات مفید امر ازدواج است که دوست داشتنی‌ترین موضوع در سیره و رفتار پیامبر معرفی شده است. از این روی است که توجه و اهمیت به مقوله ازدواج همواره مورد تاکید عالمان و جامعه‌شناسان خصوصاً در حوزه مطالعات خانواده بوده و عدم تحقق آن در شرایط و زمان بهنگام به عنوان دغدغه ذهنی و فکری مسئولین این حوزه می‌باشد. خانواده اساسی‌ترین در عین حال قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است و پویایی و استمرار آن و کارکردهایش همواره در طول زمان حائز اهمیت می‌باشد. امروزه وقتی مساله ازدواج در خانواده‌ها و در میان جوانان مطرح می‌شود غالباً به جای این که به ضرورت این امر بیندیشند، تصویری مبهم در واقع کوهی از مشکلات و موانع در مقابل دیدگانش مجسم می‌گردد. مهریه، سنگین و مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدایا و لباس‌های گوناگون، هزینه‌های هنگفت

جشن‌های عقد و عروسی و هزینه اجاره، رهن و یا خرید مسکن، بارداری، فقدان شغل و ده‌ها مساله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مساله ازدواج جوانان را به تاخیر می‌اندازد ولی این نکته باید مورد تاکید قرار گیرد که التزام به دستورالعمل‌های نورانی آیین اسلام، در راستای آسان‌سازی و زدودن پیرایه‌ها و تشریفات دست و پاگیر و برداشتن موانع پیچیده و دشوار از سر راه ازدواج، زمینه آرامش و خوشبختی جوانان جویای ازدواج، فراهم گردد.

و در پایان با تاکید بر سخنان رهبری این مقوله را به پایان می‌رسانم: جوانان مملکت ما امروزه مشکلات بسیاری پیدا کرده‌اند و برای این مشکلات راه‌حلی وجود دارد که با اتکاء به خداوند و استفاده از این راه‌حل‌ها بر مشکلات غلبه کنند؛ زیرا جوانی یک پدیده درخشان و یک فصل بی‌بدیل و بی‌نظیر از زندگی هر انسانی است. در هر کشوری که به مسئله جوانان و جوان آن چنان که حق این مطلب است، درست رسیدگی بشود، آن کشور در راه پیشرفت، موفقیت‌های بزرگی به دست خواهد آورد. (دیدار رهبر معظم انقلاب با جوانان در مصلاي بزرگ تهران، ۷۹/۲/۱)



# چگونه از دواجمان آسان می‌شود

○ نسرین باقری، کارشناس ارشد روانشناسی

- مهر نمی‌ورزید.
- شما یا همسرتان از عادت‌های ارتباطی ضعیفی برخوردار هستید.
- شما با فرد نامناسب هستید.
- عشق یا سبک زندگی شما با عشق یا سبک زندگی همسرتان از تفاهم و همخوانی کافی برخوردار نیستید.
- شما ارزش‌های مشترک کافی نداشته و به اصول مشترکی نیز پایبند نیستید.
- همسر شما دارای عیب‌ها و نقص‌های بزرگی است که از دواجی موفق را ناممکن می‌سازد.
- شما نمی‌توانید نیازهای یکدیگر را برآورده کنید.

## حال بدانیم عشق چیست و چرا عاشق می‌شویم؟

اغلب مردم وقت و انرژی بیشتری صرف تصمیم‌گیری برای خرید خودرو و یا وسایل موردنیازشان می‌کنند تا صرف این که تصمیم بگیرند با چه کسی تشکیل خانواده دهند.

عشق سالم، عشق بی‌قیدوشرط است. بدون انتظار می‌باشد و عاشق، معشوقش را قضاوت نمی‌کند، به آزدادش احترام می‌گذارد و او را با تمام نواقصش می‌پذیرد.

رابطه سالم بین دو نفر، نیازمند عشق سالم در هر دو نفر و تعهد و وفاداری است.

## پنج افسانه مهلک درباره عشق

افسانه‌های عشقی باورهای نادرست هستند که بسیاری از ما راجع به عشق و داستان‌های عاشقانه داریم. این افسانه‌ها عملاً ما را از انتخاب هوشمندانه بازمی‌دارند. این باورها و رفتارها علائمی غلط در مورد ازدواج هستند که به سه دلیل زیر در ما شکل می‌گیرند:

- تماشای برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌ها
  - خواندن رمان‌های عشقی
  - عدم وجود آموزش درباره عشق
- ما آگاهانه یا ناآگاهانه اساس تصمیمات خوددرازدواج را بر این پنج افسانه عشقی بنا می‌گذاریم. بیایید به این پنج افسانه مهلک درباره عشق، نگاهی بیندازیم درحالی که هر یک از این افسانه‌ها را می‌خوانید، از شما تقاضا دارم که در روابط خود نیز تأمل کنید.
۱. عشق حقیقی بر همه چیز فائق می‌آید.
  ۲. اگر عشق «عشق واقعی» باشد، همان لحظه که فرد را دیدید، خواهید دانست.
  ۳. تنها یک عشق واقعی در این دنیا وجود دارد که

می‌کنید، امیدوارم این مطلب حمایت لازم جهت درک این که آیا در رابطه صحیحی هستید یا خیر را به شما نشان دهد، به طوری که انرژی و وقت خود را روی رابطه‌ای که سرانجامی نخواهد داشت، هدر ندهید.

## اما چرا برخی از روابط سرانجام خوبی ندارند؟

- شما با فرد مناسب بوده ولی به طرز صحیحی

اگر شما مجرد هستید امیدوارم این مطلب، ابزار و دستورالعمل‌های لازم جهت انتخاب سالم و موفق را به شما بدهد.

اگر هنوز در حال التیام قلب شکسته‌تان هستید، امیدوارم این مطلب به شما کمک کند تا دریابید که چرا انتخاب‌هایتان مناسب نبوده‌اند و نیز امیدوارم که اطلاعاتی به شما بدهد تا انتخاب بعدی شما بهتر و عاقلانه‌تر باشد.

اگر متأهل نیستید ولی به ازدواج باکسی فکر



برای شما مناسب است.

- ۴. همسر ایده‌آل، شما را از هر لحاظ ارضاء می‌کند.
- ۵. جاذبه عشقی، همان عشق است.
- اکثر افراد در اعماق وجود خود به طرزی اسرارآمیز این افسانه درباره عشق که عشق حقیقی بر همه چیز فائق می‌آید را باور دارند و عنوان می‌کنند اگر واقعا عاشق باشیم، خوشبخت خواهیم شد و بر تمامی مشکلات فائق خواهیم آمد.
- اگر عاشق همسر خود باشیم دیگر اهمیتی ندارد که:
- او مشروبات الکلی مصرف می‌کند.
- او تمام وقت از من انتقاد می‌کند.
- او شغلی ندارد و دو سال اخیر هم بیکار بوده است.
- خلق و خوی بدی دارد و یکدفعه منفجر می‌شود.
- او مدام با خانم‌های دیگر شوخی‌های نابجا می‌کند.
- او مشکل می‌تواند احساساتش را بیان کند.
- خانواده‌اش مرا قبول ندارند.
- من بچه می‌خواهم ولی او نمی‌خواهد.
- او بیست سال از من بزرگ‌تر است.
- ما در دو نقطه مختلف کشور زندگی می‌کنیم.

درست در این مواقع است که به خودمان دروغ می‌گوییم:

- اگر ما عاشق یکدیگر باشیم، هیچ‌یک از مشکلات و تفاوت‌های ما اهمیت چندانی نخواهند داشت.
- اگر بیشتر به او مهر بورزم، او تغییر خواهد کرد.
- از لحاظ روحی خود را زجر می‌دهید و وقتی که ازدواج نمی‌تواند موفق شود با گفتن این جمله به خود که «اگر بیشتر او را دوست می‌داشتم، توانسته بودم رابطه را حفظ کنم» خود را مقصر می‌دانید.
- شما آن چنان به جاذبه‌ای که بین شما به وجود آمده می‌پردازید که از بررسی دیگر قسمت‌های رابطه بازمی‌مانید.
- شما به شروع‌های آن چنانی معتاد می‌شوید و فرصت‌های دیگر را برای عشق واقعی و پروام از دست می‌دهید.
- شما همسر خود را با تصویر و رؤیایی که از همان یک نفر در سر خود ساخته‌اید، مقایسه می‌کنید و از درک منحصر به فرد بودن آن شخص، بازمی‌مانید.
- از شناسایی رابطه خوب و سالم بازمی‌مانید، فقط به این خاطر که همسر شما نیازهایی را که خود باید برای خودتان برآورده کنید، برآورده نمی‌کند.

- از همسران به خاطر ندادن چیزی که می‌بایست خود در جای دیگر پیدا کنید، منزجر خواهید شد.
- بیش از آنچه باید، به رویایان می‌چسبید و به سختی کسانی را که برای شما مناسب نیستند، رها می‌کنید.
- بنابراین:
- عشق برای موفقیت در ازدواج کافی نیست، به این معنی که رابطه به تفاهم و تعهد نیاز دارد.
- اگر قبل از ازدواج احساس تهی بودن می‌کنید، بعد از ازدواج نیز به همان اندازه، احساس تهی بودن خواهید کرد.
- همسر مناسب، بسیاری از نیازهای ما را ارضاء می‌کند، اما نه همه آن‌ها را.
- برای دلباختگی یک لحظه کافی است، اما عشق واقعی به وقت نیاز دارد.
- رابطه سالم بین دو نفر، نیازمند عشق واقعی در هر دو نفر و تعهد و وفاداری است.

#### مقایسه عشق سالم و ناسالم

- در عشق سالم، پیشرفت خود فرد در اولویت اول است.
- در عشق ناسالم، حفظ رابطه در اولویت است. فرد وسواس به حفظ رابطه دارد.
- در عشق سالم، فرد هم خود رشد می‌کند و هم به طرف مقابل اجازه رشد می‌دهد.
- در عشق ناسالم، امنیت و نیاز لازمه عشق است. فرد از تنهایی و ناامنی می‌ترسد.
- در عشق سالم، دو طرف علاقه و دوستان مخصوص خود را دارند، روابط معنی‌دار دیگری هم دارند.
- در عشق ناسالم، دو طرف در همه فعالیت‌های هم شرکت می‌کنند. زندگی اجتماعی محدودی دارند و غافل از دوستان قدیمی‌اند.
- در عشق سالم، دو طرف یکدیگر را تشویق به رشد و حفظ ارزش‌های شخصی می‌کنند.
- در عشق ناسالم، اشتغال ذهنی فرد، رفتار طرف دیگر اوست. ترس از تغییر و رشد طرف دیگر دارد.
- در عشق سالم، دو طرف به هم اعتماد درستی دارند.
- در عشق ناسالم، حسادت، انحصارطلبی و نرس از رقابت عرضه می‌شود.
- در عشق سالم مصالحه، مذاکره و باهم کنار آمدن در حل مشکلات مایه پیشرفت است.
- در عشق ناسالم، کنترل، سرزنش و فریبکاری

- منفعلانه خاموش یا تهاجمی در کار است.
- در عشق سالم، دو طرف از فردیت یکدیگر استقبال می‌کنند.
- در عشق ناسالم، هر طرف تلاش می‌کند تا دیگری را به صفات دلخواه خود تغییر دهد.
- در عشق سالم، دو طرف توانایی خوش بودن در تنهایی را هم دارند.
- در عشق ناسالم، لزوم چسبندگی مانع تنها ماندن است.
- در عشق سالم، چرخه آسایش و رضایت دیده می‌شود.
- در عشق ناسالم، چرخه درد و ناامیدی و استیصال دیده می‌شود.
- اما دلایل متفاوتی می‌توانند باعث شوند تا بدون اینکه عاشق شده باشیم، با کسی رابطه‌ای را آغاز کنیم و درست در این زمان است که احساس خوب عاشق شدن می‌تواند سریعاً به تأسف تبدیل گردد.

#### هفت دلیل نادرست برای ازدواج

- فشار خانواده، دوستان، سن و غیره
- تنهایی و استیصال
- گرسنگی جنسی
- بی‌توجهی به زندگی خود
- اجتناب از بزرگ شدن
- احساس گناه
- پر کردن خلاء‌های احساسی و روحی
- به‌هرحال، موضوع ازدواج بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و به قول قدیمی‌ها مانند هندوانه درسته است. اما با کمی دقت و توجه به رفتارها و رعایت اشتباهات بزرگی که در ابتدای رابطه مرتکب می‌شویم به‌عنوان مثال: سولات کافی نمی‌پرسیم، نشانه‌های هشدار که حاکی از مشکلات بالقوه هستند را نادیده می‌گیریم، سازش‌کاری‌های ناپخته و زود هنگام مرتکب می‌شویم، تسلیم‌گری جنسی می‌شویم، گول مادیات را می‌خوریم، تعهد را مقدم بر تفاهم می‌گذاریم و... می‌توانیم بخشی از این هندوانه را قبل از ازدواج بازکنیم تا درباره‌ی انتخاب درست شریک زندگی به اطمینان برسیم و بعدها پشیمان نشویم. البته که مهم‌ترین گام برای رسیدن به ازدواج آسان، انجام مشاوره پیش از ازدواج با مشاورین زنده می‌باشد. بسیاری از افراد تصور می‌کنند ازدواجشان حتماً با موفقیت مواجه خواهد شد و در زندگی مشترکشان با هیچ موضوع چالش‌برانگیزی مواجه نخواهند شد در حالی که بدون شناخت طرفین از هم در این مرحله، امکان موفقیت در زندگی زناشویی بسیار کم است.

## کلیدهای موفقیت

○ دکتر شاهین فرهنگ

### برای تحول آماده شویم

میل به کمال و بهتر شدن در وجود تمامی ما انسان‌ها وجود دارد، همه‌ی ما دوست داریم انسان‌های بهتری باشیم. شاید در عمل کمی ضعیف کار می‌کنیم ولی تمایل به بهتر شدن در آفرینش ما وجود دارد.

به بیان دیگر می‌توان گفت فلسفه و هدف نهایی از خلقت و حضور در هستی بهتر شدن و حرکت به سمت کمال است. چنان‌که حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «هر کس دو روزش مثل هم باشد زیانکار است.»

قطعاً بهتر شدن و حرکت به سمت کمال هر چند کوچک تأثیر شگرفی بر زندگی ما می‌گذارد، چنانچه این تغییرات با صبر و استقامت و استمرار توأمان گردد، تأثیری چند برابر خواهد داشت.

### لزوم تحول

مهم‌ترین چیزی که قبل از شروع مراحل تحول در زندگی باید بدان توجه کرد، احساس نیاز و به بیان بهتر «تشنه بودن برای تحول» است. باید با تمام وجود به جایی برسیم که زندگی روزمره را تغییر داده و به سمت بهتر شدن حرکت کرد.

اهمیت تشنه بودن برای رسیدن به هدف در هر راهی نیاز به اراده و صبر و استمرار دارد.

می‌گویند در یک مهمانی، صاحب‌خانه فراموش کرده بود آب بر سر سفره بگذارد، مدتی گذشت و مهمان‌ها یکی‌یکی تشنه شدند، اما تنها به گفتن اینکه «تشنه شدیم» و «آب کجاست» اکتفا می‌کردند، میزبان که مرد زیرکی بود، در دلش گفت این‌ها در واقع هیچ‌کدام تشنه نیستند. ناگهان یکی از مهمان‌ها از جای خود برخاست و درحالی‌که اطراف را به جستجوی آب نگاه می‌کرد گفت: «پس این آب کجاست؟»

میزبان با دیدن تلاش مهمانش، رو به سایر مهمان‌ها کرد و گفت: «هیچ‌کدام از شما در واقع تشنه نیستید، تشنه واقعی کسی است که به طلب آب از جای خود برمی‌خیزد و به دنبال آن همه جا را جستجو می‌کند.»

قدم اول تحول نیز «تشنه بودن» است، باید بخواهیم و سپس از جایی که هستیم برخیزیم و حرکت کنیم.

### آستین‌ها را بالا بزنیم

۱. پرهیز از وعده دادن و امروز و فردا کردن

به همین ترتیب می‌توانیم موارد دیگری را نیز به شرط‌گذاری روزانه خود اضافه کنیم.

دقت کنید که شرط‌ها برای همان روز است. یعنی به ذهن خود بگویید «همین امروز این موارد را رعایت کن نه تا آخر عمر» به همین ترتیب اگر در روزهای دیگر هم به همین ترتیب پیش برویم می‌توانیم به تدریج تغییراتی مهم را در خود به وجود آوریم.

ب) مراقبت: بلافاصله پس از تصمیم به تغییرات کوچک، موانع سر راه ما سبزی می‌شوند و در واقع در مقابل تغییر، مقاومت می‌شود. گفتیم که این یک «قانون طبیعی» است.

پس برای اجرای صحیح شرط‌هایی که صبح با خود گذاشته‌ایم، احتیاج به «مراقبت» داریم، یعنی باید همواره مراقب مقاومت و تله‌هایی که بر سر راه پایبندی به شروط صحگاهی ما قرار می‌گیرد، باشیم و منتظر چنین مقاومت‌هایی و آماده برای مقابله با آن باشیم.

بنابراین، پس از شرط‌گذاری صحگاهی، نیاز به مراقبت از شروط و قول و قرارهای خود در طول روز داریم.

حال چنانچه مراقبت هم کردیم ولی بازهم در تله عادات گذشته خود گرفتار شدیم چه کنیم.

مثلاً شرط گذاشتیم برای کاهش وزن شیرینی نخوریم. طبق قانون مقاومت در مقابل تغییر، همان روز همکار ما با یک جعبه شیرینی تر به محل کار آمد، ما هم علی‌رغم مراقبت نهایی تسلیم شدیم و چند شیرینی تر خوردیم! اکثر ما در چنین مواقعی به خاطر اراده ضعیف یا

راحت طلبی می‌گوییم، «امروز که

خراب شد،

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما همین است که هر زمان می‌خواهیم تغییر در زندگی و اجرای برنامه‌هایمان را آغاز کنیم معمولاً چنین جملاتی به کار می‌بریم:

- از فردا شروع می‌کنم.
- الان حوصله‌شو ندارم.
- از ماه بعد آدم جدیدی می‌شم.

دلیل اصلی به کار بردن چنین جملاتی این است که یا تشنه تحول و تغییر نیستیم و یا آن قدر افاق‌هایمان دور و دست نیافتنی و آرمانی است که ذهن ما نمی‌تواند برای آن برنامه‌ریزی کند.

### ۲. شروع به انجام تغییرات جزئی

ذهن ما طوری ساخته‌شده که تمایل برای برنامه بلندمدت ندارد، برعکس از تغییرات کوچک استقبال می‌کند، طبیعی است که در مقابل هر تغییر کوچکی مقاومت خواهد شد. چنانچه این مسئله حتی قانون فیزیکی است، قانون سوم نیوتن می‌گوید، «در مقابل انجام کار مقاومت خواهد شد.» در مقابل، ما به عنوان کسی که می‌خواهد تغییر در زندگی خود به وجود آورد باید از تغییرات کوچک و جزئی شروع کرده و خود را پایبند به آن‌ها کنیم تا مجموع این تغییرات کوچک، عادات و رفتارهای ما را تغییر داده و منجر به تحولات بزرگ در زندگی مان شود.

### ۳. شرطی شدن

شرطی شدن سه مرحله مهم داشته و در راه ایجاد تحول، نقش مهمی ایفا می‌کند. شرطی شدن در واقع عادت کردن تدریجی به برخی تغییرات است. مراحل شرطی شدن به این ترتیب است:

شرط‌گذاری، مراقبت، حساب و کتاب

حال به توضیح هر یک می‌پردازیم:

الف) شرط‌گذاری: ذهن ما وعده‌های طولانی‌مدت را نپذیرفته و به‌سختی برای آن برنامه‌ریزی می‌کند. مثلاً کسی که می‌گوید «دیگر از این پس دروغ نمی‌گویم» نمی‌تواند از ذهن خود توقع برنامه‌ریزی برای رسیدن به چنین مقصودی را داشته باشد.

پس چه بهتر که ذهنمان را با تصمیمات خود هم‌سو کنیم تا نتیجه بهتری به دست آید، به همین منظور ما شرط‌های کوتاه‌مدت یک‌روزه با خود می‌گذاریم، مثلاً من «امروز» برای کاهش وزن خود شیرینی نمی‌خورم.





باشه از فردا شروع می‌کنم». این دقیقاً خطای بزرگ‌تری از تسلیم و زیر پا گذاشتن شرط است. راه درست این است که در درجه نخست مراقبت و قدرت اراده خود را بالاتر ببریم تا چنین اتفاقی نیفتد، اما چنانچه به هر دلیلی شرط خود را زیر پا گذاشتیم، بلند شویم و در ادامه روز به شرط و مراقبت خود ادامه دهیم.

حساب و کتاب: در پایان هرروز با مرور شرط‌های صبحگاهی و مراقبت‌هایی که در طول روز داشتیم عملکرد خود را بررسی کرده و نقاط قوت و ایرادت خود را تحلیل می‌کنیم.

### تکنیک‌های ذهنی

تکنیک «تلقین به نفس و ورود به ضمیر ناخودآگاه با عبارات تأکیدی مثبت» تأثیر شگرفی بر رویدادهای پیش روی ما در زندگی می‌گذارد.

تلقین به نفس در واقع یعنی تکرار کردن عبارات تأکیدی مثبت برای به ظهور رسیدن خواسته‌ها. جالب است بدانید، هر چیزی «چه مثبت و چه منفی» به خود و ذهن مان تلقین کنیم، همان‌گونه برای ما اتفاق خواهد افتاد.

به برخی از عبارات منفی که ما متأسفانه به‌راحتی در زندگی روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم و از تأثیر آن غافلیم توجه کنید:

اگر بخوایم لیستی از تلقین‌های منفی که روزانه به ضمیر ناخودآگاه خود وارد می‌کنیم را تهیه کنیم، خود نیز از وجود این همه عبارت و جمله منفی در زندگی روزمره خود تعجب خواهیم کرد، و اینجاست که متوجه می‌شویم چرا هیچ پیشرفت عمده‌ای در زندگی نمی‌کنیم و همان آدمی هستیم که قبلاً بودیم!

برای تحول و پیشرفت در زندگی باید ابتدا ذهن خود را از جملات منفی خالی کرده و سپس با عبارات مثبت و سازنده، جایگزین نماییم.

عبارات تأکیدی مثبت، جملاتی ساده، روان و برانگیزاننده با ادبیات شخصی خود ما هستند که می‌توانند سرعت رسیدن ما به اهدافمان را چند برابر کنند.

۸ شرط مهم و اساسی برای عبارات تأکیدی مثبت:

۱. جملات مثبت باید در حال دستیابی باشند.
- در برخی کلاس‌های موفقیت گفته می‌شود اگر می‌خواهید به چیزی برسید، آن را در حال ببینید، مثلاً چنانچه در پی خوشبختی هستید بگویید «من خوشبختم»، درحالی که این غلط است.
- در جلسه گذشته گفتیم که در برخی موارد ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه ما در مقابل هم قرار می‌گیرند

وقتی می‌گوییم خوشبختم در حالی که اوضاع چندان مناسب نیست، ضمیر خودآگاه که داده‌های منطقی را می‌پذیرد، خوشبختی فعلی را نپذیرفته و رد می‌کند در حالی که ضمیر ناخودآگاه آن را قبول می‌کند.

وقتی ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه در مورد کاری هم‌سو بشوند، توان آن‌ها در هم ضرب می‌شود، پس چه بهتر که کاری کنیم که آن‌ها را با هم هم‌سو کنیم، اما چگونه؟

خب، من می‌خواهم خوشبخت بشوم، همچنین می‌خواهم ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه را هم با یکدیگر هم‌سو کنم تا نتیجه بهتری بگیرم، پس بهتر است بگوییم:

«من روزبه‌روز به خوشبختی نزدیک‌تر می‌شوم.»

۲. عبارات تأکیدی را باید باور کنیم. بعضی‌ها علی‌رغم به کار بردن عبارات تأکیدی مثبت به نتیجه نمی‌رسند، دلیل آن دو چیز می‌تواند باشد. الف) برنامه‌ریزی و تلاش جسمی را شروع نکرده‌اند، که در جلسات آتی به تفصیل در مورد برنامه‌ریزی و هدف صحبت خواهیم کرد.

ب) عبارات تأکیدی را باور ندارند. یعنی در ذهن شان می‌گویند:

دقت کنید که لزوماً این ما نیستیم که عبارات را باور نداریم، این طعنه‌ها و تمسخرها می‌تواند از جانب اطرافیان هم باشد، یا باید آن قدر قوی باشیم که بتوانیم بر انرژی‌های منفی دیگران غلبه کنیم و یا این که اصلاً اطرافیان را در جریان حرکت خود در مسیر تحول قرار ندهیم.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «با یقین به همه چیز می‌توان رسید.»

باید هر طور شده نسبت به راهی که انتخاب کرده‌ایم باور پیدا کنیم، باید یقین داشته باشیم می‌شود و می‌توانیم، وقتی این باور در کنار تلاش جسمی و عبارات تأکیدی مثبت قرار گیرد، اتفاقات خوبی در زندگی ما خواهد افتاد.

۳. عبارات تأکیدی مثبت حتی‌الامکان باید کوتاه و ساده باشند.

خیلی نباید جمله‌ها را طولانی کرد، باید بتوانیم به راحتی آن‌ها را تکرار کنیم. لازم است چندان در بند جزئیات نباشیم.

۴. عبارات باید «برای ما» برانگیزاننده و محرک بوده به طوری که با به کار بردن و تکرار آن‌ها احساس خوبی به ما دست بدهد.

به‌طور مثال برای ازدواج ممکن است هر کس عبارت خاص خود را داشته باشد.

۵. بهتر است در مواقع مناسب عبارات تأکیدی مثبت گفته شود، مثلاً وقتی ذهن مان از دغدغه‌ها آرام است و آرامش داریم بهترین حالت برای تکرار عبارات تأکیدی است، سعی کنید در مواقع استرس و اضطراب عبارات تأکیدی را به کار نبرید.

۶. حتی‌الامکان سعی کنید عبارات تأکیدی را با صدای بلند تکرار کنید به طوری که خودتان صدا را بشنوید، البته همان‌طور که گفتیم، چنانچه افراد منفی دور و بر شما هستند که با شنیدن عبارات شما را مسخره کرده و نسبت به ادامه کار سرد می‌کنند، سعی کنید آرام عبارات را تکرار کنید.

۷. تا حصول نتیجه عبارات تأکیدی را تغییر ندهید، تکرار یک عبارت ثابت در یک موضوع، برای ضمیر ناخودآگاه بهتر است. مثلاً چنانچه عبارات تأکیدی برای قبولی در دانشگاه است، سعی کنید تا رسیدن به دانشگاه عبارت تأکیدی قبولی دانشگاه را به همان صورتی اولیه تکرار کنید.

۸. بهتر است جملات تأکیدی خود را به این صورت آغاز کنید:

«به لطف خدا ...»، «با کمک خدا ...»، «به لطف الهی ...».

همه زوار هجوم په هتل لبنانی آوردند و به دلیل هجوم جمعیت مردم به شدت تحت فشار قرار گرفته و بعضاً روی هم افتاده بودند.

## شرح حادثه مکه از زبان طاهره قاسمی نژاد

○ گفت‌وگو با جانباز حادثه سال ۶۶

مانده به برگزاری مراسم شکل جدید پیدا کرده بود و نشانه‌ها حاکی از این بود که مراسم براثت از مشرکان امسال با سال‌های گذشته فرق دارد. در مسیر حرکت راهپیمایان هم از بام‌ها سنگ و آجر به سمت حجاج پرتاب می‌شد. آرایش پلیس عربستان سعودی به گونه‌ای بود که گویی آماده برخورد با برگزارکنندگان تجمعات اعتراضی است.

برنامه راهپیمایی ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه شروع شد. زائران ایرانی و خارجی به سمت محل معین حرکت کردند بعد از رسیدن راهپیمایان به محل موردنظر، ابتدا پیام امام (ره) به کنگره حج خوانده شد و سپس سخنرانی نماینده امام شروع شد. ساعت ۱۸ و ۱۰ دقیقه که سخنرانی در حال اتمام بود زائران به آرامی برای مراجعه به محل استقرار خود به سوی سه‌راهی شعب ابوطالب در حال حرکت بودند. ۱۸ و ۴۰ دقیقه پایان مراسم اعلام و بی‌مقدمه حمله نیروهای پلیس به تجمع‌کنندگان شروع شد. پلیس سعودی باتون به دست حجاج را مورد حمله قرار داد. از ساختمان‌های اطراف هم سنگ و آجر به سمت حجاج پرتاب می‌شد. کمی بعد پلیس سعودی با گازهای سمی و خفه‌کننده و شلیک رگبار، زائران را مورد هدف قرار داد.

تلفات لحظه‌به‌لحظه افزایش پیدا می‌کرد و زائرانی که خود را به محل استقرارشان رسانده بودند هم وضع مناسبی نداشتند چون محل اقامت آنان از سوی نیروهای سعودی محاصره شده بود و این محاصره تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت.

آمار تلفات این حادثه از کشته شدن ۳۲۵ نفر با تفکیک ۲۰۳ زن و ۱۲۲ مرد خبر دادند.

امام خمینی (ره) در واکنش به این حادثه خونین و برای نشان دادن مظلومیت ملت ایران، آل سعود را جهت تصدی امور کعبه و حج بی‌لیاقت دانست و در پیامی که دهم مرداد ۱۳۶۶ مصادف با هفتم ذیحجه ۱۴۰۷ هجری قمری خطاب به نماینده خود و سرپرست حجاج ایرانی صادر کرد، اعلام کرد: «آن‌ها به دست خود اسباب افتضاح و رسوایی خود را فراهم کردند... ما اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کعبه داران کنونی لیاقت میزبانی سربازان و مهمانان خدا را ندارند و جز تأمین آمریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آن‌ها کاری از دستشان بر نمی‌آید، به این خوبی نمی‌توانستیم بیان کنیم... و به این اندازه که کارگزاران بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی‌رحمی عمل کردند، موفق نمی‌شدیم.»

به مناسبت سالگرد این حادثه با سرکار خانم طاهره قاسمی نژاد از جانبازان این حادثه به گفت‌وگو



سخنرانی مدعوین و قرائت بیانیه مراسم، به محل استقرار خود برمی‌گشتند.

این روال هر سال، ششم ذیحجه برگزار می‌شد. گرچه تا آن موقع، زائران ایرانی از آزار و اذیت مأموران سعودی در امان نبودند اما همه این اتفاقات ششم ذیحجه ۱۴۰۷ برابر با نهم مرداد ۱۳۶۶ رنگ و چهره‌ای تازه یافت. در این سال دولت عربستان سعودی تدارک تازه‌ای برای برخورد با زائران ایرانی در نظر گرفته بود. برخورد سعودی‌ها در ساعات

پلیس سعودی باتون به دست حجاج را مورد حمله قرار داد. از ساختمان‌های اطراف هم سنگ و آجر به سمت حجاج پرتاب می‌شد. کمی بعد پلیس سعودی با گازهای سمی و خفه‌کننده و شلیک، زائران را مورد هدف قرار داد و...

زائرانی از ایران و دیگر کشورها طی این سال‌ها ضمن برگزاری راهپیمایی آرام و سردادن شعار از محل استقرار خود حرکت می‌کردند و آرام به محل معینی که از قبل تعیین شده بود می‌رفتند و بعد از

نشستیم. وی در سال ۱۳۶۶ از استان گیلان از طرف بنیاد شهید مرکز معرفی و با کاروانی به سرپرستی آقای حائری عازم عربستان سعودی شدند. و اینک شرح حادثه از زبان وی.

### این حادثه در چه روزی اتفاق افتاد؟ توضیح بفرمایید.

روز جمعه بود که به همین مناسبت جمعه خونین نامیده شد. غروب شب جمعه ما به بعثه رفتیم که ما با مراسم برائت از مشرکین آشنا شویم. شب همان جا ماندیم. روز جمعه که راهپیمایی شروع شد. من هم پرچم‌دار جلوی کاروان بودم و هم مسئول چسباندن شعارها بر دیوارها. هنگامی که شعارها دستم بود ناگهان سرم را که بلند کردم دیدم پاسدارهایی که وظیفه‌ی محافظت از ما را بر عهده داشتند زخمی شده‌اند. صدای فریاد شنیدم که برگردید، برگردید.

دیدم که از بالای سردارند با هلیکوپتر تیراندازی می‌کنند و قوطی‌های حلی را پر از سنگ و شن کرده‌اند و از بالای ساختمان‌ها روی سر زائرین می‌ریزند. همه زوار هجوم به هتل لبنانی آوردند و به دلیل هجوم جمعیت مردم به شدت تحت فشار قرار گرفته و بعضاً روی هم افتاده بودند. من به دلیل اینکه ترسیدم وارد این شلوغی و ازدحام جمعیت شوم پشت درخت کاجی رفتم تا خود را نجات دهم و از دید مأموران سعودی در امان باشم. ناگهان دیدم یک پیرزن ایرانی در حال شکستن چوب‌های پرچم‌ها و پلاکاردهاست و با همان تکه چوب‌ها سعی دارد با نیروهای سعودی مقابله کند. من به خودم آمدم. با خودم گفتم که هر چه باشد دیگر از این پیرزن که کمتر نیستم. از پشت درخت بیرون آمدم که صدای جانبازی ویلچری را شنیدم که فریاد می‌زد و کمک می‌خواست. جلو که رفتم دیدم فقط یک‌دست دارد. ناگهان به این جانباز شلیک شد و دستش مجروح شد. به سمتش رفتم که دستش را ببینم که یک مأمور سعودی با سرنیزه اسلحه‌اش چرخ ویلچر را پنجر کرد. با همان حال داشتم ویلچر را می‌کشیدم که یک‌بار دیدم مأمور سعودی بالای سر من است. به یاری الهی در همان لحظه جرات گرفتم و باتوم را از دست آن مأمور گرفتم و به سرخودش کوبیدم و آن مأمور سعودی در آن لحظه به زمین افتاد و از هوش رفت. در آن لحظه گازهای سمی در همه‌جا پخش شده بودند. شرطی‌های سعودی به سمت من آمدند مرا به باد کتک گرفتند. من صدای مردی با لهجه اصفهانی را می‌شنیدم که فریاد می‌زد و برای من و

آن جانباز ویلچری طلب کمک می‌کرد من به‌واسطه آن گازهای سمی و کتک‌های مأموران سعودی از هوش رفتم دو یا سه روز بهوش بودم و وقتی به هوش آمدم دیدم که در بیمارستان ایرانی‌ها بستری هستم. یادم که این جانباز در منا و عرفه داشت این قضیه را تعریف می‌کرد و می‌گفت که خیلی دوست دارم آن خواهر را ببینم و از ایشان تشکر کنم. به ایشان گفتم من همان کسی هستم که شما دارید تعریف می‌کنید. ایشان و خانواده شان بسیار از من تشکر کردند. ناگفته نماند که آن زمان خانم زهرا شجاعی از نمایندگان بنیاد شهید در مصاحبه ایی با من شرح واقعه را جویا شد.

### شما در این حادثه مجروح شدید؟

در همان حادثه مهره‌های کمر من آسیب دید که به فلج شدن منجر شد. کلیه‌هایم تا چند روز بعد از حادثه کار نمی‌کرد. دستگاه گوارشم نیز به دلیل همان گازهای سمی آسیب دید که منجر به عمل برداشت معده‌ام شد.

### مراسم برائت از مشرکان به چه منظور برگزار می‌شود؟

مراسم برائت از مشرکین درواقع یکی از مطالبات حضرت امام (ره) بود. این مراسم برگزار می‌شد تا به‌وسیله آن بتوانیم صدا و آرمان‌های انقلاب را به گوش جهانیان و مسلمانانی که در مراسم حج شرکت کرده بودند برسانیم و به همه مسلمانان بفهمانیم که برائت از مشرکین یکی از اهداف و آرمان‌های اسلام و همین‌طور انقلاب اسلامی ماست.

### شروع و خاتمه مراسم به چه شکلی برگزار می‌شد؟

این راهپیمایی از زیر پل «هجوم» شهر مکه شروع شد. در پایان راهپیمایی ... که در آن زمان رئیس بنیاد شهید بودند، سخنرانی کردند و در پایان سخنرانی هم پرچم آمریکا را آتش زدند. بعد از آتش زدن پرچم آمریکا این وقایع اتفاق افتاد.

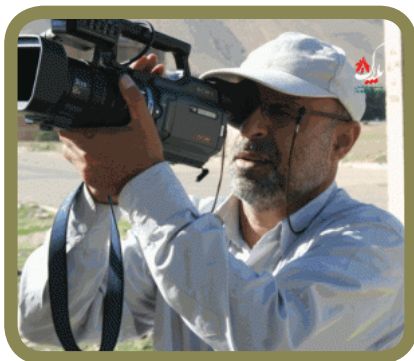
### مگر این مراسم هر ساله برگزار نمی‌شد؟ پس چرا این اتفاق رخ داد؟

بله این مراسم هر سال برگزار می‌شد ولی در آن سال به نظر من مراسم باقوت و شدت بیشتری انجام گرفت و شاید این‌یکی از دلایل این اتفاقات بود. البته این مسئله را هم باید در نظر داشت که آماده کردن آن قوطی‌های حلی که پر از سنگ بود آبی و در لحظه انجام نگرفته و به‌احتمال زیاد از قبل برای این اقدام شوم برنامه‌ریزی کرده بودند. در پایان عرض کنم که بعد از اینکه به هوش آمدم من را در داخل برانکارد گذاشتند و در این وضعیت سعی صفا و مروه می‌کردم که از خواهرم (البته خواهر تنی من نبودند. بلکه به دلیل صمیمیت زیادی که بین ما بود من او را خواهر صدا می‌زدم) پرسیدم حال مامان چطور است؟ او تا این جمله را از من شنید شروع به گریه کرد و من همان‌جا متوجه شدم که در این حادثه غم‌بار، مادرخوانده‌ام که عزیزترین فرد زندگی‌ام بود را از دست داده‌ام.



# حماسه اروند، نبرد بزرگ فاو

○ رحمت انصاری



می کردند.

نیروهای ایرانی نیز پیش از روشن شدن هوا، طبق برنامه‌ریزی دقیق، خود را برای تصرف کامل شهر فاو و اقدامات لازم در مقابل پاتک‌های دشمن آماده کردند.

نیروهای گیلانی و مازندرانی که در قالب لشکر ۲۵ کربلا در این عملیات حضور داشتند برای تصرف شهر فاو و با جنگ خیابانی تعداد دیگری از یگان‌های تیپ ۱۱۱ عراق را منهدم و امید جلوگیری از سقوط شهر فاو را در دل فرماندهان بعث به یأس نشاندهند. لشکر ۲۵ کربلا با در هم کوبیدن مقاومت‌های دشمن و دفع حملات هوایی با پیروزی تمام وارد شهر فاو شدند و پرچم مبارک یا ثامن‌الائمه (ع) که مدت‌ها بر فراز گنبد رفیع امام رضا (ع) در مشهد مقدس در اهتزاز بود به دست فرمانده لشکر ۲۵ کربلا (سردار مرتضی قربانی) بر بالای مناره مسجد فاو نصب شد.

از آغاز عملیات و در زمان کوتاه رزمندگان پرتوان اسلام توانستند رأس البیشه، کارخانه نمک، سایت‌های موشکی و شهر فاو را آزاد و جهت مقابله با پاتک‌های دشمن آماده شوند. از سوی دیگر دشمن که در آغاز عملیات با یگان‌های

با اهداف کوتاه کردن دست نیروهای عراقی از خلیج فارس پاک‌سازی منطقه اروند رود و دور کردن آتش دشمن از شهرهای آبادان خرمشهر آزادسازی شهر مهم و استراتژیک فاو، تهدید بصره از جنوب و اختطار عملی جمهوری اسلامی ایران به رژیم متجاوز عراق، مسئولیت عملیات را بر عهده داشت. لازم به ذکر است از آغاز جنگ تا پایان عملیات والفجر ۸ نیروهای گیلان و مازندران به‌عنوان منطقه ۳ در قالب لشکر ۲۵ کربلا در عملیات ها شرکت می کردند که نیروهای گیلانی در این عملیات نقش چشم‌گیری داشتند.

آغاز عملیات والفجر ۸ با عبور نیروهای غواص با رعایت کامل اصل غافلگیری و حفاظتی به مواضع دشمن از رودخانه عریض اروند آغاز شد تا با خنثی کردن تله‌های انفجاری، معابری را برای عبور دیگر نیروهای ایرانی باز نمایند. از طرفی حجم آتشباری ایران به قدری شدید بود که هرگونه عکس‌العملی را از نیروهای عراقی صلب کرده بود.

دیگر نیروهای اسلام نیز با رعایت کامل اصل حفاظت در حین عملیات از ۳ محور به‌سوی اهداف از قبل تعیین‌شده حرکت کردند و برای محاصره و تصرف شهر فاو به پیشروی خود ادامه دادند. لشکرهای ۵ نصر، عاشورا، ۲۵ کربلا از محور سمت چپ تا رأس البیشه و لشکرهای ولی عصر (عج)، تیپ المهدی (عج) و لشکر فجر، پس از عبور از موانع آبی، با قدرت تمام اقدام به انهدام نیروهای عراقی و محاصره شهر فاو کردند.

با هجوم نیروهای ایرانی، تعداد زیادی از یگان‌های دشمن در محاصره قرار گرفتند و برای فرار از مهلکه نومیدانه اقدام به شلیک سلاح سبک و تیربار

پس از عملیات بدر در سطوح عالی جنگ پذیرفته شد که سپاه و ارتش ضمن پشتیبانی از یکدیگر، هرکدام مستقلاً طرح‌ریزی عملیات کنند و اجرا نمایند. همچنین مدتی پس از این تصمیم، امام خمینی (ره) سپاه را موظف کرد تا همچون ارتش، از قوای سه‌گانه زمین، هوایی و دریایی برخوردار باشد. البته سپاه هم‌زمان با عملیات خیبر، یگان دریایی تشکیل داده بود. لیکن تشکیل این یگان دریایی مسئله جدی در سپاه بود.

عملیات والفجر ۸ اولین نبرد بزرگ سپاه بعد از دریافت حکم تشکیل ۳ نیرو بود. که در این عملیات هر ۳ نیروی سپاه بکار گرفته شدند. هرچند که نیروی هوایی آن از پدافند هوایی و موشکی فراتر رفته بود.

بدین ترتیب این عملیات با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در بهترین شرایط حفاظتی برای اولین بار اجرا شد و به‌منظور پشتیبانی و فریب دشمن از این عملیات یک تک در منطقه هور و دو تک پشتیبانی در شلمچه و ام الرصاص نیز انجام شد.

تک فریب‌دهنده را سپاه در هور اجرا کرد. این تک عملیاتی مهندسی بود که سبب غافل‌گیری بزرگ دشمن شد که به نیروی خودی امکان داد قبل از هوشیار شدن دشمن، موقعیت خود را در منطقه فاو مستحکم سازد. که این روش بهترین کار حفاظتی بود که در منطقه موردنظر اتفاق افتاد البته عملیات دیگری در شلمچه به فرماندهی ارتش اجرا شد گرچه به شکستن خط دشمن نینجامید و بیش از ۴۸ ساعت ادامه نیافت ولی در ۲ روز اول عملیات نقش بسیار مهم در پشتیبانی برای منطقه فاو را داشت.

همچنین تک پشتیبانی سپاه در جزیره ام الرصاص که به شکست خط دشمن و آزادی این جزیره انجامید. تأثیر مهمی در پشتیبانی عملیات والفجر ۸ را داشت. دشمن از فضای منطقه والفجر ۸ بیرون آمده بود و جهت دفاع از خود در این ۲ منطقه وارد عمل شده بود. این امر هم یکی از شیوه‌هایی بود که نیروهای خودی در اطراف منطقه انجام داده بودند. هرچند در این عملیات نیز پس از ۴۸ ساعت بر اثر فشار دشمن منطقه تصرف‌شده تخلیه گردید.

سرانجام در ساعت ۱۰ شب ۲۲ بهمن ۶۴ تک اصلی در منطقه جنوبی فاو درحالی که دشمن غافل بود عملیات را با رمز یا فاطمه زهرا (س) آغاز کرد.

سپاه پاسداران با ۲ سپاه علمی‌اتی کربلا و نوح به فرماندهی قرارگاه مرکزی خانم‌الانبیاء (ص)





کردن ۲۱۰۵ نفر و کشته و زخمی بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی در تاریخ ۱۹ اردیبهشت سال ۶۵ به پایان رسید و تثبیت مناطق آزادشده توسط رزمندگان اسلام کامل شد.

و همه این پیروزی‌ها را مدیون عزیزی هستیم که اول توکل به خداوند سبحان نمودند و دوم رعایت اصل حفاظت قبل از عملیات و در حین عملیات و بعد از عملیات بود که انجام دادند؛ و تا امروز تحلیل گران دنیا نتوانستند تحلیلی درست از این پیروزی بزرگ ایران در فاو داشته باشند.

منابع:

اطلس جنگ ایران و عراق: دفتر تحقیقات ستاد مشترک سپاه

اطلس جنگ ایران و عراق: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

خرمشهر تا فاو: دفتر تحقیقات ستاد مشترک سپاه روزشمار عملیات والفجر هشت: دفتر تحقیقات ستاد

مشترک سپاه

نیز مؤثر نبود و ۷۵ روز پاتک‌های سنگین فقط بر آمار تلفات و خسارت‌های دشمن افزود، چنان‌که سرفرماندهی ارتش عراق به‌یقین رسید که تلاش برای بازپس‌گیری فاو به‌جایی نمی‌رسد و به‌جز انهدام یگان‌هایش نتیجه‌ای ندارد، لذا پاتک‌ها را متوقف کرد.

بدین ترتیب سواحل عراق در کنار خلیج فارس و هم‌مرز باکویت در تصرف رزمندگان ایران باقی ماند. سرانجام این عملیات بعد از ۷۹ روز نبرد، با اسیر

موجود خود در منطقه به مقابله با نیروهای ایرانی برخاسته بود، پس از فروریختن مواضع خود به‌سرعت یگان‌های گارد را وارد نبرد کرد تا با ایجاد تاخیر فرصت لازم را برای ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق فراهم آورد؛ اما یگان‌های گارد نه‌تنها نتوانستند در تثبیت مواضع آزادشده تأخیر ایجاد کنند بلکه سازمانشان نیز متلاشی شد و عقب‌نشینی کردند و از منطقه درگیری گریختند. ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق به میدان نبر



محمد میرزایی  
معاون اعتبارات ثبت اسناد

مقدمه:

تجاری‌سازی فرآیندی است که در آن فکر یا ایده‌های جدید به محصولات یا خدمات مفید تبدیل می‌شود؛ که مستلزم به‌کارگیری تکنیک‌های فنی، تجاری و مالی می‌باشد.

درواقع تجاری‌سازی موتور محرکه و حیاتی یک اقتصاد پویا و فعال و در حال رشد است. این فرآیند به میزان قابل توجه به کارآفرینان، صنعت‌گران، تولیدکنندگان و کشاورزان، صادرکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های تجاری و فنی و به‌طور کلی همه فعالین عرصه اقتصاد، کمک می‌کند؛ ضمن سودآوری برای خود، شرایط بهتری برای «محیط کسب و کار» ایجاد کنند. و نیز میزان رضایت‌مندی کارگران و مشتریان را بیشتر کند و درنهایت، ایده‌های نوین افراد خلاق و مبتکر همراه با توان علمی مهندسان و دیگر افراد علاقه‌مند به بهبود سطح تکنولوژی منجر می‌شود؛ و از این رهگذر اقتصاد ملی است که به رشد و بالندگی می‌رسد. لازم به ذکر است که اختراع نتیجه فکر فرد یا افرادی است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌های خاص را ارائه می‌کنند. با توجه به این موضوع مهم منظور آشنایی با آیین‌نامه اجرایی ثبت اختراع ضروری به نظر می‌رسد که در ادامه نگاهی اجمالی به آن می‌اندازیم.

### آیین‌نامه اجرایی ثبت اختراعات

تنظیم اظهارنامه

ماده ۲: ثبت اختراع مستلزم تسلیم اظهارنامه به مرجع ثبت است.

ماده ۳: اظهارنامه ثبت اختراع باید در سه نسخه و در فرم مخصوص (الف-۱) و به زبان فارسی تنظیم‌شده و پس از ذکر تاریخ، توسط متقاضی یا نماینده قانونی امضاء شود.

ماده ۴: متقاضی باید اظهارنامه ثبت اختراع را به‌صورت حضوری یا با ثبت سفارش (از طریق سامانه) به مرجع ثبت تسلیم نمایند. تاریخ وصول اظهارنامه یا تاریخ داده‌پیام، تاریخ اظهارنامه تلقی می‌گردد.

ماده ۵: اظهارنامه ثبت اختراع باید حاوی نکات زیر باشد.

۱. نام، شماره ملی، نشانی، کد پستی، تابعیت و سمت متقاضی و در صورتی که متقاضی شخصی حقوقی است، ذکر نام و نوع فعالیت و اقامتگاه و محل و شماره ثبت، تابعیت، مرکز اصلی و عنداللزوم هرگونه شناسه دیگر آن الزامی است.

۲. نام، شماره ملی، نشانی و کد پستی نماینده

# ثبت

قانونی متقاضی، در صورت وجود

۳. نام، اقامتگاه و کد پستی شخص یا اشخاصی که صلاحیت دریافت ابلاغ‌ها در ایران را دارند؛ در صورتی که متقاضی مقیم ایران نباشد.

۴. نام، نشانی و شغل مخترع، در صورتی که متقاضی شخص مخترع نباشد.

۵. عنوان اختراع به‌نحوی که اختراع ادعایی را مشخص سازد و مشتمل و کلماتی مثل بهتر و غیره نبوده و ترجیح بین ۳ تا ۱۰ کلمه باشد.

۶. تاریخ، محل و شماره اظهارنامه یا گواهی‌نامه اختراع در خارج، در صورت درخواست حق تقدم

۷. اطلاعات مربوط به اظهارنامه اصلی در صورت تکمیلی بودن اختراع

۸. تعداد صفحات توصیف، ادعاها، خلاصه توصیف اختراع و نقشه‌ها

۹. تعیین طبقه اختراع بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات

۱۰. تعیین ضمائم

تبصره ۱: در صورت تنظیم اظهارنامه و سایر اسناد مربوط توسط اشخاص حقوقی، امضاء آن‌ها از طرف اشخاص مجاز، ضروری است.

تبصره ۲: اسم و نشانی متقاضی مقیم خارج از کشور، علاوه بر فارسی باید به حروف لاتین باشد و با همان حروف نیز ثبت و آگهی شود.

ماده ۶: مدارک زیر باید ضمیمه اظهارنامه شود:

۱. توصیف اختراع

۲. ادعا یا ادعاهای اختراع

۳. خلاصه‌ای از توصیف اختراع

۴. نقشه یا نقشه‌ها در صورت لزوم

۵. مدارک ثبت هویت متقاضی و مخترع

۶. درخواست کتبی مبتنی بر عدم ذکر اسم مخترع، چنانچه مخترع نخواهد اسم وی ذکر شود

۷. مدارک مربوط به‌حق تقدم که باید همزمان با تسلیم اظهارنامه یا حداکثر ظرف ۱۵ روز از آن تاریخ، تسلیم شود.

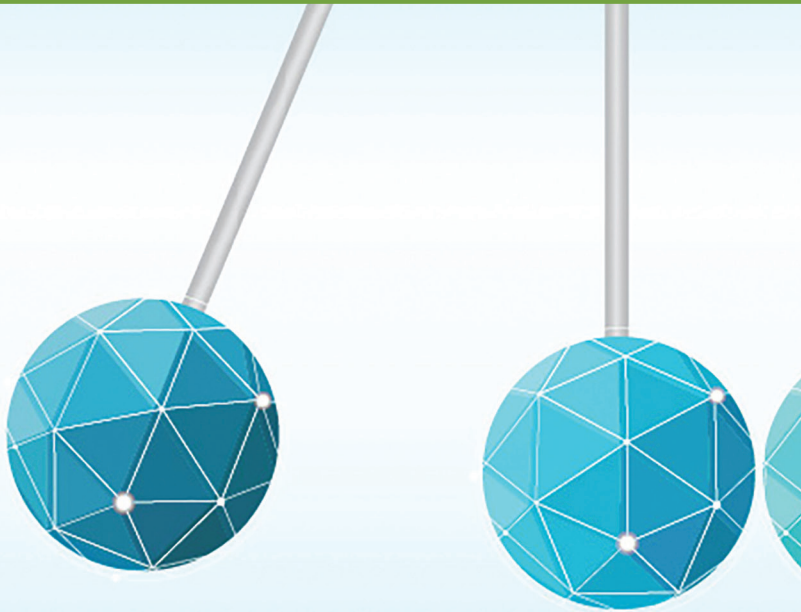
۸. رسید مربوط به پرداخت هزینه‌های قانونی ماده ۷: هر صفحه از توصیف، ادعا، خلاصه توصیف و نقشه اختراع توسط متقاضی نماینده قانونی او امضاء گردد.

ماده ۸: اظهارنامه باید فقط به یک اختراع یا به دسته‌ای از اختراعات مرتبط که یک اختراع کلی را تشکیل می‌دهند مربوط باشد. در غیر این صورت متقاضی می‌تواند اظهارنامه مربوط به اختراع خود را به دو یا چند اظهارنامه مجزا و مستقل تقسیم نماید. ماده ۹: اظهارنامه تقسیمی باید دارای الزامات اظهارنامه اصلی بوده و در تسلیم آن نکات زیر رعایت گردد.

۱. شماره و تاریخ اظهارنامه اولیه؛

۲. در صورت درخواست حق تقدم از سوی متقاضی، ذکر شماره و تاریخ اظهارنامه نخستین همراه با محل حق تقدم

۳. اصلاح توصیف، ادعا، نقشه و خلاصه توصیف



# اختراع

- اظهارنامه اختراع ممکن است با درخواست کتبی متقاضی مسترد گردد.
- مرجع ثبت پس از دریافت اظهارنامه و ضمانت مربوط، آن را در دفتر ثبت و بر روی هر یک از مشخص‌های اظهارنامه، تاریخ دریافت و شماره آن را قید می‌کند و نسخه دوم را بعد از امضاء و مهر قید تاریخ به متقاضی مسترد خواهد کرد.

## بررسی اظهارنامه و ثبت اختراع

- مرجع ثبت پس از دریافت اظهارنامه، آن را ظرف ۶ ماه بررسی می‌نماید.
- تصمیم مرجع ثبت کتبا به متقاضی اعلام می‌شود و متقاضی باید ظرف مدت ۳۰ روز پس از اعلام جهت پرداخت هزینه‌های مربوط اقدام نماید.
- پس از ثبت اختراع، آگهی مربوط به ثبت ظرف ۳۰ روز در روزنامه رسمی، منتشر می‌گردد.

موارد زیر از محیط حمایت از اختراع خارج است: کشفیات، نظریه‌های علمی، روشهای ریاضی و آثار هنری

- درخواست صدور پروانه اجباری بهره برداری اختراع باید از جانب و زیر یا بالاترین مقام دستگاه دولتی تسلیم دبیر خانه کمیسیون گردد.
- دبیرخانه ظرف ۱۰ روز موضوع را به مالک اختراع ابلاغ می‌کند.
- تصمیم کمیسیون مبنی بر اعطاء پروانه اجباری بهره برداری باید در دفتر ثبت اختراع قید و به هزینه متقاضی در روزنامه رسمی کشور منتشر و به مالک اختراع ابلاغ گردد.
- اعتراض به رد و تقاضای ثبت:
- تصمیم مرجع ثبت مبنی بر رد اظهارنامه از سوی متقاضی قابل اعتراض است.
- هزینه‌ها: با توجه به ماده ۱۶ قانون ثبت اختراع، اعتبار گواهینامه اختراع ۲۰ سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه است برای حفظ اعتبار گواهینامه باید، هزینه ای سالانه ظرف دو ماه قبل از انقضای یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه و هر سال بعد از آن به همین ترتیب، طبق جدول هزینه‌ها، پرداخت گردد، والا ثبت اختراع از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

لازم به ذکر است که ثبت اختراع از طریق سامانه مرکز مالکیت معنوی سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور انجام می‌گیرد.

فرایند دستیابی به یک فرآورده و یا ترکیبی از فرآیند یا فرآورده باشد. مشروط به اینکه راجع به یک مفهوم اختراع باشد. ماده ۱۳: خلاصه توصیف اختراع باید مستقیماً زمینه فنی‌ای که اختراع به آن تعلق دارد را تعیین کند تا در جستجوی سوابق اختراع ادعایی مورد استفاده قرار گیرد.

چنانچه نقشه‌ها، نمودارها و جداول بخشی از ضمیمه اظهارنامه اختراع باشند در ترسیم آن‌ها باید نکات زیر رعایت شوند:

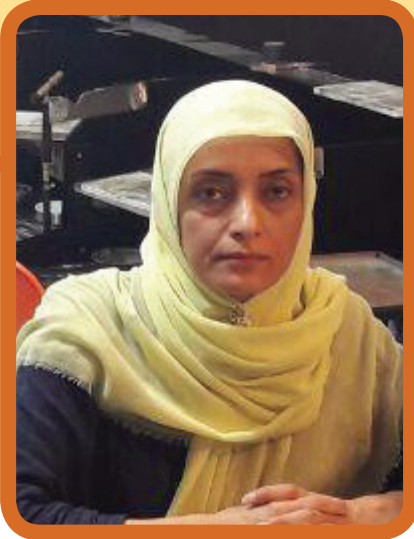
۱. در یک روی صفحه کاغذ بادوام و در قطع A۴ و حداکثر حاشیه اوراق از بالا ۲/۵، از چپ ۱/۵، از راست ۲/۵ و از پایین ۱ سانتیمتر باشد.
  ۲. وضوح و شفافیت نقشه‌ها به نحوی باشد که امکان تکثیر یا تصویربرداری آن میسر شود.
  ۳. تمام عناصر نقشه یا نمودار دارای مقیاس یکسان باشد.
- مدت‌زمان حق تقدم در ثبت اختراع ۱۲ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه اصلی خواهد بود.

## انتقال، اصلاح، استرداد و ثبت اظهارنامه

- انتقال حق مالکیت باید حسب مورد به درخواست کتبی مالک اختراع به مرجع ثبت اعلام گردد.
- متقاضی می‌تواند تا قبل از ثبت اختراع، اظهارنامه خود را اصلاح کند، مشروط بر اینکه از حدود اظهارنامه نخست تجاوز ننماید.

۴. مذکور در اظهارنامه اصلی مدارک مربوط به پرداخت هزینه اظهارنامه‌های تقسیمی
- ماده ۱۰: توصیف اختراع باید صریح و همراه با جزئیات کامل و مشتمل بر نکات زیر باشد
۱. عنوان اختراع به گونه‌ای که در اظهارنامه ذکر گردیده است.
۲. زمینه فنی اختراع مربوط
۳. مشکل فنی و بیان اهداف اختراع
۴. شرح وضعیت دانش پیشین و سابقه پیشرفت‌هایی که در رابطه با اختراع ادعایی وجود دارد به نحوی که برای درک و بررسی جدید بودن اختراع، کفایت کند.
۵. ارائه راه‌حل برای مشکل فنی موجود، همراه با شرح دقیق و کافی و یکپارچه اختراع و توضیح نقشه‌ها و نمودارها و اشکال
۶. بیان مزایای اختراع ادعایی نسبت به اختراعات پیشین
۷. توضیح حداقل یک روش اجرایی برای به‌کارگیری اختراع
- ماده ۱۱: ادعای اختراع باید عناصر اختراعی را که حمایت از آن درخواست شده است، در چارچوب مشخصه‌های فنی تعیین کند هر اختراع می‌تواند مشتمل بر یک یا چند ادعا باشد. ادعا یا ادعاها باید صریح و منجز باشد.
- ماده ۱۲: ادعا یا ادعاها ممکن است ناظر بر فرآورده،

در ایران صنعت تراش سنگ رونق چندانی ندارد چون در کشورهای مثل هند، چین، تایلند سنگ به صورت انبوه و با قیمت بسیار پایین (به علت دستمزد پایین کارگرها) تراشیده می شود و تجار ایرانی ترجیح می دهند سنگ هایی مثل الماس را از هند، عقیق را از چین تهیه کنند.



## نقش سنگ در جواهرسازی

گفت و گو با زهره باقری  
سنگ تراش و جواهرساز

### از تراش سنگ بر ایمان بگویند.

سنگ هایی که می خواهد پولیش بشود باید نرم تر از سنگی باشد که می خواهد آن را بتراشند یعنی باید سختی کمتری داشته باشد. از دیسک های الماس که پودر الماس در تهیه آن بکار رفته می توان برای تراش تمام سنگ ها استفاده کرد.

دیسک های CBN از دانه های «تنگستن کارباید» که با برنز ادغام شده و به شکل گرد و دوار ساخته می شود برای تراش سنگ های زیر سختی الماس استفاده می شود.

برای پولیش سنگ های سخت غیر از الماس مثل سنگ عقیق از سمباده های «سیلیکون کارباید» و پودر اکسید کروم استفاده می شود.

برای سنگ هایی مثل فیروزه که سختی کمتر و بافت سفالی شکلی دارند می توان از سمباده های اکسید آلومینیوم و پودر سفیدرنگی که در مشهد بنام سفید آب معروف است برای تراش و پولیش استفاده کرد.

معمولاً الماس و سنگ های شفاف را به شکل Fasited (فستیو یا وجه دار (مانند آویزهای لوستر) تراش می دهند.

سنگ های نیمه شفاف مثل فیروزه و عقیق را به صورت کبوش یا گنبدی شکل می تراشند. علت تراش به صورت وجه دار این است که این کار باعث درخشش بیشتر و زدن فلش سنگ می شود.

در تراش های fasited شکل های برلیان تراش (گرد، oval، بیضی) پرناس یا مربع و ... متداول است.

در این نوع تراش سعی می شود که ناپاکی های سنگ در قسمت های کناری و زیر سنگ قرار بگیرد تا سنگ زیباتر دیده شود.

در سنگ های رنگی شامل زمرد سعی می شود از جهتی تراش بخورد که غلظت رنگ بیشتر در سطح روی سنگ باشد. این کار به زیبایی سنگ فوق العاده کمک می کند.

### تفاوت سنگ ها در چیست توضیح بفرمایید.

سنگ هایی مثل الماس وزیر کون که ساختار کریستالی کیو بیک دارند از تمام نقاط یک رنگ دیده می شوند.

ولی سنگ هایی که ساختار کریستالی کیو بیک ندارند از هر طرف سنگ غلظت رنگی متفاوتی دارد. سنگ ها دارای ناپاکی هستند که این ناپاکی ها نشانه های طبیعی بودن و حتی گاهی باعث زیبایی

زهره باقری نثار به همراه همسر خود در حرفه جواهرسازی مشغول به کار می باشند. آن ها با احداث کارگاه طلا سازی به مدت بیش از بیست سال تجربه بسیاری در این زمینه دارند. جواهرسازی و سنگ تراشی از مشاغلی است که مورد توجه بسیاری از مردم به خصوص قشر جوان می باشد. در این راستا با ایشان در خصوص سنگ تراشی و کاربرد آن در جواهرسازی به گفت و گو نشستیم. ماحصل این گفت و گو را می خوانید.

### توصیف شما به عنوان جواهرساز

#### از سنگ چیست؟

با دیدن سنگ های رودخانه که شکل گرد و براق دارند متوجه شدم که آن ها در اثر سایش با یکدیگر صیقل می شدند. سنگ هایی که بافت منسجمی ندارند و تخلخل دارند گرد می شوند ولی پولیش و براق نمی شوند.

در رودخانه ها سنگ عقیق به صورت براق و پولیش پیدا شده. جریان آب رودخانه سنگ ها را به هم می ساید و باعث صیقل آن ها می شود. از همین پدیده می توان نتیجه گرفت که سنگ ها را توسط خودشان می توان تراشید و پولیش و براق کرد.

سخت ترین سنگی که در طبیعت وجود دارد الماس است و شخصی بنام مو سنگ ها را به ۱۰ قسمت درجه بندی کرد. سختی الماس را ۱۰، یاقوت را ۹، عقیق و زمرد را ۷ و ... تعیین نمود.

### اهمیت سنگ در زیورات

#### چگونه شکل گرفت؟

علاقه و زیبایی بشر به رنگ ها باعث گردید که همواره اشیایی را که دارای رنگ های طبیعی هستند در زیورات جایگاه و اهمیت ویژه ای داشته باشند. سنگ ها با داشتن رنگ های مختلف و متنوع از گذشته های بسیار دور مورد توجه قرار گرفته است. بشر با هنر نمایی بر روی سنگ ها و به عنوان مثال آویزان کردن آن به عنوان گردن بند، از آن لذت می برده است. به مرور گذشت زمان دانش بشر به مرحله پیشرفته تری رسید، و انسان توانست با تراش بر روی سنگ فرم های دلخواه خود را خلق کند.

البته در هر جامعه ای علاوه بر جنبه زیبایی کاربرد سنگ در زیورات، گاهی زمینه اعتقادی هم دارد، مثل شرف الشمس عقیق، یمن فیروزه، جید و ... که بسته به اعتقادات مردم رنگ خاصی مورد توجه قرار گرفت.

بیشتر سنگ می شود. مثل وجود کریستال های روتایل در یاقوت که بعد از تراش شکل ستاره روی آن ایجاد می کند و به نام یاقوت Star معروف است. سنگ هایی مثل opal، ساختار کریستالی گوی مانندی دارند که در بین این گوهای آب وجود دارد. ارتباط اپتیکی در این سنگ بازی رنگ ایجاد می کند و باعث می شود. این سنگ زیر نور زیبایی خاص و رقص نور داشته باشد.

سنگ ها برحسب جرم حجمی، ضریب شکست نوری، فنمانا (نشانه های ظاهری) ناپاکی های درونی و رنج رنگی موجود در طبیعت شناسایی می شوند. بعضی از سنگ ها در طبیعت تمامی رنگ ها را شامل می شوند مثل کوارتز که آبی آن بلوتوپاز، زرد آن سیتیرین، دودی آن اسموکی کوارتز، بنفش آن آماتیس و ... نام گذاری شده اند.

### آیا تمامی سنگ های مورد استفاده

#### در ایران تولید می شود؟

در ایران صنعت تراش سنگ رونق چندانی ندارد چون در کشورهای مثل هند، چین، تایلند سنگ به صورت انبوه و با قیمت بسیار پایین (به علت دستمزد پایین کارگرها) تراشیده می شود و تجار ایرانی ترجیح می دهند سنگ هایی مثل الماس را از هند، عقیق را از چین تهیه کنند. حتی دیده شده فیروزه نیشابور را برای تراش به این کشورها می فرستند.

و این صدمه ای برای تراشکارهای سنگ ایرانی است.

### قیمت سنگ ها بر چه مبنایی است؟

قیمت سنگ ها بستگی به زیبایی، درجه خلوص و کمیابی آن ها دارد.

الماس سنگی است که طی میلیون ها سال در اثر فشار و حرارت بالا در اعماق زمین شکل می گیرد که بعد از خروج گدازه ها از دهانه آتش فشان به سطح زمین می آیند که در این فرایند ممکن است حتی ۹۰٪ آن ها از بین بروند.

استفاده الماس برای بشر بیشتر در صنعت است تا مصارف جواهری.

بهترین الماس در قاره آفریقا بهترین زمرد مختص



# کتلت میگو

کلمبیا، فیروزه در نیشابور و عقیق باکیفیت و رنگ طبیعی در یمن یافت می‌شود.

سنگ عمیق از فراوان‌ترین سنگ‌ها روی کره زمین است چون سنگ عقیق از کوارتز تهیه شده است و کوارتز بیشترین حجم کره زمین را تشکیل داده است.

گاهی سنگ‌ها شباهت ظاهری خیلی نزدیکی به هم دارند و انسان‌ها را به خطا می‌اندازد مثل سنگی که در تاج ملکه انگلستان بود و تا مدت‌ها فکر می‌کردند که یاقوت سرخ است اما بعد از شناسایی دقیق متوجه شدند که این سنگ اسپنیل است که ارزش کمتری نسبت به یاقوت سرخ داشت.

## چه عملیاتی بر روی سنگ انجام می‌دهید؟

در تراش سنگ‌ها از آب به‌عنوان خنک‌کننده استفاده می‌شود. چون گرمای حاصل از این باعث ترک خوردن و شکستن سنگ‌ها می‌شود غیر از الماس که ساختار کیوبیک دارد و گرما در هنگام افزایش به آن صدمه‌ای نمی‌زند.

برای تراش ابتدا باید دور سنگ رو به شکلی که می‌خواهیم مثلا یمنی بترائیم. ما برای این کار از شابلون‌های یمنی که با فلز خودمان درست کردیم استفاده می‌کنیم چون باید سنگ‌ها هم به یک سایز تراشیده می‌شود. احتیاج به الگو داشتیم. بعد که دور سنگ به شکل شابلون درمی‌آید سنگ را روی میله‌های آهنی با چسب می‌چسبانیم که به آن داب می‌گویند سپس شروع به تراشیدن روی سنگ به صورت دامله و گنبدی شکل می‌کنیم بعد از تراش باید از سمباده‌های زبر تا نرم به ترتیب استفاده بشود تا سنگ آماده جلای نهایی شود. بعد از پودر سفیداب برای فیروزه و پودر سبزرنگ اکسید کروم برای عقیق استفاده می‌کنیم تا بهترین جلا رو داشته باشیم.

حتماً باید در تمام مراحل تراش و جلا از آب استفاده شود و این خیلی مهم. سنگ فیروزه و صدف به خاطر بافت اسفنجی که دارد خیلی نرم و خوش‌تراش و خوش‌جلاست و با اندکی کار روی سنگ شکل دلخواه و می‌گیرد و سریع برای جلا آماده می‌شود. ولی برای عقیق باید دقت و وقت بیشتری می‌گذاشتیم.

## آموختن این حرفه به چه شکلی است؟

الآن خیلی آموزشگاه‌ها هستند برای آموزش تراش سنگ و شناسایی سنگ می‌شود از آن‌ها استفاده کرد.

**مواد لازم**  
میگو: ۲۰۰ گرم  
سیب‌زمینی پخته‌شده: ۲ عدد متوسط  
پیاز رنده‌شده: ۱ عدد  
سیر رنده‌شده: یک تا دو حبه  
زنجبیل تازه: یک چای‌خوری  
زردچوبه و تخم گشنیز و ادویه مرغ و ماهی و نمک مقداری  
گشنیز خردشده: دو تا سه قاشق سوپ  
آرد ذرت زردرنگ: ۲ تا ۳ قاشق غذاخوری  
روغن

## روش تهیه

میگو رو چرخ کرده بعد به سیب‌زمینی رنده شده اضافه می‌کنیم و بعد پیاز رنده شده که آب اضافیشو دور می‌ریزیم و خود پیاز و سیر رنده شده رو به مایه افزوده و بعد ادویه‌ها رو که شامل تخم گشنیز، زنجبیل رنده شده، زردچوبه و نمک هستش و آرد ذرت رو اضافه و خوب مخلوط می‌کنیم تا یکدست بشه. در آخر گشنیز خردشده رو افزوده و دوباره مخلوط کرده. حالا توی تابه روغن ریخته روی حرارت می‌گذاریم تا داغ شود. بعد به اندازه نارنگی از مواد برداشته در دست صاف کرده، در تابه سرخ می‌کنیم. آرد ذرت حذف نشه چون هم باعث میشه چسبندگی که داره برطرف بشه و کتلت شما وا نره و هم باعث تردی کتلت میشه.

# میلک شیک گیللاس



به نظرم با توجه به فصل تابستان و گرمای شدید این روزها تهیه نوشیدنی خنک و سرکشیدن آن خالی از لطف نباشد. طرز تهیه:

ده تا دونه گیلاسو هستشو گرفتیم و گذاشتیم تو فریزر یخ بزنه. بعد ریختم تو مخلوط‌کن و حسابی زدم تا یکدست بشه. بعد بهش ۶ قاشق غذاخوری بستنی وانیلی و سه قاشق غذاخوری شیر اضافه کردم و باز حسابی زدم تا یکدست بشه و ریختم تو لیوان. مقداری بستنی زعفرونی رو هم با شیر زدم تا یکدست بشه و ریختم روش. حالا به نوشیدنی خنک و خوشمزه داریم که حسابی میتونه تو این هوای گرم بهمون کمک کنه.

## پاوه اولین حضورم در جبهه بود

تقی رجبی



می کردم من را هم به جبهه بپزند. گفتند باش تو رو تخصصی می توانیم ببریم. مثلاً اگر کسی کاری بلدی مثل نانوائی، بخاری یا چیزهایی دیگر می توانیم ببریم جبهه. منم گفتم هر دو کار رو بلدم. گفتند تو به این کوچکی چطور بلدی؟ واقعیت این بود که تا اون موقع اصلاً بلد نبودم.

خلاصه رفته ثبت نام کردم به عنوان نانوا، ما را اعزام کردند منطقه رامسر، چمخاله بعد فرستادند تهران. ازم پرسیدند تو را به عنوان نانوا آوردند؟ گفتم نه بابا تخصص چیه؟ من رزمنده هستم. گفتند آموزش دیدی؟ گفتم بله. ۲ و ۳ ماه در منجیل آموزش دیدم.

به هر حال رفته برای کردستان. اولین حضورم پاوه منطقه قوله شمشیر بود. قسمت های جوان رود. دران زمان به ما اسلحه دادند و گفتند باهش شلیک کنید و منم چون تا حالا شلیک نکرده بودم از کناریم پرسیدم ضامن اسلحه کجاست؟ گفت مگر تو آموزش ندیدی؟ گفتم نه. بهش گفتم به کسی نگی من چیزی بلد نیستم. گفت اینجا خطرناک، اینجا کردستانه. خواهش کردم. به هم یاد داد که تک تیر کجاست و ضامن، کجای اسلحه قرار دارد. اولین شلیک را همون قوله شمشیر پاوه انجام دادم و تازه اونجا شدم رزمنده.

غذا. پیش خودمان می گفتیم یک روز را می شود تحمل کرد. هوا کم کم نزدیک ظهر می شد. تشنگی بدجوری به ما فشار می آورد. به نظرم در سن های نوجوانی یک مقدار تحمل تشنگی برای ما که ۱۴ سال داشتیم سخت بود. یادم است که حتی برای خواندن نماز به ما گفتند باید تیمم کنید چون می دانستند اگر آب دستمان برسد تحمل نخواهیم کرد. (با خنده)

ساعت شد ۲ یا ۳ بعدازظهر. همچنان بدون آب و غذا. واقعاً سخت بود. هوا هم خیلی گرم. دیگر نای حرکت نداشتیم.

همان طور که می رفتیم ستون جلوی ما گفت جلوتر آب هست. یک رودخانه البته رودخانه نبود. شبیه کانال آب بود. همه خوشحال دویدند به سمت آن. فرماندها می گفتند که نرید و از آن آب نخورید. هیچ کس گوش نمی کرد. دران لحظه با خود می گفتیم ای بابا از آموزش و جبهه گذشتیم. فقط به فکر خوردن آب بودیم. رفتیم نزدیک آب. آن طرف تر هم چند نفر از اهالی آن منطقه با اشاره و داد می گفتند که از آن آب ننوشیم. با خود گفتیم آن ها چرا این حرف را می زنند. برخی از آن آب خوردند. وقتی محلی ها به ما نزدیک شدند تازه فهمیدیم آب حمام از این مسیر می گذرد و بچه ها از آن آب خورده بودند.

چند ماه گذشت. تقریباً اواخر ۶۳ بود. التماس

در زمان جنگ تحمیلی کلاس چهارم ابتدایی بودم. وقتی وارد جبهه و جنگ شدم ۱۴ سالم تمام نشده بود. در سال ۶۱ و ۶۲ چندین بار برای ثبت نام جبهه به مسجد محله رفته ولی به علت کمبود سن قبولم نکردند.

در همان سال ها در کانون اجازه ثبت نام روبه هم دادند. یکی از علت هایی که دوست داشتم برم پایگاه به خاطر اسلحه بود چون کار با اسلحه را خیلی دوست داشتم ولی اجازه استفاده از اسلحه را به هم ندادند به خاطر اینکه سنم خیلی کم بود. سال ۶۳ شد. دوست داشتم از کانون پیام بیرون و پایگاهی بشم. وقتی وارد پایگاه شدم اجازه استفاده از اسلحه روبه هم کم کم دادند البته بدون فشنگ و ماسوله. ولی باین وجود خیلی خوشحال بودم که به هم اسلحه دادند.

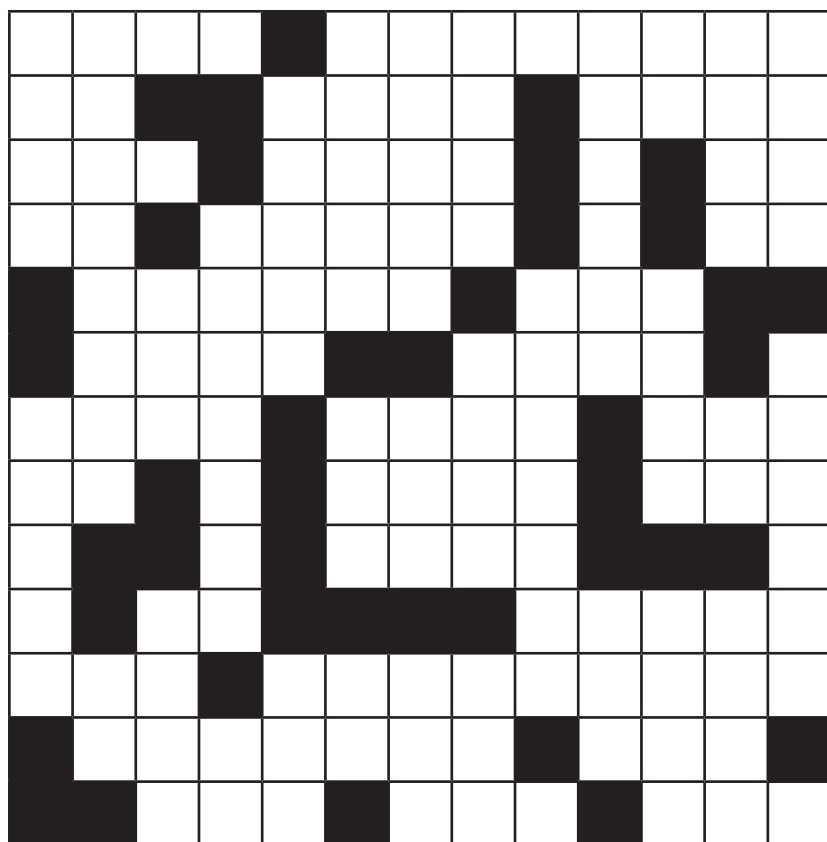
اوایل ۱۴ سالی برای یک آموزش اردویی ما را بردند طرف های رامسر. آموزش تکمیلی در منجیل بود. یک ۱۰ و ۱۵ روزی بود که آموزش می دیدیم. یک روز از آن آموزش روز بسیار سختی بود که اگر دوام می آوردیم می رفتیم منجیل و بعد از آن هم می توانستیم به جبهه می رفتیم. اعلام کردند که هیچ گونه آب و خوراکی با خودتان نیاورید. صبح می رویم و ظهر برمی گردیم.

اوایل تابستان بود. بعد از نماز صبح حرکت کردیم به سمت کوه های رامسر. دست خالی. بدون آب و

طراح جدول: ساحل علی پور



۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



## جدول کلمات متقاطع

### افقی

۱. از اعیاد اسلامی - خشکیار معروف ایران
۲. زکات بدن - همراه - خاندان
۳. داخل به زبان عربی - به معنی پروردگارا - ترس
۴. ضمیر عربی - جهنم - از حروف اضافی
۵. آرزو - از حروف اضافی
۶. میوه هزار دانه - امروزی
۷. واحد پول کشور ایتالیا - تهنشین - مسجد تاریخی شیراز
۸. زنبیل - نوعی گاز - از حروف انگلیسی
۹. چشم داشت
۱۰. لرزش موبایل - کلاه به انگلیسی
۱۱. کارخانه فرآوری نفت - محیط تایپ
۱۲. اسم پسر - حیوانی سریع
۱۳. از ابزار کشاورزی - تخت - موهای پشت گردن اسب

### عمودی

۱. روز نهم ذی الحجه - وسیله رصد ستارگان
۲. وسیله بازی - تیرپیکان دار - بنفش کمرنگ
۳. سد معروف دزفول - چاقو - ذرت
۴. برنده - اهلی
۵. حیوانی که از خود الکتروسیته تولید می کند.
۶. بزرگ ترین سوره قرآن - یکی از شخصیت های شاهنامه - بهترین نوشیدنی در قرآن
۷. سرور - از حروف انگلیسی - یکی از اعضای بدن
۸. نام دیگر کربلا - طناب - از حروف اضافی
۹. لوله تنفس - خوشحال به انگلیسی
۱۰. میوه شب یلدا - نه به عربی
۱۱. دوراست - دهلیز
۱۲. بزرگ ترین کشتی در سال ۱۹۱۲ - جویی که در آن خون جریان دارد
۱۳. اسم دختر - چربی



### ○ گفتگو با همسر شهید حججی

گفتم خیلی دوست دارم همسرم سپاهی باشد. محسن چون خودش هم علاقه داشت، از این پیشنهاد استقبال کرد فقط گفت: «زهرا اگر من این مسئولیت را قبول کنم، هر جایی که اسمی از اسلام بیاید، می‌روم و از اسلام دفاع می‌کنم، چه مرزهای کشور خودمان باشد، چه یک کشور دیگر ... تو با این قضیه مشکلی نداری؟» گفتم نه ... مشکلی ندارم. از همان موقع که محسن که عضو سپاه شد، بحث مدافعان حرم پیش آمد و تنها آرزوی همسرم این بود که اعزام به سوریه قسمت او هم بشود.

#### چرا این آرزو را داشت؟

می‌گفت اگر ما ۴۰۰ سال پیش نبودیم که یار و یاور اهل بیت باشیم، حالا این فرصتی است که به ما داده شده و نباید این فرصت را از دست بدهیم. حتی دفعه اولی که می‌خواست اعزام شود، من باردار بودم، محسن آمد با خوشحالی گفت که بالاخره با کلی خواهش، اسم من درآمده و با اعزام موافقت شده، می‌خواهم بروم سوریه اما تو به کسی نگو که بارداری که مخالفت نکنند. من هم همین کار را کردم و محسن چند روز قبل از محرم ۹۴ اعزام شد و بعد از اربعین ۹۴ به خانه برگشت.

#### می‌دانستید، در کدام منطقه

#### مشغول عملیات است؟

در مأموریت اولش بیشتر در حلب و لاذقیه بود.

#### بعد از این که از سوریه برگشت،

#### چه حال و هوایی داشت؟

هم خوشحال بود هم یک حسرت عجیب داشت. دلیل خوشحالی‌اش این بود که می‌گفت فرصتی برایش فراهم شده که به وظیفه‌اش که دفاع از اسلام بوده عمل کند، همین طور چون سردار سلیمانی را ملاقات کرده بود خیلی خوشحال بود، چون از قبل آرزو داشت که یک روزی ایشان را از نزدیک ببیند. نسبت به سردار سلیمانی یک ارادت خاصی داشت و همیشه الگویی در زندگی سردار سلیمانی است. این دفعه دوم هم که رفت می‌گفت زهرا دعا کن من دوباره سردار را ببینم، می‌خواهم از او بخوایم کاری بکنم که من همان‌جا در سوریه بمانم و تا تمام نشدن جنگ برنگردم ایران.

#### حسرتش برای چه بود؟

می‌گفت من در هر عملیاتی که داشتم، هر آن شهادت را می‌دیدم که به طرفم می‌آید اما نصیبم نمی‌شود.

# خدا یا شکر ت که محسن به آرزویش رسید

حالا همه‌جا پر است از قصه رشادت جوانی دهه هفتادی بانام شهید محسن حججی جوانی که تیرماه ۱۳۷۰ در اصفهان به دنیا آمد و مردادماه ۱۳۹۶ در سوریه به شهادت رسید. جوانی که آرزویش شهادت بود. آرزویی که حالا یک‌طور خاص، یک‌شکل غریب، رنگ حقیقت گرفته؛ محسن سرش را داده و بال درآورده و پرواز کرده سمت آسمان. «زهرا عباسی» همسر این شهید مدافع حرم، به بهانه شهادت همسر جوانش با رسانه‌ها گفتگویی داشته است که بخشی از آن را می‌خوانید.

#### خانم عباسی چطور با شهید حججی

#### آشنا شدید؟

اگر ماجرای آشنایی ما را کسی از محسن می‌پرسید می‌گفت ما به واسطه شهدا باهم آشنا شدیم، حالا من هم همان را می‌گویم: ما به واسطه شهدا آشنا شدیم. من در یک نمایشگاه که مربوط به دفاع مقدس و بزرگداشت شهدای این دوران بود کار می‌کردم، همسرم هم در یک دوره‌ای آنجا با ما همکار شد، همدیگر را دیدیم و به قول محسن، این شهدای دفاع مقدس بودند که واسطه آشنایی ما شدند.

#### چه خصوصیتی در ایشان دیدید که فکر

#### کردید می‌تواند شریک زندگی تان باشد؟

من همیشه از خدا می‌خواستم که کسی را در مسیر زندگی من بگذارد که حضرت زهرا (س) تائیدش کرده باشد، این آرزوی قلبی‌ام بود و وقتی محسن را دیدم، با تمام وجودم حس کردم که دلش یک‌جور

خاصی با اهل بیت است. ۱۱ آبان ۹۱ عقد کردیم؛ ۹ مرداد ۹۳ ازدواج کردیم و زیر یک سقف رفتیم. تنها فرزندمان علی، هم ۲۴ فروردین ۹۵ به دنیا آمد.

#### چطور شد که مدافع حرم شد؟

قضیه‌اش طولانی است ... محسن همیشه فعالیت‌های جهادی و فرهنگی داشت اما موقعی که به خواستگاری من آمد هنوز عضو سپاه نبود، یعنی بحث مبارزه و ... هنوز در زندگی‌اش مطرح نشده بود، با این حال علاقه زیادی به شهادت داشت. یادم است سر سفره عقد که نشسته بودیم، به من گفت: «الان فقط من و تو، توی این آینده مشخص هستیم، از تو می‌خواهم که کمک کنی من به سعادت و شهادت برسم.» من هم همان‌جا قول دادم که در این مسیر کمکش کنم. در این چند سال هم همیشه همه تلاشم این بود که این خواسته‌ای را که سر سفره عقد از من داشت، انجام بدهم. حتی خودم از او خواستم که اگر امکان دارد، عضو سپاه بشود.



همان‌طور که بود دیدم. شما این عکس را نگاه کنید، انگار نه‌انگار که شوهر من تیر خورده و اسیر دست داعش است، اصلاً ترس در این چشم‌ها نیست، هم‌ااش شجاعت است، دلیری است، محسن توی این عکس مثل کوه است، باصلا بت است.

### خبر شهادت محسن را کی شنیدید؟

ساعت سه بامداد چهارشنبه ... من اصلاً خواب را چشمم نمی‌آمد، بعد از این که عکس اسارتش را دیده بودم مدام فکر می‌کردم که الان محسن در چه حالی است، یک‌دفعه دیدم در گروه‌های تلگرامی زدند که شهید بی‌سر، شهادت مبارک ... دیدم این شهید بی‌سر، محسن من است. همان موقع فهمیدم که محسن به آرزویش رسید. من افتخار کردم که محسن شهید شده، گفتم خدایا شکر که محسن به آرزویش رسید.

همان موقع فکر کردم که چقدر شوهر من پیش اهل بیت عزیز بود که از هر کدام یک نشانه گرفت و شهید شد. دیدم دشمن برای امام علی (ع) خنجر کشید، برای همسر من هم خنجر کشید، سر شوهر من را مثل امام حسین (ع) از تن جدا کردند، محسن مثل علی‌اکبر جوان بود، مثل حضرت زینب (س) اسارت کشید ... دیدم ارادت شوهر من به اهل بیت آن‌قدر زیاد بود که از هر کدام یک نشانه گرفت و شهید شد.

اما محسن واقعاً راحت از من و فرزندمان دل کند. چون عشق اصلی‌اش خدایی بود. همه می‌دانستند که چقدر من و محسن به همدیگر علاقه داشتیم، همه غبطه می‌خوردند به عشق بین من و شوهرم. اما او همیشه می‌گفت زهرا در عشق من به خودت و پسرمان علی شک نکن ولی وقتی که پای حضرت زینب (س) بیاید وسط، زهرا جان من شماها را می‌گذارم و می‌روم.

**از اسارت محسن چطور باخبر شدید؟**  
سه‌شنبه بود که عکس محسن را در تلگرام دیدم.

### همان عکس معروفی را که محسن را اسیر داعشی‌ها نشان می‌دهد؟

بله همان عکس را دیدم. من تلگرام محسن را روی گوشی خودم نصب کرده بودم، یک‌دفعه دیدم در یکی از گروه‌هایی که با دوستانش داشت، عکسی را فرستادند و گفتند برای آزادی این اسیر دعا کنید. من عکس را باز کردم و دیدم این اسیر محسن من است.

### چه حالی داشتید؟

انتظار اسارتش را نداشتم به خاطر همین شوکه شدم اما چون محسن از من خواسته بود کمک کنم در مسیر شهادت باشد، آرزو کردم که به همان هدفش برسد.

**همسر شما در این عکسی که منتشر شده، آرامش عجیبی دارد، آن‌قدر که این آرامشش نظر همه را جلب کرده و در این چند روز خیلی‌ها از اسیری می‌گویند که بدون ذره‌ای ترس مقابل داعشی‌ها ایستاده. خودتان محسن را در این عکس چطور دیدید؟**

می‌گفت تیر به سمتم شلیک می‌شد اما از کنار سرم رد می‌شد، ترکش می‌آمد اما ترکش‌ها سرد بودند عمل نمی‌کردند، خمپاره بغلم زمین می‌خورد اما منفجر نمی‌شد ... حتی یک‌بار وقتی داخل تانک بودم، تانک را زدند، همه گفتند که حتما شهید شدم اما من حتی یک خراش هم برنداشتم. بعد می‌گفت زهرا، لابد من یک جای کارم می‌لنگد، یک جای کارم اشکال دارد که شهید نمی‌شوم. گله می‌کرد که چرا من شهادت را می‌بینم اما شهادت به سمتم نمی‌آید ... آن موقع من هنوز باردار بودم، می‌گفتم غصه نخور، صبر کن، حتما باید شرایطش مهیا باشد. محسن هم می‌گفت: من یک سقف بالای سر تو و این بچه درست کنم، انشالله دیگر همه چیز حل می‌شود و می‌دانم که کارم حل است و همین‌طور هم شد، روزی که سقف خانه ما را زدند و کار سقف تمام شد، من خبر اسارت محسن را شنیدم.

### دفعه دوم کی به سوریه اعزام شد؟

۲۷ تیر ماه اعزام شد. این بار خداحافظی برایش سخت‌تر نبود؟ بالاخره علی به دنیا آمده بود و به عنوان یک پدر و یک همسر وابستگی محسن به خانواده‌اش قطعاً بیشتر شده بود. شاید باورتان نشود

# عرفه

## در تابش نور روایات

○ نسیبه رضائی  
کارشناس الهیات، علوم قرآن و حدیث

خداوند رحمان در قرآن، یکی از معیارهای ارزشمندی انسان‌ها و ملاک عنایت خداوند به وی را، «دعا» معرفی می‌کند و می‌فرماید: قُلْ مَا يَعْجِبُكُمْ رَبِّي، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ! بگو: پروردگار من برای شما وزنی نمی‌نهد اگر اهل دعا کردن نبودید.<sup>۱</sup> و در مقابل سرپیچی از دعا کردن را خلاصه متکبران و روی‌گردانان از ساحت قدس الهی می‌داند. آنجا که می‌فرماید: اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ و آخرین. مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. البته کسانی که از عبادت من (و دعا کردن) تکبر می‌ورزند، به‌زودی خوار و سرافکننده، وارد جهنم می‌شوند.<sup>۲</sup>

معروف‌ترین دعایی که در روز عرفه قرائت می‌شود، دعای روز عرفه «حضرت امام حسین (ع)» است که به‌حق، شرح شیدایی و دلدادگی واقعی بنده به محضر خداوند است و از جامع‌ترین و شامل‌ترین ادعیه ماثور از حضرات معصومین است که دارای سرفصل‌هایی چون: بیان توحید و یکتایی ذات اقدس، صفات و اسماء الهی و اهتمام به این نکته که وجود خداوند در تمام کرانه هستی ظهور و بروز دارد و این تجلی، همیشگی، ابدی و ازلی است و مبانی معرفتی و اظهار عجز و ناتوانی بنده به درگاه پروردگار می‌باشد. البته به‌جز وجود مقدس سیدالشهداء (ع)، دیگر معصومین هم در این روز خاص، دعای مخصوص ارائه داده‌اند که هر کدام از آن‌ها، بحر معرفت است و کرانه شیدایی. سیدالساجدین (ع)، پرچم‌دار بیان ادعیه نغز و شیوا، دعایی بس شگرف در روز عرفه دارند. همچنین امام جعفر صادق (ع)، حضرت رضا (ع) و وجود منور رسول اکرم (ص) نیز دعهایی در این روز ویژه بیان نموده‌اند که همگی نشانگر اوج عظمت این روز خاص و اهمیت خواندن دعا، در این روز است. باشد که با استعانت از الطاف خداوندی، توان قرائت دعا و درک مفهوم و معنای آن، به ما نیز عنایت شود که امام جعفر صادق (ع) فرمودند: تَخَيَّرَ لِنَفْسِكَ مِنَ الرِّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَ اجْتَهَدْتَ، فَانَّهُ «يوم عرفه» يوم دعاء و مسئله. هر چه می‌خواهی برای خود دعا بخوان و در دعا کردن بکوش که این روز (روز عرفه) روز دعا و درخواست است.<sup>۳</sup>

روز نهم ذی‌الحجه به «روز عرفه» سؤال کردند، حضرت فرمودند: جبرئیل (ع) حضرت ابراهیم (ع) را به این مکان (عرفات) آورد. چون ظهر فرا رسید، جبرئیل (ع) گفت: ای ابراهیم! به گناه خود اعتراف کن و مناسکت را بیاموز! چون جبرئیل (ع) گفت: «اعتراف کن»، این سرزمین «عرفات» نامیده شد.<sup>۴</sup> از نظر اهمیت و بزرگداشت این روز، در متن روایات آمده است که روزه روز عرفه، بسیار مطلوب و محبوب خداوند است و اجر و پاداشی بسیار دارد، ولی اگر این روزه‌داری سبب شود که بنده، از قرائت ادعیه وارده، ناتوان گردد و یا بی‌حالی او به قدرتی باشد که توان انجام اعمال این روز را نداشته باشد. به استحباب نزدیک‌تر است که اصلاً روزه نگیرد و در عوض؛ اهتمام به خواندن دعا و انجام مناسک کند.

روز عرفه، روز معرفت و اعتراف، روز شناخت و بازگشت و روز خواستن و رسیدن است. نام «عید» بر روز نهم ذی‌الحجه «روز عرفه» نگذارده‌اند، ولی می‌توان این روز را از بزرگ‌ترین اعیاد دانست. چرا که پیامبر (ص) می‌فرماید: مَا مِنْ يَوْمٍ ذَكَرَ أَنْ يُعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا، مِنْ النَّارِ، مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ. خداوند در هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان را از آتش دوزخ نمی‌رهاند.<sup>۱</sup> روزی که امید بخشش در آن موج می‌زند. می‌تواند رهایی‌بخش و شادی‌آفرین باشد. پس عید بودن روز عرفه، دور از ذهن و باور نیست. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: مِنَ الذُّنُوبِ ذَنْبٌ لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ. برخی از گناهان، جز در عرفات بخشیده نمی‌شود.<sup>۲</sup> وقتی از امام صادق علیه‌السلام درباره علت نام‌گذاری



۱. صحیح سلم، ج ۴، ص ۱۰۷
۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴
۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۲
۴. سوره فرقان، آیه ۷۷
۵. سوره غاخر، آیه ۶۰
۶. التهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸۲

# پروفسور پری‌رخ دادستان هرگز پشیمان نشد



بدهم. در این شرایط سخت، به دلیل طولانی بودن امتحان اندکی استراحت دادند. وسیله پذیرایی آوردند اما من پولی برای خرید نداشتم. مغزم قفل کرده بود. دوستی یونانی داشتم. پرسید: چرا چیزی برنداشتی؟

غرورم اجازه نداد بگویم پول ندارم؛ گفتم میل ندارم. دوستم نگاهی به من کرد و گفت: بی‌خود! چندساعته داری فکر می‌کنی باید چیزی بخوری. و خودش برایم یک کیک و قهوه خرید و مرا نجات داد. من آن امتحان را با نمره خوبی قبول شدم. بعد از اتمام تحصیلاتم پیازه که از پشتکار من خوشش آمده بود پیشنهاد داد که زیر نظر مراکز تحقیقاتی او کار کنم.

او می‌گفت: ما تو را برای ایران نساختم. نرو! اما من گفتم شما امثال من زیاد دارید ولی مملکت من ندارد و من باید برگردم. بعد از آن هرسال به دیدنش می‌رفتم و او می‌گفت: اگر پشیمان شدی برگرد. ولی من هرگز پشیمان نشدم.

درصد غذای من نان و پنیر بود. سوئیس کشور گرانی بود. رساله‌ام با پیازه بود و او روش و سخت‌گیری‌های خاص خودش را داشت.

وسع مالی نداشتم با این وجود دوره لیسانس را به‌جای چهار سال سه‌ساله خواندم. روز امتحانی که با پیازه داشتم سر جلسه از شدت گرسنگی در حال از هوش رفتن بودم. امتحان شش ساعت طول می‌کشید و من دو روز بود که چیزی نخورده بودم. خانه من درست نقطه مقابل دانشگاه آن سوی دریاچه ژنو بود. صبح پول نداشتم با قایق از رودخانه رد شوم برای همین از ۵ صبح پیاده راه افتاده بودم تا به‌موقع به امتحان برسم. دوساعته که از امتحان گذشت دیدم در حال از هوش رفتن هستم و ممکن است فرصت موفقیت را از دست

پروفسور پری‌رخ دادستان که بسیاری او را مادر روانشناسی ایران می‌نامند، روانشناس ایرانی است که از ژان پیازه «پدر روانشناسی شناختی» مدرک گرفت. وی در ۲۲ آبان ۱۳۸۹ به علت سرطان درگذشت. خاطرات او زمانی که در سوئیس درس می‌خواند، قابل توجه است. بخشی از دفتر خاطرات وی: در دو سالی که در سوئیس درس می‌خواندم نود

# آرتروز زانو

نماید. خشک شدن زانو و سفتی آن در زمان بیدار شدن از خواب یا پس از عدم تحرک طولانی یکی از ویژگی‌های معمول آرتروز است. این خشکی معمولاً پس از چند دقیقه حرکت دادن زانو کاهش پیدا می‌کند.

ورم: ورم زانو می‌تواند با توجه به شرایط فرد کم یا زیاد باشد و باعث ایجاد درد و محدود شدن حرکت زانو شود.

ضعف و عدم تعادل: گاهی اوقات آرتروز زانو می‌تواند باعث ضعف و عدم تعادل در اطراف ناحیه زانو شود و زانو ممکن است چندین بار در روز قفل کند. علائم نوسانی: معمولاً علائم آرتروز زانو مشاهده شده توسط فرد در روزهای مختلف با یکدیگر تفاوت زیادی دارد. بعضی روزها فرد احساس سلامتی می‌کند، درحالی‌که بعضی روزها درد مفصل زانو بسیار شدید است. علائم آرتروز زانو معمولاً با آلودگی هوا، فشار به‌زانو، تشویش یا خستگی و نیز در زمان کسالت و بیماری تشدید می‌شود.

از جمله علت‌های آرتروز زانو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سن: آرتروز زانو باسن فرد ارتباط دارد، اما بالا رفتن سن نمی‌تواند علت ایجاد آرتروز باشد. در اکثر موارد افراد مسن‌تر از ۶۵ سال دچار آرتروز می‌شوند. با بالا رفتن سن، شکنندگی استخوان‌ها افزایش پیدا می‌کند و اغلب عضلات ضعیف می‌گردند.

می‌شود، به‌عنوان یک بیماری «فرسایشی» در نظر گرفته می‌شود.

## علائم

علائم آرتروز زانو از فردی به فرد دیگر و حتی در روزهای مختلف بسیار متفاوت می‌باشد. در این حالت بعضی روزها ممکن است فرد هیچ دردی نداشته باشد، اما احتمال احساس درد بسیار زیاد برای فرد در روزهای دیگر وجود دارد. صدای تق‌تق زانو، شکستگی و ترقق که گاهی باخم کردن زانو شنیده می‌شود، الزاماً به معنای این نیست که شما دچار آرتروز هستید. باین‌وجود، این صداها در افرادی که دچار مشکل زانو هستند، بیشتر بروز می‌کند.

علائم آرتروز زانو به شرح زیر است:

درد: رایج‌ترین دلیل ناراحتی افراد مبتلابه عوارض آرتروز زانو، درد است و معمولاً زمانی احساس می‌شود که فرد بخواهد زانوی خود را خم کرده یا به آن فشار وارد کند. در این حالت اغلب هنگام تماس دست با زانو درد احساس می‌شود. اما سطح درد افراد مبتلابه آرتروز تغییر می‌کند.

خشکی مفصل: یکی دیگر از رایج‌ترین علائم آرتروز زانو سفتی و خشک شدن زانو است که می‌تواند امکان خم کردن و تحمل فشار توسط زانو را محدود

فصل زمستان سال گذشته به‌منظور درمان درد شانه مادر به مرکز جامع توان‌بخشی امید مراجعه کرده بودم.

با خواندن این مطلب آموزشی که مربوط به این مرکز است، به نظرم آمد با توجه به اینکه آرتروز یکی از بیماری‌های شایع کشور است، آن را جهت مطالعه شما خوانندگان گرامی ارائه نمایم.

## آرتروز زانو چیست؟

یکی از علل درد زانو خشکی مفصل زانو و آرتروز زانو می‌باشد. به زبان ساده آرتروز به معنی التهاب مفصل است.

مفصل زانو از سه استخوان اصلی به نام‌های استخوان ران، درشت‌نی (ساق پا) و کاسه زانو (استخوان کشکک) تشکیل شده است. انتهای این استخوان‌ها با لایه‌های ضخیم غضروف پوشانده شده است. غضروف یک‌لایه ضخیم، و شبیه اسفنج است که مفصل را پوشانده و فضای بین استخوان‌ها را نرم و صیقلی می‌کند و به‌این‌ترتیب امکان حرکت نرم و بدون درد آن را فراهم می‌نماید. علاوه بر این غضروف عملکرد مؤثر در راستای جذب شوک و ضربه‌های احتمالی واردشده به مفصل دارد و در نتیجه این اطمینان را فراهم می‌کند که فشارهای احتمالی واردشده به استخوان‌ها در طول فعالیت‌های روز به‌طور یکنواخت در تمام مفصل پخش شود.

درد آرتروز در زانوها زمانی ایجاد می‌شود که غضروف نازک شده و دچار فرسایش شود و به‌این‌ترتیب استخوان دچار برآمدگی می‌شود که در اصطلاح به این برآمدگی خار استخوان می‌گویند. این مشکل باعث می‌شود، هنگام تماس استخوان‌ها با یکدیگر درد زانو، التهاب و خشکی زانو ایجاد شود. شدت بیماری آرتروز در افراد مختلف متفاوت است، گاهی شدت بیماری ملایم است و علائم سایدگی زانو خفیف بوده یا هیچ علامتی همراه نیست؛ اما در موارد پیشرفته‌ی آرتروز زانو، غضروف تا حدی فرسایش می‌یابد که استخوان‌ها روی یکدیگر ساییده می‌شوند و در نتیجه استخوان‌ها آسیب می‌بینند و بیمار متحمل درد شدید به علت آرتروز زانو می‌شود. اگرچه استئوآرتریت گونه‌ی غیر التهابی آرتروز به شمار می‌رود، باین‌وجود با اندکی التهاب همراه است. البته شدت آن قابل‌مقایسه با التهاب ناشی از گونه‌های التهابی آرتروزهایی مانند آرتروز روماتوئید نیست. چون آرتروز زانو عموماً بین افراد مسن و میان‌سال شایع است و به‌مرور زمان تشدید



به این ترتیب قابلیت ترمیم بدن کاهش پیدا می کند. در نتیجه، به واسطه تغییرات ایجاد شده غضروف و استخوان‌ها بیشتر مستعد آسیب دیدن هستند و این شرایط می تواند باعث ابتلا به آرتروز زانو شود. وزن: افراد دارای اضافه وزن سه برابر بیشتر از سایر افراد به آرتروز زانو مبتلا می شوند. هر چه وزن فرد بیشتر باشد، فشار بیشتری به استخوان‌ها وارد می شود و به این ترتیب امکان فرسایش غضروف‌ها و مفاصل افزایش پیدا خواهد کرد.

جنسیت: زنان دو برابر بیشتر از مردان به آرتروز زانو مبتلا می شوند. عمده ترین دلیل ابتلای زنان به آرتروز تغییرات سطح هورمون در بدن است که این موضوع می تواند بر غضروف و استخوان تأثیر منفی داشته باشد.

آسیب‌های قبلی: اگر مفصل زانو به خاطر صدمه‌های قبلی همچون پارگی مینیسک زانو، آسیب دیده باشد احتمال ابتلا به آرتروز زانو افزایش پیدا می کند.

جراحی‌های قبلی: اگر قبلاً بر روی بیمار عمل جراحی برداشتن غضروف انجام شده باشد (که به عنوان منیسکتومی نیز شناخته می شود)، احتمال ابتلا به آرتروز زانو به دلیل عدم رشد مجدد غضروف و در معرض فشار و فرسایش بیشتر قرار گرفتن استخوان‌ها به این خاطر افزایش پیدا می کند.

کف پای صاف: صافی کف پا یک ویژگی عمومی است که افراد مبتلا به آرتروز زانو از آن رنج می برند. وجود کف پای صاف باعث افزایش احتمال ابتلا به آرتروز زانو می شود. دلیل این موضوع را می توان به تغییرات ایجاد شده در نحوه وارد شدن فشار از کف پا به مفاصل نسبت داد که باعث افزایش فرسایش زانو می شود و معمولاً بخش‌های داخلی زانو را تحت تأثیر قرار می دهد.

## درمان

درمان آرتروز زانو به منظور کاهش درد، بهبود عملکرد، توقف پیشرفت بیماری، و احتمالاً برطرف کردن کامل درد انجام می شود. برای این کار بسیاری از انتخاب‌های مختلف برای درمان وجود دارد. هدف درمان ساییدگی مفصل زانو، مدیریت علائم به نحوی است که به فرد بهترین شرایط برای زندگی برسد. با کاهش درد و ورم و هم چنین بهبود قدرت و قابلیت حرکت زانو، فرد می تواند هر روز وضعیت زندگی خود را بهبود بخشد.

## کمپرس گرم یا سرد

استفاده از کمپرس گرم یا سرد (که گاهی اوقات به نام گرما درمانی یا سرما درمانی شناخته می شود) بر

روی مفاصل می تواند به کاهش درد و علائم آرتروز زانو در بعضی افراد کمک کند. قرار دادن یک بطری پر شده با آب گرم یا سرد بر روی ناحیه آسیب دیده می تواند نقش بسیار مؤثری در کاهش درد داشته باشد. برای این کار می توان از کیسه‌های مخصوص گرم و سرد استفاده کرد که امکان سرد کردن آن‌ها در فریزر یا گرم کردن آن‌ها در مایکروویو وجود دارد و عملکرد آن‌ها شبیه کمپرس‌های عادی گرم و سرد است.

دارو:

معمولاً بهتر است در کوتاه مدت برای تسکین درد از داروهای مسکن استفاده شود تا به این ترتیب بتوان حرکات ورزشی درمان آرتروز را با وجود درد زیاد و ضعیف شدن زانو انجام داد. این راهکار یکی از مؤثرترین درمان‌های قابل استفاده برای درمان آرتروز زانو است.

یکی دیگر از داروهایی که به طور گسترده برای درمان آرتروز زانو استفاده می شود داروهای ضدالتهاب غیر استروئید (NSAID) است.

## تزریق

تزریقات توسط متخصص ارتوپد یکی از روش‌های درمان مؤثر برای کاهش درد و التهاب هستند. در عمل دو نوع مختلف تزریق را می توان برای درمان آرتروز زانو استفاده کرد. تزریق کورتی کو استروئید در عمل ترکیبی از بی حسی موضعی و استروئید است که به مفصل تزریق می شود و می تواند درد و التهاب ایجاد شده را کاهش دهد. تزریق روان‌سازهای مفصل همچون هیالورونان سنگین (سینویسک) شامل تزریق یک ماده ژل مانند طبیعی در مفاصل است که می تواند حرکت آن را تسهیل و روان کند.

با وجودی که این تزریق‌ها نمی تواند آرتروز شمارا درمان کند، اما می تواند درد بیمار را برای مدت زمان حداکثر ۶ ماه تسکین دهد.

## کفش

کفی طبی کفش می تواند به اصلاح موقعیت غیرعادی پا به عنوان بخشی از درمان آرتروز زانو کمک کند. سعی کنید کفش‌هایی را برای راه رفتن انتخاب کنید که پاشنه کوتاه تری داشته باشند و کفی آن‌ها نرم باشد.

## چوب زیر بغل

گاهی اوقات افراد می توانند از یک عصا یا چوب زیر بغل برای کمک به وضعیت خود استفاده کنند.

چوب زیر بغل می تواند در زمان وارد شدن فشار به زانو در زمان راه رفتن مؤثر باشد. اگر شما فقط از یک عصا یا چوب زیر بغل استفاده می کنید، سعی کنید همیشه آن را در سمت مقابلی که احساس درد وجود دارد زیر بغل خود قرار دهید. زانوبند طبی:

استفاده از زانوبند یا سایر ابزارهای حمایتی می تواند به تثبیت وضعیت زانو و کاهش فشار وارد شده به مفصل کمک کند.

## فیزیوتراپی

درمان فیزیوتراپی آرتروز زانو و ورزش زانودرد به منظور بهبود علائم بیماری (برای مثال درد، التهاب، و خشکی زانو) انجام می شود و شما در طول یک یا چند جلسه اول فیزیوتراپی بهبود مشخص را در وضعیت بیماری خود احساس خواهید کرد.

## حرکات اصلاحی و ورزش

تمرین‌های ورزش زانودرد یکی از مؤثرترین روش‌های درمان آرتروز زانو است. در حالت ایده آل بهتر است ترکیبی از حرکات‌های ایروبیک مثل شنا و دوچرخه سواری همراه با نرمش‌های تقویتی و حرکتی مورد استفاده قرار گیرد. در حرکات‌های تقویتی عضلات قوی تر، حمایت بیشتری را برای زانو فراهم می کنند و به این ترتیب فشار کمتری به استخوان‌ها وارد می شود و درد کاهش پیدا می کند.

## طب سوزنی

مطالعاتی وجود دارد که نشان می دهد طب سوزنی می تواند تأثیر مفید در درمان آرتروز زانو داشته باشد.

## رژیم غذایی

در این رابطه شروع درمان با بررسی وضعیت غذایی شما شروع می شود و سعی می شود از غذاهایی در رژیم غذایی استفاده شود که باعث کاهش ورم و وزن بدن شود.

## جراحی

در صورتی که درد بسیار زیاد باشد و باعث ناتوان شدن بیمار شود، احتمالاً نیاز به عمل جراحی آرتروز زانو برای درمان وجود خواهد داشت. رایج ترین عمل جراحی انجام شده برای درمان آرتروز عمل جایگزینی مفصل است.

## ۲ عاملی که مانع موفقیت شما می‌شود!

محمود معظمی

پذیرفته‌ایم! می‌گوییم:

بچه خوبی است، آدم حرف‌شنویی است، مطیع است، کارمند بی‌سر و صدایی است، کار خودش را می‌کند، به کسی کار ندارد، اصلاً صدا از دیوار دربیاید از او در نمی‌آید!

همه این موارد عیب است!

درست است سکوت خوب است ولی در جای خودش.

چرا فکر می‌کنیم خجولی چیز خوبی است؟ اصلاً خوب نیست!

می‌دانید چقدر توانایی دارید؟

می‌دانید چقدر فرصت در کنارتان هست؟

می‌دانید چه ایده‌هایی سال‌ها پیش داشتید و آن ایده‌ها به‌صورت محصول در بازار دیده می‌شود و پیش خودتان می‌گویید، کاش من این را درست کرده بودم، چرا اصلاً نگفتم؟! چرا نظرم را ارائه نکردم؟! اگر این را می‌گفتم ارتقاء پیدا می‌کردم و شغل بهتری داشتم!

متأسفانه خجولی آن قدر رایج و وسیع است و آن قدر به آن لقب‌های مثبت داده‌اند که ما یا متوجه آن نیستیم و یا به‌عنوان بخشی از زندگی آن را پذیرفتیم و با محدودیت‌هایمان زندگی می‌کنیم! به شما پیشنهاد می‌کنم یک‌قلم و کاغذ بردارید و لیستی تهیه کنید:

در چه مواردی خجالت کشیدید؟

چه فرصت‌هایی بوده که نرفتید و خودتان، خودتان را سانسور کرده‌اید برای این که می‌ترسید که به آن

میهمانی یا به آن شرکت یا ...)

بروید چون ممکن است موفق

نشوید، خجالت کشیدید.

به قول فرمایش حضرت مولانا:

یکی تیشه بگیرد پی

حفره زندان

چو زندان بشکستید

همه شاه و امیرید

یا گفتید نظری ندارم؟!

چند بار از شما درخواستی داشتند و گفتید چشم، حتماً باکمال میل! بعد بیرون آمدید گفتید لعنت بر من! چرا می‌گوییم چشم؟! من اصلاً دوست ندارم این کار را انجام دهم. اصلاً وقت آن را ندارم، علاقه‌ای ندارم.

شما چند بار از روی خجولی پول‌های خود را بیهوده خرج کرده‌اید؟ فقط به این خاطر که نتوانستید «نه» بگویید (نه این که تنها از شما قرض خواسته باشند! برای مثال: چیزی خریده‌اید که لازم نداشتید، نتوانستید بگویید نه. چیزی را به شما گران فروخته‌اند، نتوانستید بگویید گران است، خجالت کشیدید؛ در بسیاری از موارد بقیه پول خود را نگرفتید.

مواقعی هست که حق یا شما بوده است اما نتوانسته‌اید از حق خود دفاع کنید. شما بازخواست کردند، توضیح خواستند. موردی را نتوانستید بگویید و محکوم شدید! چه اخلاقی، چه روانی و چه قانونی. درحالی که حرف برای گفتن داشتید. گوی‌ها و زنجیرهایی که مانع آزادی شما شده‌اند را پیدا کنید.

چقدر ضرر خجولی را می‌دهید، چقدر؟

جالب است که به‌جای این که این

محدودیت‌ها و موانع را ببینیم

به آن‌ها رویان و کاغذ رنگی

می‌بندیم و آن‌ها را

به‌عنوان بخشی

از زندگی

خود

انسان‌های زیادی را می‌بینم که به نظر می‌رسد آزادند، ولی آزاد نیستند! زندانی هستند! آدم‌هایی را می‌بینم که خیلی با استعداد هستند، ولی خیلی کم از استعدادشان استفاده می‌کنند یا اصلاً استفاده نمی‌کنند!

اکثر انسان‌هایی که من در اطرافم می‌بینم، نمی‌توانند موانع رشد و پیشرفتشان را ببینند! ما اگر موانع را ببینیم و بتوانیم آن‌ها را از میان برداریم:

آن وقت مزه، طعم و احساس آزادی را خواهیم چشید.

آن وقت است که متوجه می‌شویم توانایی بشر در چه حد است؟

و متوجه خواهیم شد که:

چه جاهایی می‌ترسیدیم، برویم؟

چه جاهایی می‌ترسیدیم ابراز وجود کنیم؟

چه فرصت‌هایی را از دست داده‌ایم؟!

این موانع ممکن است انواع و اقسام مختلفی داشته باشند؛ اما تجربه‌ی من نشان می‌دهد که دو مانع بسیار سنگین و بازدارنده

۱- خجولی

۲- ترس از انتقاد و

این که نظر دیگران

درباره‌ی من چیست؟

به خاطر این ترس‌ها

و خجولی‌ها ما

به خیلی جاها

نمی‌رویم و از خیلی

فرصت‌ها استفاده

نمی‌کنیم!

چند بار شده از شما

سؤالی پرسیدند و

نظراتان را خواستند

و شما چیزی

نگفتید؛ و



# جدول وزن ایده آل مردان و زنان بر اساس قد، جثه و سن

## جدول قد و وزن برای مردان

www.bazdeh.org

درشت اندام	وزن		قد
	متوسط	ریزنقش	
۶۳-۶۸	۵۹-۶۴	۵۸-۶۰	۱/۵۷
۶۳-۶۹	۶۰-۶۵	۵۹-۶۱	۱/۶۰
۶۴-۷۰	۶۱-۶۵	۶۰-۶۲	۱/۶۲
۶۵-۷۲	۶۲-۶۷	۶۰-۶۳	۱/۶۵
۶۶-۷۴	۶۳-۶۸	۶۱-۶۴	۱/۶۷
۶۷-۷۶	۶۴-۷۰	۶۲-۶۵	۱/۷۰
۶۹-۷۸	۶۵-۷۱	۶۳-۶۷	۱/۷۲
۷۰-۸۰	۶۷-۷۲	۶۴-۶۸	۱/۷۵
۷۱-۸۱	۶۸-۷۴	۶۵-۷۰	۱/۷۷
۷۳-۸۳	۷۰-۷۵	۶۶-۷۱	۱/۸۰
۷۴-۸۵	۷۱-۷۷	۶۷-۷۲	۱/۸۲
۷۶-۸۷	۷۲-۷۹	۶۹-۷۴	۱/۸۵
۷۸-۸۹	۷۴-۸۰	۷۰-۷۶	۱/۸۸
۸۰-۹۱	۷۵-۸۲	۷۱-۷۸	۱/۹۰
۸۲-۹۴	۷۷-۸۵	۷۳-۸۰	۱/۹۳



وزن دلخواه و ایده آل برای هر فرد مفهومی متفاوت دارد. اغلب اوقات وزن دلخواه می تواند برای سلامتی مان ضرر داشته باشد، درحالی که وزن ایده آل وزنی است که برای عملکرد بهینه بدن ضروری است.

وزن دلخواه و ایده آل برای هر فرد مفهومی متفاوت دارد. اغلب اوقات وزن دلخواه می تواند برای سلامتی مان ضرر داشته باشد، درحالی که وزن ایده آل وزنی است که برای عملکرد بهینه بدن ضروری است.

ولی وزن دلخواه با تعریف وزن ایده آل در تضاد است؛ کاهش وزن بیش از حد و وسواسی؛ و این هرگز برای سلامتی تان مناسب نیست. همه می دانیم اضافه وزن بیش از حد با افزایش خطر ابتلا به بیماری های مختلف همراه است؛ بیماری هایی از قبیل دیابت، فشارخون، ناراحتی های قلبی؛ ولی کاهش وزن بیش از حد نیز به نوبه ی خود بسیار خطرناک است.

قصد داریم یک جدول عددی ویژه به شما ارائه کنیم؛ این جدول توسط پزشکان و متخصصان طراحی شده است و وزن ایده آل بدن تان را به شما نشان می دهد. این جدول عددی جامع شامل متغیرهایی (پارامتر) مختلف از قبیل قد، سن و جثه تان است. این جدول بر اساس این متغیرها (پارامترها) وزن ایده آلتان را به شما نشان می دهد.

بزرگ ترین نقطه ی قوت این جدول آن است که نسبت های ناسالم میان قد و وزن و سنتان را توصیه و ترویج نمی کند، و به شما می گوید بر اساس نسبت های مختلف، وزن تان دقیقاً باید چند کیلوگرم باشد.

دو جدول زیر را ببینید تا وزن ایده آلتان را دقیقاً متوجه شوید! جدول اولی مخصوص آقایان است و بعدی به خانمها اختصاص دارد. گفتنی است که در این دو جدول سن در دامنه ی وزن تعریف شده است. هم چنین جثه در سه مقوله ی ریزنقش، متوسط، و درشت اندام تعریف شده است

## جدول قد و وزن برای زنان

www.bazdeh.org

درشت اندام	وزن		قد
	متوسط	ریزنقش	
۵۳-۵۹	۴۹-۵۵	۴۶-۵۰	۱/۴۷
۵۴-۶۰	۵۰-۵۵	۴۶-۵۱	۱/۴۹
۵۵-۶۲	۵۱-۵۷	۴۷-۵۲	۱/۵۲
۵۶-۶۳	۵۲-۵۸	۴۸-۵۳	۱/۵۴
۵۸-۶۵	۵۳-۶۰	۴۹-۵۵	۱/۵۷
۵۹-۶۶	۵۵-۶۱	۵۰-۵۶	۱/۶۰
۶۰-۶۸	۵۶-۶۲	۵۱-۵۷	۱/۶۲
۶۰-۷۰	۵۷-۶۴	۵۳-۵۹	۱/۶۵
۶۳-۷۲	۵۹-۶۵	۵۴-۶۰	۱/۶۷
۶۵-۷۴	۶۰-۶۶	۵۵-۶۱	۱/۷۰
۶۶-۷۵	۶۱-۶۸	۵۷-۶۳	۱/۷۲
۶۷-۷۷	۶۳-۶۹	۵۸-۶۴	۱/۷۵
۷۰-۷۹	۶۴-۷۰	۶۰-۶۵	۱/۷۷
۷۰-۷۹	۶۵-۷۲	۶۱-۶۷	۱/۸۰
۷۱-۸۱	۷۳-۶۷	۶۲-۶۸	۱/۸۲



# خانه شهید رجایی موزه



خانه قدیمی و به صورت اندرونی بیرونی، ۲۵۴ مترمربع و با زیرزمین دوطبقه است که در میدان شهید، خیابان مجاهدین اسلام به سمت بهارستان، خیابان شهید آقاجانلو، کوچه میرزایی قرار دارد. خانه شهید رجایی از ۱۳۴۳ تا حدود ۱۷ سال محل سکونت محمدعلی رجایی بود. خانه‌ای که او ابتدا با قرض ۱۳ هزار تومانی آن را خریداری کرد. پس از شهادت رجایی، همسر و فرزندانش تا سال ۱۳۷۳ در این خانه زندگی کردند تا این که با خرید این خانه توسط بنیاد شهید و مرمت آن و ثبت ملی این خانه‌ی ارزشمند که در دوره‌ی پهلوی اول ساخته شده بود، به‌عنوان موزه‌ی «شهید محمدعلی رجایی» مورد استفاده قرار گرفت.

این خانه پس از مرمت و بازسازی کامل به موزه تبدیل شد. در این موزه، آثار شهید رجایی، اعم از میز و اتاق کار، وسایل شخصی، محل پذیرایی از میهمانان خارجی و محل زندگی وی به نمایش گذاشته شده است. در طبقه زیرزمین خانه شهید رجایی وسایل زندگی آن بزرگوار به نمایش درآمده است.

سادگی و بی‌آلایشی خانه شهید رجایی به‌گونه‌ای است که در نگاه اول به نظر نمی‌آید منزل یکی از مقامات بلندپایه دولتی باشد. به نظر می‌رسد سعی شده است با وجود اقدامات عمرانی خدشه‌ای به ساختار منزل شهید رجایی وارد نشده است.

این خانه با چند پله پایین‌تر به حوض آبی بزرگ در وسط حیاط می‌رسد. یک در به زیرزمین و چند پله دیگر به مهمان‌خانه و اتاق کار شهید رجایی. دورتادور حیاط روی دیوار نقاشی‌ها و شعارنوشته شده است تا نشان دهد خانه شهید رجایی در اختیار بنیاد شهید است و تندیس در کنار حیاط.

از همان ورودی که وارد خانه می‌شوی نقاشی‌های روی دیوار، شمایل تندیس و تصاویر دیگر و حتی مجسمه‌ای که هم‌اندازه با شهید رجایی ساخته شده.



اتاق‌های خانه در کمال سادگی چیده شده تا نشان دهد رئیس‌جمهوری که معلمی پیشه او بوده، از دوران معلمی تا ریاست‌جمهوری خود را در این خانه ساده گذرانده است هنوز همان پرده‌ها، میز کار و وسایل زندگی او در این خانه وجود دارد. می‌توان در اتاق کار شهید رجایی میزی آهنی و سخت را دید که ساعت‌ها رئیس‌جمهور ایران پشت آن می‌نشسته و جای یک گلوله در روی میز که برای همه بازدیدکنندگان جای سؤال است.

گلوله‌ای که وقتی شهید رجایی در حال تمیز کردن تفنگش بوده، از اسلحه به‌طور کامل اتفاقی خارج رد شده و به میز برخورد کرده و دوباره از فاصله کمی از کنار گوش وی عبور کرده بود در این موزه نگهداری می‌شود.

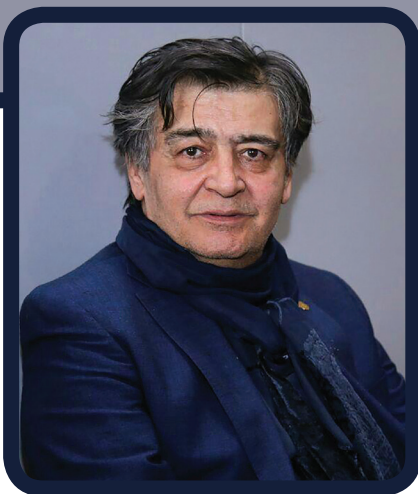
اکنون این گلوله در یک ویترین شیشه‌ای در زیرزمین خانه قرار داده شده است. در کنار این گلوله دندان مصنوعی شهید رجایی را نیز نگاه‌داشته‌اند دندان‌هایی که موجب شد تا پیکر شهید رجایی پس از ترور شناسایی شود.

این خانه یادگارهای دیگری را نیز از دوران زندگی خانواده او به یادگار دارد مانند وسایل آشپزی و پذیرایی از مهمانان و یا کرسی و وسایل گرمایشی خانه. با همان پرده‌ها و درهای قدیمی چوبی. در کنار آن تصاویر شهید رجایی و یادگارهایی که دیگران به موزه اهدا کرده‌اند نیز قرار گرفته شده است.

اتاق خواب هم شامل کردی و پشتی‌های معروف شهید رجایی است. در پذیرایی که درست مقابل آشپزخانه و اتاق خواب قرار دارد، میز و صندلی کار و هم‌چنین وسایل شخصی، کتاب‌خانه دست‌ساز شهید رجایی، آینه معروف او که قطعه‌ای از شیشه اتوبوس بود، صندوقچه، ویترین، یادداشت‌های شخصی، کمد لباس‌ها و دندان مصنوعی که باعث شناسایی شهید شد، قرار دارند. هم‌چنین آثار هنری اهداشده به موزه و بخش‌هایی از زندگی نامه شهید رجایی در قاب‌هایی به چشم می‌خورد.

شهید محمدعلی رجایی کسی که از دست‌فروشی در محله شوش بر مسند ریاست‌جمهوری رسید و امروز از نام‌آورترین‌های افراد در تاریخ کشورمان است در یازده مرداد ۱۳۶۰ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد، اما هشتم شهریور همان سال یعنی ۲۹ روز بعد در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید.





## شیعیان عراق به خاطر «مختارنامه» شمشیر امام علی (ع) را به من هدیه دادند!

با رضا رویگری درباره ایفای نقش «کیان» در «مختارنامه»  
و البته رخوت کارنامه سینمایی چند سال اخیرش

○ گفت‌وگو: مظفری

ارائه دهید.

وقتی طرف حساب شما کارگردانی مانند داوود میرباقری است، دیگر نمی‌توانید دنبال حسادت‌های کودکانه باشید و به جایش بایستی تا می‌توانید طوری رفتار کنید که جوانترها هم از شما بیاموزند. معمولاً در تولید آثار مذهبی نوعی علقه مذهبی باید در گردانندگان کار و بخصوص بازیگران باشد که خروجی نهایی درصد بالایی از کیفیت را داشته باشد. در «مختارنامه» این علقه چقدر پیش‌برنده کارتان بود؟

تا آنجا که من یاد می‌آید بیشتر بازیگران این کار طوری انتخاب شده بودند که با جان و دل جلوی دوربین می‌رفتند. در سینمای صنعتی که نمونه‌اش را مثلاً در فیلم جاودانه مصطفی عقاد می‌بینیم شخصی مثل آنتونی کوپین لزوماً نمی‌توانسته مسلمان باشد تا نقش حمزه را بازی کند، اما او در آن ساختار صنعتی آموخته که باید با نقش یکی شود تا کاراکتر هیبت لازم را داشته باشد. اما در مملکت ما که همه چیز مبنای حساسی دارد این اعتقادات قلبی است که بدچوری موتور محرکه چنین پروژه‌هایی است. شخصاً به شخصیت مختار و عرقی که به سیدالشهدا داشت علاقه داشتم و واقعا هر لحظه خدا را شکر می‌کردم که برای ادای دین به امام سوم علیه‌السلام فرصتی برایم پدید آورده است. کاراکتر کیان در سخنوری هم به اندازه جنگاوری بڑا و نافذ بود. برای این دیالوگ‌گویی به سبک کیان چقدر تمرین کردید؟

بد نیست بدانید پدرم علاقه زیادی به این داشت که من روحانی شوم و برای همین قبل از این که به سمت هنر بیایم دو سالی را درس طلبگی می‌خواندم و جامع‌المقدمات را هم تمام کردم، اما در نهایت به سراغ بازیگری رفتم. اما شاید یکی از دلایلی که سخنوری کاراکتر کیان را درک کرده و خوب اجرای‌اش کردم همین تحصیلات طلبگی باشد. کیان در عین اینکه دلیر بود و متهور در رزم آوری بسیار بیان نافذی داشت و همین باعث می‌شد در فرماندهی موفق عمل کند.

حین بازی در «مختارنامه» گویا دچار آسیب‌دیدگی‌های جدی هم شدید؟

از کاراکترتان در «مختارنامه» آغاز می‌کنیم. «کیان» که جذابیت تماشای این سریال را برای ایرانیان دوچندان کرده بود و چه در زمان پخش سریال و چه بازپخش‌هایش جزو کاراکترهای پرمخاطب مجموعه بود. چطور به کیان رسیدید؟

کیان یک ایرانی مسلمان بود و من هم یک ایرانی مسلمانم. همان قدر که مرور جنگاوری‌های کیان و توانایی نظامی‌اش، جذابیت‌های اساطیری برایم داشت این که او عاشق سیدالشهداست نیز کاملاً برایم هیجان‌انگیز بود. به دنبال شعار دادن نیستم چون به اندازه کافی مردم ما شعار شنیده‌اند و اگر چیزی می‌گویم برآمده از شعور است. میرباقری کارگردان کاربلدی است و متنی که برای شخصیت کیان تدارک دیده بود واقعا متن کاملی بود. کیان دست راست مختار بود و میرباقری این نکته را کاملاً حساب شده در شخصیت پردازی او درآورده بود.

با این حساب بخش عمده درام مرتبط با این شخصیت می‌بایست حول ارتباطش با مختار رقم می‌خورد و به تبع آن رابطه بازیگران این دو نقش یعنی شما و فریبرز عرب‌نیا مهم بود. این رابطه متقابل چطور بود؟

راستش را بخواهید من آدم سخت‌گیری نیستم و حتی اگر یک نابازیگر جلویم باشد می‌کوشم هم به او کمک کنم و هم به خودم. عرب‌نیا که دیگر جای خود دارد. او بازیگری توانمند و در عین حال کاریزماتیک است. فکر می‌کنم مختار با حضور او بود که جان گرفت و جانانه شد. حین کار با عرب‌نیا یک ویژگی مهم در او دیدم و آن هم وقت‌شناسی بود. او اصلاً به دنبال اتلاف وقت و بی‌نظمی نبود. هیچ‌گاه ندیدم دیر سر صحنه حاضر شود یا زود برود. در بازی روبرو هم سعی می‌کردیم با تعامل پیش برویم و به هم کمک کنیم.

آیا رقابتی میان تان شکل نمی‌گرفت برای بهتر دیده شدن؟ رقابت به این معنا که هر کدام تلاش کنید تصویری متعالی‌تر از خود

رضا رویگری همچنان و بعد از گذشت سی و چند سال از حضورش در عرصه بازیگری باز هم به واسطه قطعه «ایران ایران» شناخته می‌شود که در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی خواند.

موسیقی آن قطعه از کارهای جاودانه فریدون خشنود آهنگساز سرشناس ایرانی بود و صدای گیرا و جوان رویگری چنان روی ملودی نشست که مطمئناً تا تاریخ هست این قطعه نیز به عنوان یکی از نمادهای پیروزی قیام مردم مسلمان ایران علیه رژیم ستم‌شاهی شنیده خواهد شد. رویگری که کار بازیگری را از تجربیات تئاتری آغاز کرده بود با اولین کار بازیگری خود در سینما همان جایگاهی را یافت که با خواندن «ایران ایران» پیدا کرده بود.

«عقابها»ی ساموئل خاچیکیان هر چند رویگری را در قالب یک خلبان در نقش مکمل به تصویر می‌کشید اما جایگاه این فیلم به عنوان پرمخاطب‌ترین محصول همه آن سال‌ها استواری حضور سینمایی رویگری در سال‌های بعد را موجب شد.

رویگری بازیگر گزیده کاری نبود اما به دلایل مختلف که یکی‌اش روحیات اخلاقی مثبت و تعامل سازنده است حین سال‌های فعالیت‌اش تجربه همکاری با بسیاری از کارگردانان درجه یک را به دست آورد. رویگری فعالیت تلویزیونی جدی خود را زودتر از سینما و با بازی در مجموعه «لحظه» آغاز کرد و با «محلّه برویا» در کانون توجه قرار گرفت. اما شاید مهم‌ترین همکاری‌های تلویزیونی رویگری با داوود میرباقری بوده است.

رویگری در مجموعه‌های «معصومیت از دست رفته»، «مختارنامه» و «شاه‌گوش» هر سه از آثار میرباقری حاضر شد و البته که در این میان ایفای نقش‌اش در کاراکتر «کیان» سریال «مختارنامه» جایگاه ویژه‌ای دارد.

گفتگوی مان با رویگری به بهانه بازی در این مجموعه و همکاری با میرباقری بود، اما از جایی به بعد درباره رخوت کارنامه سینمایی سال‌های اخیرش گپ زدیم.



نه یک بار که چند بار اتفاقات خطرناک برایم رخ داد. یک بار شمشیر در پایم فرورفت و از شدت درد از حال رفتم. بار دیگر تیر به پشت چشمم اصابت کرد و خدا خیلی به من رحم کرد که جان سالم به در برم. اما همواره به این اتفاقات به چشم خاطرات به یاد ماندنی می‌نگریستم و اهل گله و شکایت نبودم. در همان دوران آن قدر اتفاقات عجیب برایم رخ داد که حتی پزشک معالجم گفت آیا مطمئنی که در قرن بیستم زندگی می‌کنی؟! **باز خورد «کیان» و «مختارنامه» را در میان مخاطبان چطور دیدید؟**

همین که بعد از شش سال شما درباره آن می‌پرسید یعنی ماندگاری. هنوز هم وقتی در کوچه و خیابان راه می‌روم، کم نیستند مخاطبانی که از کیان می‌گویند. کیان به اندازه «شاپوری» فیلم «بوتیک» و شاید هم بیشتر هوادار دارد. هوادارانی که از ته دل آن را درک کرده‌اند اما افسوس می‌خورم که برای بازی در این فیلم در داخل از ما تقدیر نکردند اما در عراق چرا.

**تقدیر در عراق چطور بود؟**

بشدت شیعیان عراق با مختار و کیان ارتباط گرفته بودند و نه فقط در بسیاری از اتوبان‌های خود تصویر مختار رژه بودند که از من تقدیر جانانه‌ای به عمل آوردند و شمشیری ملقب به نام علی علیه‌السلام را به من هدیه دادند. چه هدیه‌ای بهتر از این.

**آخرین حضور سینمایی تأثیرگذارتان را در تریلر «گناهکاران» دیدیم. اخیراً هم «۳۶۰ درجه» را روی پرده داشتید که در اولی فرامرز قریب‌یان کارگردان بود و در دومی تهیه‌کننده. به نظر می‌رسد به نسبت شبکه خانگی برای قبول پیشنهادات سینمایی وسواس بیشتری داشته باشید و هر نقشی را قبول نکنید.**

فرامرز قریب‌یان رفیق قدیمی من است و سال‌هاست که یکدیگر را می‌شناسیم و وقتی پیشنهاد بازی می‌دهد ناخودآگاه خاطرات سالیان دور تداعی می‌شود. گذشته از آن وی آدمی است بشدت مودب، پرنرزی و خوش‌مشراب که نمی‌گذارد جلوی دوربین به شما بد بگذرد. فرامرز از آن فیلم‌سازانی است که با فیلم‌نامه دکوپاژ شده جلوی دوربین می‌رود و همین است که «گناهکاران» را می‌سازد که شاید در گرفت و گیر اکران نمی‌تواند دیده شود و متأسفانه در جشنواره هم بهش توجهی نمی‌شود. «۳۶۰ درجه» هم کار فرزند فرامرز است و البته پدر هم مرتب کنار پسر بود و به او مشاوره می‌داد. فکر می‌کنم در سینمای تکراری ایران که همه فیلم‌ها شده‌اند مسقف!! و آپارتمانی این دو فیلم نمونه

تمام عیار پرداختن به سینمای ژانر باشند.

**در بخشی از «گناهکاران» با گویشی خاص حرف می‌زدید. گویشی که کاراکتر مقابل‌تان «سرهنگ تدین» نیز به آن گویش مسلط بود...**

بله، آن گویش مطربی است و البته زبانی است که از دیرباز به آن مسلط بودم. نکته اینجاست که حین دیالوگ با آن گویش کلمه‌ای را به کار بردم که معنایی غیر متعارف می‌داد و البته ممیزان ارشاد هم متوجه آن نشدند!!! و به فیلم با وجود آن کلمه مجوز دادند. (می‌خندد)

**به عنوان کسی که سابقه همکاری با داوود میرباقری را در آثار مختلف داشته‌اید فکر می‌کنید چرا وی که صاحب آثاری درجه یک چون «مختارنامه» در تلویزیون است مدت‌هاست کار سینمایی انجام نداد؟ چرا نباید ورسیون‌های مختلف داستان‌های مذهبی و حتی با محوریت زندگی شخصیت‌های مختلفی که در عاشورا نقش داشتند را امثال میرباقری در سینما بسازند؟**

دلیل اصلی عدم وجود سرمایه است. شما شک نداشته باشید اگر سرمایه‌گذار فهیم فرهنگی کنار میرباقری باشد او باز هم به سینما باز خواهد گشت و البته باز هم آثار سینمایی خوب تولید می‌کند. ولی وقتی سرمایه‌گذار نیست یا سرمایه‌گذار به فکر تولید آثار سطحی است میرباقری نباید هم آبروی خود را به خطر بیندازد.

**... یعنی نظر شما این است که باید در اختیار میرباقری و امثال او بودجه گذاشته شود تا سینمای تاریخی - مذهبی ایران را متحول کنند.**

دقیقاً همین طور است. نباید بودجه را به کارگردانی بدهیم که در کارنامه‌اش حتی یک اثر تاریخی ندارد. کسی می‌تواند در ژانر اکشن موفق باشد که سابقه این ژانر را داشته باشد. کسی هم می‌تواند در ژانر تاریخی موفق باشد که سابقه آن را داشته باشد. کسی که یک عمر دوربین‌اش را در دل روستاها برده و فیلم‌های هنری ساخته که نمی‌تواند بیاید یک پروژه پرهزینه تاریخی - مذهبی بسازد. همین میرباقری هم در این ژانر به بلوغ رسیده است. شما

نگاه کنید از «امام علی (ع)» تا «مسافر ری» و «معصومیت از دست رفته» و اخیراً «مختارنامه» کارها مرتب رشد داشته است و او پله پله مسیرش را جلو آمده و الان شده است یک کارگردان درجه یک ژانر تاریخی - مذهبی! حالا دو جور باید از او استفاده کنیم؛ اول این که بودجه بدهیم تا تاریخ‌مان را مصور کند و دوم این که شرایط آموزش استعداد‌های سینما کنار وی را فراهم کنیم. یعنی ورک‌شاپ‌های مستمری تشکیل شود که حین آنها میرباقری بتواند لاقط ظرف ۵ سال ۱۰ چهره مستعد عرصه سینمای تاریخی را آموزش دهد. سینمای تاریخی - مذهبی واقعا دنیای پیچیده‌ای است آن هم در کشور ما.

**منظورتان از پیچیدگی چیست؟**

ببینید مشکل فقط فقر امکانات سخت‌افزاری و نداشتن نیروی تربیت شده نیست. بخشی از مشکل هم به ممیزی‌ها و خط قرمزهای ما بازمی‌گردد. فقط کسانی چون میرباقری که سال‌های متمادی کار کرده‌اند به این خط قرمزها اشراف دارند و می‌دانند چطوری داستان‌های تاریخی - مذهبی را روایت کنند که نه به ممیزی بخورند و نه تصویرسازی‌شان الکن شود. میرباقری منبع اطلاعاتی است که هرچه زودتر باید برای انتقال دانش‌اش به نسل‌های آینده فکر کرد وگرنه خدای نکرده او را هم از دست می‌دهیم بی آن که دانش‌اش را انتقال داده باشیم.

**سینمای روز را پیگیری می‌کنید؟ از فیلم‌هایی که اخیراً روی پرده رفته کدام را دیده‌اید؟**

اخیراً «دوران عاشقی» را دیدم که هرچند به لحاظ داستانی سوژه دست اولی نداشت و هم نمونه خارجی و هم نمونه ایرانی این سوژه را دیده بودم، اما اجرای علیرضا ریسیان در کارگردانی حرف نداشت. البته دست و بال کارگردانان ما در انتخاب سوژه‌ها هم واقعاً بسته است و نمی‌توان انتظار داشت به سراغ سوژه‌های ملتهب بروند. بازی فرهاد اصلانی در این کار هم فوق‌العاده خوب و جذاب از آب درآمده بود.



## اولین شهید قدس از گیلان

○ حسین الهی رود پشته

انجمن اسلامی شهید مطهری رودپشت شروع کرد و با کمک دیگر برادران محل به آموزش و پرورش بچه‌های دانش آموز و آگاه نمودن آن‌ها به مسائل مذهبی و سیاسی سعی و تلاش فراوانی را آغاز کرد. رفتار و بینش سیاسی و مذهبی شهید به حدی بود که هم دوستان وی در انجمن، مدرسه و محل از او تاسی و الهام می‌گرفتند.

شهید مظلوم، مظلومی بالاخره در سال ۶۰ به اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد بازرگانی نائل آمد و بلافاصله در همین سال برای گسترده‌تر نمودن فعالیت‌هایش جهت پاسداری از دستاوردهای انقلاب وارد این نهاد مردمی شد. بعد از چهار ماه آموزش در پادگان المهدی مرزن‌آباد چالوس به عنوان مسئول آمار ستاد منطقه ۳ که آن روز در چالوس مستقر بود مشغول به کار شد ولی از آنجائی که علاقه بیش از حد وی به ادامه تحصیل و کسب دانش افزون‌تر و در کنار هم قرار دادن تخصص و ایمان و تقوی و خدمت‌گذاری هرچه بیشتر و مهم‌تر برای انقلاب شکوهمند اسلامی، در آزمون ورودی دانشکده تربیت مربی سپاه شرکت کرد و در رشته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی پذیرفته شد و برای ادامه تحصیل وارد قم گردید و به تحصیل علوم پرداخت. او در کنار تحصیل لحظه‌ای از جنگ تحمیلی و نیز جنگ داخلی در کردستان غافل نبود و هرچند وقت مأموریت‌هایی را به‌سوی آوردگاه‌های نبرد گرفته و به سوی تجلی‌گاه‌های حق می‌شتافت و در بعضی از مأموریت‌ها به‌عنوان رزمنده و بعضی مواقع هم به عنوان معلم دروس اخلاق در میان رزمندگان به تعلیم و تعلم رزمندگان می‌پرداخت.

اکثر مأموریت‌های شهید به سوی کردستان بود زیرا او فکر می‌کرد که در آنجا بهتر می‌تواند به تبلیغ و نشر فرهنگ غنی اسلام در میان مردم مستضعف بپردازد. شهید مظلومی در اواخر سال ۶۲ در حالی که دانشجوی سال دوم بود با یکی از خواهران بسیجی ایثارگر و چهره‌ای آشنا در میان دانش‌آموزان ابتدایی محلات مجاور اقدام به ازدواج نمود. ثمره این ازدواج دختری بود به نام حکیمه. اما در روز

صحبت از شهید مظلومی بسیار سخت است. آن‌هم شهیدی که چون شهاب بر آسمان تیرگی‌ها و ناپاکی‌ها، خط بطلان کشید و به گل‌واژه شهادت شخصیت داده و کلمه شهید و شهادت را از لحاظ معنا به اوج اعلی رسانده است.

سردار مهاجر و پاسدار قرآن احمدرضا مظلومی در سال ۱۳۴۲ در رودپشت خشک‌بیجار از توابع شهر رشت که در ۳۵ کیلومتری این شهرستان واقع شده است چشم به عالم فانی گشود و در دامان پدر و مادری دلسوز و مذهبی رشد و نمو یافت و از همان اوان طفولیت که نماز خواندن را آغاز کرده بود صفات برجسته‌ای همواره وی را نسبت به سایر بچه‌های هم سن و سالش متمایز می‌ساخت و به همین خاطر مردم محله از همان کودکی به او علاقه‌مند بودند.

او در سال ۱۳۴۸ توسط پدر و مادرش جهت کسب علم و دانش و معرفت به دنیای علم و دانش روی آورد و در دبستان روستای نوده شروع به تحصیل کرد و در سال ۱۳۵۲ دوران ابتدایی مدرسه را با موفقیت به پایان برد و از بهترین دانش‌آموزان این دبستان محسوب می‌شد. او در سال ۱۳۵۳ وارد مدرسه راهنمایی تحصیلی شهید چمران رشت شد و پس از سه سال این دوره را به اتمام رسانید و در سال ۱۳۵۶ جهت ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان وارد دبیرستان علوی شهرستان گردید.

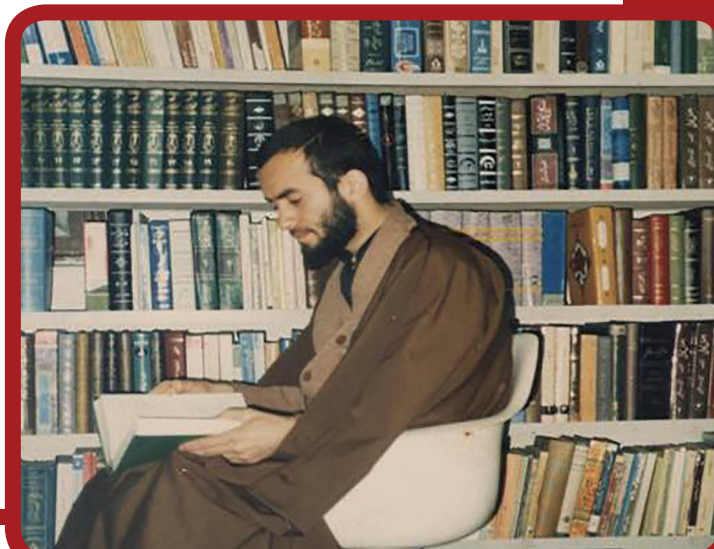
با پیروزی ملت ستمدیده ایران اسلامی بر دستگاه جور و ستم‌شاهی نظام سرسپرده پهلوی در روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ که پانزده بهار از زندگی شهید می‌گذشت، فعالیت‌های چشم‌گیری را در

پنج‌شنبه ۶۴/۵/۳۱ در تصادفی دل‌خراش در ساعت ۱۱ شب در نزدیکی کارخانه ناسیونال تهران همسر و فرزند او به لقاء حق پیوستند.

مظلومی بعد از اربعین عزیزانش دوباره به سرحدات غرب کشور شتافت و چند ماهی را در مناطق جنگی شهر ارومیه در خدمت به رزمندگان اسلام ادا وظیفه کرد.

شهید مظلومی در دی ماه ۶۵ به همراه ۵ تن از برادران از ستاد ناحیه گیلان به سوی لبنان مأموریت یافت و در آنجا به عنوان مسئول تبلیغات خارجی سپاه شروع به فعالیت کرد و با اخلاق و رفتار همه را تحت تأثیر خود قرار داد. برادری از ایران اسلامی که در لبنان بود تعریف می‌کرد و می‌گفت: یکی از سخنرانان لبنانی در یکی از سخنرانی‌هایش در وصف مظلومی خطاب به حضار چنین گفت: اگر می‌خواهید بهشت را ببینید آن را در چهره مظلومی تماشا کنید.

آری شهر صور لبنان در خرداد سال ۱۳۶۶ با وجود شهید مظلومی در روز قدس همان سال چهره‌ای دیگری داشت، مظلومی توانست تمامی مردم شهر صور لبنان را بر صهیونیست اسرائیل بسیج نماید. راهپیمایی روز قدس آن روز (سال ۶۶) بسیار عظیم و تماشایی بود. به همین خاطر صهیونیست‌ها می‌خواستند ضربه‌ای بر مقاومت اسلامی مردم لبنان وارد سازند تا مقداری از امواج (الموت لاسرائیل) را از فضای شهر صور بزایند. به همین منظور در روزی تلخ و فراموش ناشدنی در تاریخ مبارزات ملت مبارز لبنان، روز یکشنبه ۳ خرداد سال ۶۶ مصادف با ۲۵ رمضان الحرام ۱۴۰۷ در نزدیکی سرزمین قدس شهر صور لبنان به دست اشغالگران بیت‌المقدس در حالی که دو روز از روز جهانی قدس می‌گذشت در ساعت ۱۰/۵ صبح او را با زبان روزه به شهادت رساندند و بالاخره شهید قدس همچو مولایش حسین ابن علی (ع) با لب تشنه دعوت حق را لبیک گفت و به توسط بمبی که در ماشین وی جاسازی شده بود به لقاء حق پیوست و در سن ۲۴ سالگی پس از مدت‌ها ایثار و فداکاری ردای خوش شهادت را بر دوش کشید و به خدا، همسر و فرزند دردانه‌اش حکیمه پیوست.



# روستای بالاچاف با ۲۵ شهید

○ تحقیق و نویسنده: نادر کنعانی

بالاچاف در جنگ تحمیلی در جریان جنگ تحمیلی استکبار علیه انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران، نقش مردم روستای بالاچاف با توجه به سابقه مذهبی و انقلابی و احساس دین و تعلق به نظام اسلام ملموس تر گردید و مردم با ورود به صحنه، با بذل مال و جان فرزندان و جوانان خویش به دفاع از کبان اسلام و نظام اسلامی و حریم دین و ولایت پرداختند. نقش بارز مردم مومن و فداکار روستای بالاچاف در جریان جنگ تحمیلی از تعداد شهدا و جانبازانی که در جنگ تقدیم نمودند قابل تشخیص است. از همین منظر است که از مردم روستای بالاچاف رسمی با اهداء لوح سپاس ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تقدیر به عمل آمد و روستای بالاچاف به عنوان روستای نمونه جنگ در استان و شهرستان

لنگرود معرفی گردید. تعداد ۲۵ شهید و جاوید الاثر و آزاده و تعداد زیادی جانباز روستا از یادگاران دوران دفاع مقدس می باشد که از صنوف مختلف روحانی، پاسدار، بسیجی و سرباز مشمول سپاه و ارتش بوده، سرمایه های تقدیمی مردم چاف به نظام مقدس جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند. لازم به ذکر است اولین شهید روحانی در دفاع مقدس در استان گیلان و اولین شهید دانش آموز شهرستان لنگرود را تقدیم نظام جمهوری اسلامی نمود.

آری باید به این همه ایمان و تعهد و وفاداری و آزادگی دلیرمردان، زنان و مادران شجاع و شهید رور این روستا مباحثات و افتخار نمود و سر تعظیم فرود آورد و سلام و تهیت فرستاد به ارواح همه پدران و مادران از اسلاف و گذشتگان این روستا که نهال ایمان به خدای تعالی و محبت به پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و آل طاهرینش (ع) را در دل های فرزندان خود کاشتند و ایمان به احکام نورانی قرآن و اسلام عزیز را هر روز در وجود عزیزان خود تقویت نمودند و اینک این شجره طیبه ریشه در اعماق زمین و شاخ و برگش سر در آسمان اسلام و قرآن و ولایت دارد و در هر عصر و زمان جلوه های آن بارزتر و منورتر می گردد.

گرامی باد یاد و خاطره دلیرمردان هشت سال دفاع مقدس که عاشقانه و بی دریغ جان خویش را در طبق اخلاق گذاشته، تقدیم خدای حق نمودند. راهشان استوار و پر رهرو و ارواح مطهرشان قرین رحمت الهی.



ارتباط مردم روستا با قیام و نهضت اسلامی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) از سال های بعد از ۱۳۴۲ توسط علماء محل و منطقه برقرار گردیده، اهالی توجه زیادی به دیدگاه ها و نظرات مراجع دینی داشتند.

از علماء آگاه، مبارز و انقلابی این روستا که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم محل را در مبارزه با طاغوت نمایندگی می کردند و توسط رژیم (ساواک) مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند، می توان به حجج اسلام حضرات جعفری گیلانی (که از ناحیه مادر چافی بودند) و حاج شیخ محمدی خیری اشاره کرد. با اوج گیری مبارزات مرجع بزرگ دینی ملت ایران، حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع مردم از خیانت ها و پلشتی های دودمان منحوس پهلوی، اهالی روستا به این نهضت مقدس پیوسته، به سهم خود تلاش های وافر در به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران داشتند.

فرزندان و جوانان این روستا نیز در طلیعه پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن نقش بسزایی در صیانت از انقلاب و دستاوردهای آن در مبارزه با عوامل ضد انقلاب ایفاء نمودند.

آنان با تشکیل انجمن اسلامی روستا و تاسیس کتابخانه اسلامی محل و با ایجاد فضای فرهنگی، باورهای دینی و انقلابی خود را تقویت نموده، با پیوستن به نهادهای انقلابی چون سپاه پاسداران و بسیج، حوزه علمیه قم، آموزش و پرورش و دیگر ادارات، دین خود را در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ادا کردند.

اما نقش مردم مومن مسلمان و متدین روستای

روستای بالاچاف از توابع شهرستان لنگرود در شمال شرق این شهر به فاصله ۴ کیلومتر از ساحل دریای خزر واقع گردیده است.

قدمت روستا با توجه به بررسی های به عمل آمده به بیش از دویست سال می رسد و کشاورزی شغل اصلی مردم و عمده درآمد آنان طی پنجاه سال اخیر حاصل از تولید برنج و پرورش کرم و پیله ابریشم بوده، در عین حال از محصولات باغی مانند سیفی جات، مرکبات، حبوبات و صید ماهی و پرندگان و در مقیاس محدود، پرورش دام و طیور بهره مند می باشند.

ایمان به خدای تعالی و ارادت به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از ویژگی های بارز مذهبی و دینی مردم روستا بوده، به نحوی که در منطقه به عنوان مردمانی مومن شهرت دارند.

انجام جمعی مراسم مذهبی، بزرگداشت و تجلیل از مقام شامخ ائمه اطهار (ع) و اولیای الهی و خصوصا بزرگداشت حادثه عظیم و غم بار محرم، تاسوعا و عاشورای حسینی و مصائب اهل بیت در ماه صفر مورد اهتمام ویژه اهالی بوده، وجود این روحیه منجر به تقویت باورهای دینی فرزندان و جوانان این روستا گردیده است. مردم روستای بالاچاف به لطف ایمان و روحیات مذهبی خود نسبت به انجام واجبات دینی و پرداخت وجوهات شرعیه همت والائی داشته، رجوع آنها به مراجع عظام تقلید و علماء و روحانیون از آنان مردمانی دوستدار حوزه های مقدس علمیه ساخته و این امر سبب گردید تا روستا از فیض وجود علماء و طلاب علوم دینی بهره مند باشد.

# مأموریت

امروزه از پهپادها در آسمان در مأموریت‌هایی از قبیل عکس‌برداری، فیلم‌برداری و... در مناطق صعب‌العبور و یا غیرممکن استفاده می‌شود. از زهپاد (ROV) نیز در اعماق دریا برای مأموریت‌هایی که انجام آن‌ها برای انسان واقعا دشوار یا غیرممکن است نیز بهره برده‌اند. مأموریت در اعماق دریا برای انسان پرخطر است، اما پژوهشگران می‌توانند برای این کار یک زهپاد یا زیردریایی هدایت‌پذیر از دور را به عمق آب بفرستند. زهپادها روزبه‌روز هوشمندتر می‌شوند. زهپادها یا زیردریایی هدایت‌پذیر از دور (با نماد اختصاری چشم دریا)، رباتی است که به هدایتگر این امکان را می‌دهد که این وسیله را در ژرفای آب کنترل و هدایت کند و از طریق اعمال فرامین عملیات موردنظر را از طریق تجهیزات ربات، انجام دهد و به همین دلیل «چشم دریا» نیز خوانده می‌شود.

مطالعه و بررسی بسیاری از مسائل مهندسی، زیست‌شناسی، تجاری و نظامی مرتبط با دریا، همواره مورد توجه محققان بوده است. برای انجام بسیاری از کاربردهای کشف و استخراج منابع زیرآبی، بازرسی و جمع‌آوری اطلاعات زیست‌محیطی و تحقیقاتی و نیز نصب، تعمیر و نگهداری سازه‌های ساحلی و دریایی، به‌کارگیری تکنولوژی خاص و جدیدی برای

پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون پیش‌آمده، ضروری می‌نماید.

در بسیاری از صنایع مختلف و گوناگون، استفاده از تجهیزاتی که بتوان آن‌ها را بدون حضور مستقیم نیروی انسانی و از راه دور هدایت و کنترل نمود، کاربردهایی فراوانی یافته‌اند به‌گونه‌ای که انجام بسیاری از پروژه‌های مهندسی و تحقیقاتی بدون آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

انواع این ربات‌ها از نمونه‌های کوچک و ساده‌ای که صرفاً مجهز به دوربین فیلم‌برداری کوچکی هستند تا گونه‌های پیشرفته و بسیار پیچیده‌ای که در اعماق بیش از ۶۰۰۰ متری دریا امکان انجام عملکردهای متنوع و متعددی را دارند، شامل می‌شوند. اجزای چشم دریا که توسط کابل ارتباطی به اپراتور واقع در سطح دریا متصل است، عبارت‌اند از سیستم هدایتی جهت کنترل ربات، سیستم رانش، سیستم به آب انداختن، منابع تأمین قدرت و کابل ارتباطی که توان لازم جهت عملکرد پروانه‌ها و نیز دستورات و سیگنال‌های کنترلی را به ربات و داده‌های تولیدشده توسط حسگرها را به اپراتور در سطح دریا منتقل می‌کنند.

محققان فرانسوی زهپادی را طراحی کردند که توسط کشتی تحقیقاتی «یانوس» حمل می‌شود و وظیفه مشاهده یا تغییر اشیای کف دریا را به عهده دارد. این زهپاد مقاوم در برابر فشار که با یک کابل

بسیار بلند به کشتی متصل است. پیتر ویس، مهندس رباتیک و اتوماسیون می‌گوید: «برای انسان فرورفتن تا عمق زیاد بسیار دشوار است و اگر بخواهیم به عمق بیشتر از ۷۰۰ متر برویم، تقریباً ناممکن است. بنابراین نیاز به یک ربات داریم تا برای عملیات در اعماق دریا از آن استفاده کنیم.»

این سامانه زهپاد مجهز به دو دوربین است که مانند چشم انسان دید سه‌بعدی دارند. آن‌ها مسلح به بازوهای پیشرفته هستند که هرکدام دستی با سه انگشت دارند و از ربات‌های معمولی دوانگشتی کارآمدتر هستند.

ژرمی گانسه مدیر هماهنگی فنی پروژه زهپاد اروپا می‌گوید: «پیشرفت در زمینه جابه‌جایی اشیاء با ربات هنوز جای کار دارد. از سوی دیگر ما داریم روی کنترل ماهواره‌ای این سامانه رباتیک هم کار می‌کنیم تا بتوان از هر نقطه‌ای از جهان با آن کار کرد.»

همه زهپادها از روی کشتی هدایت می‌شوند. هزار کیلومتر آن‌سوتر، اپراتورها کار هدایت را با استفاده از یک سامانه شبیه‌ساز انجام می‌دهند و دستورات خود را به زهپاد می‌فرستند. از آنجاکه اندکی تأخیر در ارسال پیام وجود دارد، زهپاد باید به حد کافی مستقل باشد تا بتواند در نبود هدایت در زمان واقعی، عملیات را به‌خوبی ادامه دهد. در ضمن باید آن قدر هوشمند باشد که عین حرکات مجازی اپراتورها در مرکز کنترل را در دریا انجام دهد. پژوهشگر دیگری به نام خاویر مارتینز گونزالس



# زهپاده‌ها

○ بیژن محمدی  
فوق لیسانس عمران سازه‌های دریایی علوم  
تحقیقات

خروشان از جمله کاربردهای ROV در خشکی است. بازرسی از پایه‌های پل‌ها، بازدید از بدنه و دریچه‌های سدها، بازدید از مخازن ذخیره آب و دیگر مواد صنعتی جهت بازرسی، نمونه‌برداری و پاک‌سازی، تهیه فیلم و عکس و نیز نمونه بردای و انتقال اشیاء و اجسام قدیمی غرق‌شده، بازدید و بررسی بستر رودخانه‌ها، تهیه فیلم و اسناد ویدئویی، بازرسی از درون خطوط لوله‌های با قطر زیاد، بازرسی از راکتور هسته‌ای.

دسته‌بندی انواع ROV  
ROV کوچک

ROV الکتریکی باقابلیت بالا

ROV عمق پیمای باقابلیت دستیابی به اعماق فوق‌العاده زیاد

ROV با ابعاد بزرگ و باقابلیت انجام کارهای سنگین چنان‌که ذکر شد ROV اجزا مختلف و متعددی دارند که عموماً شامل موارد کلی و اساسی زیر است:

بدنه ربات

سیستم رانش و حسگرها

واسط (های) کنترلی و نمایشی

سیستم توزیع قدرت

کابل‌های هدایتی و ارتباطی

سیستم هدایت و کنترل

بازوهای مکانیکی ماهر

دوربین‌های تلویزیونی

نورافکن‌ها

لوازم ره‌گیری

هدایت، مسیریابی

کنترل و ناوبری ربات

کنترل بازوهای مکانیکی و دیگر ابزارهای برشکاری، انتقال قدرت و نصب و ساخت در بستر دریا حین عملیات حفاری، ساخت و برپا کردن سازه‌های دریایی، نصب انواع وسایل و ابزارآلات اندازه‌گیری و نمونه‌برداری.

پاک‌سازی قطعات مخروبه: کمک به انجام مأموریت‌های ایمن‌سازی و پاک‌سازی فضا و بستر دریا در پیرامون اسکله‌ها، سکوها و تأسیسات ساحلی و فراساحلی که می‌توانند بستر دریا را به انبار بزرگی از مواد و مصالح مخروبه و مستعمل تبدیل کنند و ایمنی محیط کار و سلامت محیط‌زیست را به خطر بیندازند.

تجهیزات زیردریایی: مشارکت در روند ساخت، کارکرد، بازرسی و تعمیر تجهیزات زیردریایی به‌خصوص در اعماق زیاد، نگهداری از سکوها بارگذاری شده، برج‌های روشنایی و لنگرها.

کشف و نجات اجساد و اجسام زیردریا: جستجو، شناسایی و انجام عملیاتی نظیر نجات اضطراری وسایل زیرآبی غرق‌شده، بالا آوردن تجهیزات گم‌شده در بستر دریا و نیز کشف اجساد و اجسام به‌جای مانده از سوانح هوایی یا دریایی.

جایگزینی غواصان: مشارکت در بسیاری از مأموریت‌هایی که انجام آن به سبب وجود خطر بسیار زیاد و یا حجم و گستره وسیع، برای غواصان مشکل یا غیرممکن باشد.

یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد وسایل نقلیه کنترل از راه دور (چشم دریا) استفاده از آن‌ها در چیدمان و نیز خنثی‌سازی مین‌های جنگی است.

علاوه بر صنایع نفت و گاز، ROV در نصب و نگهداری سکوها، سیستم‌های زیردریایی، نصب، حمل و نگهداری و به‌کاربری خطوط جریانی،

سیم‌ها و کابل‌های خطوط مخابراتی نیز نقش مهمی دارند غیر از محیط دریا و اقیانوس وجود دارد:

مناطق که در معرض تابش اشعه‌های رادیواکتیو قرار دارند یا اماکنی که امکان دید در آن‌ها به‌طور کلی برای غواص وجود ندارد، تونل‌های خطرناک و طولانی آبی در اطراف سدهای بزرگ و عظیم، قرار گرفتن در جریان رودخانه‌های متلاطم و

می‌گوید: «کار مرکز کنترل باکار ربات از هم جداست. در مرکز، کار در زمان واقعی به‌صورت مداوم انجام می‌شود. یک کابین فرماندهی هوشمند ناظر حرکات اپراتورهاست و دستورات آن‌ها را به ربات می‌فرستد. او این کار را به‌صورت خودکار و بدون نیاز به کنترل مداوم ما انجام می‌دهد.»

برای آنکه بازوهای رباتیک مؤثرتر باشند، مهندسان این پروژه پژوهشی اروپایی سامانه پوششی خاصی را به کار می‌برند. به‌طوری‌که اپراتور در فضای مجازی، وزن و مقاومت واقعی اشیاء را حس می‌کند.

پیر لوتیر، کارشناس دانش رباتیک در مورد طریقه انتقال پیام چنین توضیح می‌دهد: «ما از یک شمایل سه‌بعدی انسان در فضای مجازی استفاده می‌کنیم که باید کاری را انجام دهد. حرکات او را مجزا می‌کنیم تا ربات از فاصله دور بتواند همان حرکات را بازسازی کند. بنابراین باوجود تأخیر زیاد هم می‌توانیم دستور را بفراستیم.»

خودروهای هدایت‌شونده مستقل در کف دریا یا روی خشکی و در هر جایی که مهارت رباتیک لازم باشد، با این فناوری می‌توانند به‌صورت دقیق و مطمئن حرکت کنند.

ژرمی گانسه در این زمینه می‌افزاید: «همین فناوری برای یک وسیله سیار با بازوهای هدایت‌پذیر بر روی زمین نیز قابل تصور است. مثلاً برای جاهایی از مرکز هسته‌ای فوکوشیما که دسترسی به آن برای انسان واقعاً خطرناک و جابه‌جایی اشیاء در آنجا ضروری است، این فناوری بسیار مفید خواهد بود.»

**کاربرد ROV (چشم دریا)**

بازرسی سازه‌ها و سکوی دریایی و ساحلی: جهت بازرسی عینی از عملکرد وسایل و ابزارآلات و یا بازبینی اثرات خوردگی، رسوب، محل وقوع ترک‌ها، تخمین بیولوژیک رسوبات و غیره.

بازرسی از خطوط لوله: دنبال کردن خطوط لوله زیردریایی جهت کنترل و بازبینی خطوط از نظر عدم وجود هرگونه نشستی و دیگر عیوب خطوط لوله و اطمینان از نصب صحیح آن‌ها.

نقشه‌برداری: انجام نقشه‌برداری‌های عینی و آکوستیک، که قبل از نصب سازه‌های ساحلی، سکوها فراساحلی، خطوط لوله، کابل‌ها و هرگونه عملیات نصب سازه‌های دریایی، باید انجام گردند.

کمک در انجام عملیات حفاری: انجام بازرسی‌های عینی، بازبینی هم‌زمان عملیات نصب، به‌کارگیری و تعمیر و نگهداری صنایع حفاری و استخراج در بستر دریا.

کمک به انجام عملیات ساخت: کمک به هدایت و



○ شاهد پیوند  
کارشناس ارشد کارگردانی، مدرس دانشگاه



# نگاهی به فیلم «نفس»

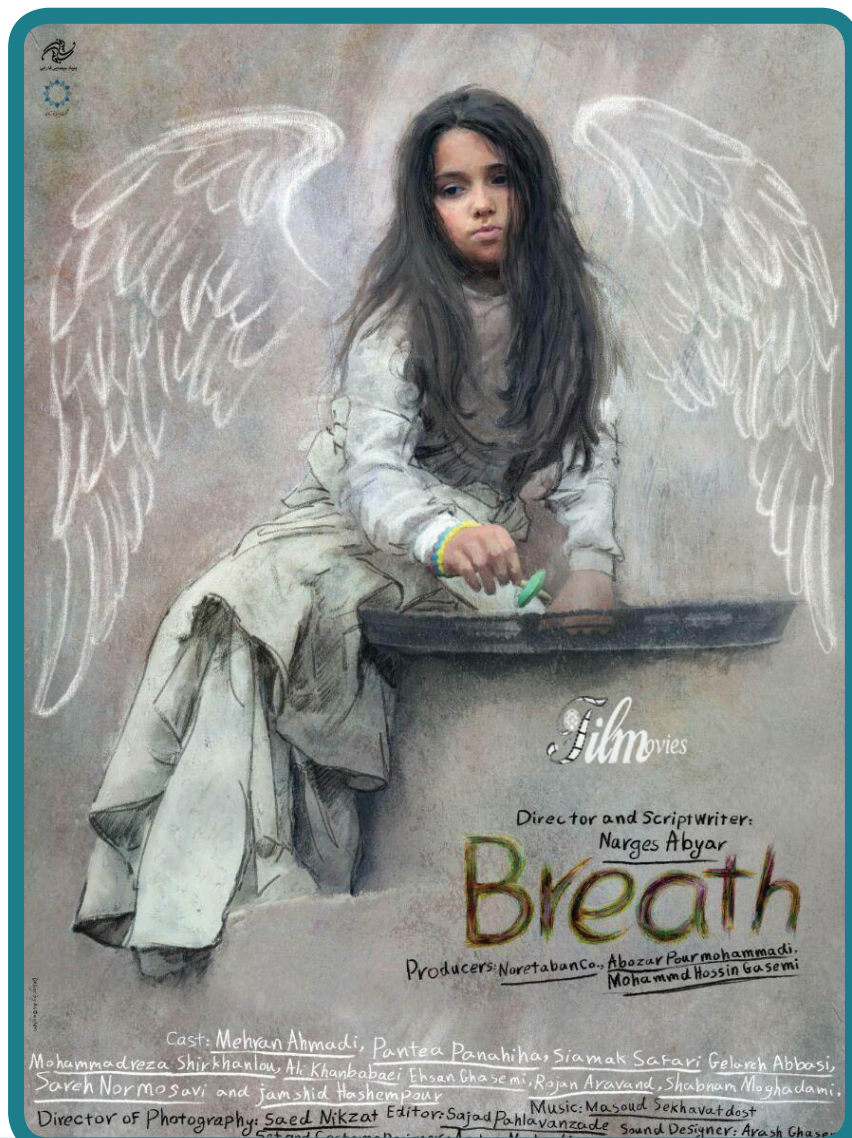
به کارگردانی: نرگس آبیار

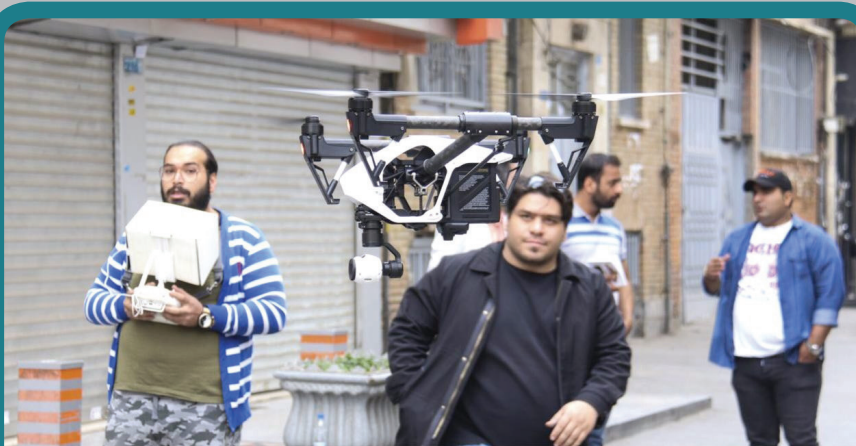
نویسنده و کارگردان: نرگس آبیار  
تهیه کننده: محمدحسین قاسمی، ابوذر پورمحمدی و شرکت نور تابان  
بازیگران: سیده ساره نورموسوی، مهران احمدی، پانتها آ پناه‌هی ها، گلاره عباسی، سیامک صفری، شب‌نم مقدمی، جمشید هاشم پور

خلاصه داستان

«نفس» روایتگر زندگی چهار کودک با نام‌های بهار، نادر، کمال و مریم است که دنیایی پر از رویاهای زیبای کودکانه دارند و فرار است رنگ حقیقت به خود بگیرد. فیلم در حال و هوای شرایط پر تنش سال‌های ۵۷ تا ۶۲ روایت می‌شود و تمرکزی خاص بر رفتارهای مردم آن دوران دارد.

«نفس» سومین فیلم نرگس آبیار پس از فیلم‌های «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» و «شیار ۱۴۳» است که تجربه‌ای جدید در کارنامه این فیلم‌ساز زن محسوب می‌شود. این فیلم با اینکه نگاهی به دوران دفاع مقدس و تبعات آن دارد اما فی‌الواقع محور اصلی قصه به روایت دختر بچه‌ای می‌پردازد که با پدر و مادر بزرگ و خواهر و برادرانش در یک روستا زندگی می‌کند. فیلم با انتخاب این منطق داستانی از ذهن فانتزی و تخیل ساز راوی قصه استفاده کرده و در طول داستانی که چندان متأسفانه فاقد اوج و فرودی است، تلفیقی از اتفاقات روزمره زندگی این خانواده را با بهره‌گیری از انیمیشن و پیوند قصه‌های کودکانه و اتفاقات روزمره به تصویر کشیده و به نوعی قصد رسیدن به سبک و ساختاری جدید را دارد. اما واقعیت این است که این رها بودن قصه به بهانه به تصویر کشیدن رویدادهای اجتماعی ایران از دهه‌های ۵۰ تا ۶۰، جذابیتی به فیلم نداده بلکه آن را تبدیل به سریالی طولانی و بدون اوج و فرود کرده است و این امر تماشاگران را ترغیب نمی‌کند که تا انتها قصه را و به تبع آن فیلم را تعقیب کنند. این فیلم دارای ریتمی کند، تصاویری مستند گونه و بازی‌های روان و دل‌چسب است. البته گریم در خدمت کار نبوده و بعضاً بازیگران را آن چنان که باید و شاید نمایان گرداند موفق نبوده و در بسیاری از کاراکترها غلو در گریم مشهود می‌باشد. در این فیلم به نظر می‌رسد خانم آبیار قدمی جدی برای ایجاد سبکی خاص در ساخت فیلم‌های کم‌هزینه، ساده و روستایی محور برداشته‌اند. تصاویر در سکانس‌های ابتدایی فیلم با حرکت‌های دیوانه‌وار و عصبی و به اصطلاح هیستریک ارائه می‌شود ولی رفته‌رفته جایگاه خود را در فیلم پیدا می‌کند. البته در سکانس‌های بعدی نیز بعضاً با این مشکل مواجه می‌شویم که حرکت‌های سریعی وجود دارد که در برخی موارد حتی درک بیننده را از دیدن این تصاویر دچار نقصان می‌کند.





از نقاط قوت فیلم‌برداری می‌توان به استفاده درست و به‌جا از هلی‌شات‌ها و نورپردازی حرفه‌ای اثر اشاره کرد که قاب‌ها را به لحاظ تصویری غنی‌تر زیباتر کرده است

استفاده از ریتم کند برای روایت فیلم، تکنیکی است که می‌تواند برای داستان‌هایی با تم خاص مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال در فیلمی مانند «شیار ۱۴۳» که درباره انتظار است ریتم کند نه تنها مناسب بلکه لازم و ضروری می‌نماید تا بتواند مفهوم انتظار را برای تماشاگر به خوبی القا نماید. این تکنیک، سختی و دردآور بودن گذر زمان برای مادری را که یک عمر به امید دیدار مجدد فرزندش چشم‌به‌در و گوش به رادیو سپرده است به خوبی نمایش می‌دهد. اما استفاده از این تکنیک برای هر فیلمی مناسب نیست. در نفس به دلیل نداشتن پی‌رنگ مناسب داستانی این ریتم کند، کاربردی ندارد و آزاردهنده می‌شود. حتی استفاده از داستان‌های کارتون‌ی و شوخی‌های زیاد فیلم هم نمی‌تواند این نقصان را جبران کند.

بازی‌های روان با گریم‌های سنگین و البته تا حدودی غلوآمیز، حفظ راکورد در به‌کارگیری لهجه‌های مختلف، از نقاط قوت فیلم محسوب می‌شود که البته در فیلم پیشین فیلم‌ساز یعنی در شیار ۱۴۳ هم شاهد آن بوده‌ایم. خوشبختانه در این اثر، در بازی‌ها خبری از حرکات اغ‌زجره و به‌اصطلاح گل‌درشت وجود ندارد، البته در این میان نقش‌های کوتاهی که سیامک صفری و شبنم مقدمی آن را ایفا نموده‌اند بیش از بازی سایر بازیگران به دل می‌نشیند. اینجاست که به یاد سخنان تئوریسین بزرگ بازیگری کنستانتین استانیسلاوسکی می‌افتیم که گفت نقش بزرگ و کوچک وجود ندارد بلکه بازیگر بزرگ و کوچک وجود دارد. و چه بسیار بازیگرانی که کلا در یک سکانس فیلمی حضور داشته‌اند و بسیار موفق‌تر و توانمندتر از بازیگران اصلی آن اثر درخشیده‌اند.

«نفس» این نقاط قوت را مدیون بازی گرفتن خوب خانم آبیاری از بازیگران است.

پایان‌بندی انفجاری و غافلگیرکننده از مؤلفه‌های است که خانم آبیاری پیش‌از این نشان دادند که تبحر ویژه‌ای در پرداخت آن داشته و این مهم را به‌عنوان بخشی از فیلم‌سازی نامبرده پذیرفته‌ایم اما متأسفانه در فیلم «نفس» نتوانسته‌اند در این زمینه موفق عمل نمایند.

مشکل اصلی این فیلم عدم وجود گره درست داستانی یا افت‌وخیز دراماتیک در روابط انسانی میان شخصیت‌ها می‌باشد که در این صورت بیننده

دلیلی برای تماشای فیلم نمی‌یابد، لذا اتفاقات فیلم نیز برایش بی‌اهمیت جلوه می‌نماید و به همین دلیل سکانس پایان‌بندی، مانند تصاویر خبری و روزمره از پیش‌چشم‌انداز گذر می‌کند و تصویری به این جانکاهی بدون ذره‌ای تأثیر بر بیننده به پایان می‌رسد. و این‌گونه می‌نماید که گویی مخاطبان نیز منتظر دیدن تیتراژ این فیلم بوده‌اند نه پایان قرص و محکم آن. گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است. البته تلاش‌های خانم آبیاری برای ارائه انسانی و لطیف مضمونی تلخ و سیاه قابل تقدیر است. سیاهی و زهر فیلم به یاری شوخی‌ها و تصاویر انیمه (کارتونی) گرفته‌شده است تا بیننده سالن سینما را با ناراحتی و دلخوری از وقایع زندگی بهار ترک نکند. شوخی و شادی سکانس پایانی هم خود گواهی بر این مدعا است.

شهادت بهار به زیبایی و راحتی حس تاب خوردنی کودکانه تصویر می‌شود و نشان از عروج روحانی اوست. این نمایش از مرگ زیبا یادآور الگوهای در سینمای غرب است که پرداختن بیشتر به آن در این مجال نمی‌گنجد اما هرچقدر نیز الگوبرداری شده است بسیار درست و بجا انجام گرفته است. به یاد صحبت‌های در کلاس‌های بازیگری دانشکده افتادم که بارها عرض کرده‌ام کلیشه چیز بدی نیست اتفاقاً خوب بوده و جواب مثبت داده است که تکرار شده است بلکه این نخ‌نما است که بد و ویرانگر است یعنی چنان بلایی سر کلیشه‌های رایج بیاوریم که دیگر واقعی جلوه نمایند.

به‌درستی اعتقاد داریم که هنر سینما همچون هر

هنری در دسته اینترنتیمینت یا سرگرمی‌ها قرار می‌گیرد برای مثال یک خانواده برای پر کردن عصر جمعه چند گزینه را به فرزندان پیشنهادی نماید مثلاً سینما، پارک و تئاتر و هیچ‌گاه در پکیج پیشنهادی نمی‌گوید سینما، مدرسه، دانشگاه پس درمی‌یابیم که اولین ویژگی یک اثر هنری بال‌اخص سینما وجه سرگرم‌کنندگی آن می‌باشد و اگر در لابلای این سرگرم‌کنندگی بسیار ظریف و به‌اصطلاح زیرپوستی در پی انتقال مفهومی باشد که چه بهتر و آنگاه است که یک اثر به درجه‌ای می‌رسد که همه از آن خشنودند و راضی چراکه هر کس بهره خود را از فیلم می‌برد. منتقدان، مولفان و تماشاگران عادی به‌اصطلاح می‌شود هر کسی از ظن خود شد یار من. در این میان جذابیت یک اثر حرف اول را می‌زند. فیلمی که نتواند بیننده را برای مدتی روی صندلی‌ها محو خود کند به‌طور حتم توانایی انتقال مضامین را نیز نخواهد داشت. فیلم نفس از جذابیت کافی برای نمایشی با زمان تقریبی دو ساعت برخوردار نیست و ای‌کاش عوامل فیلم با تدوین مجدد اثر، زمان آن را کوتاه‌تر می‌نمودند. البته مخاطبان امروز سینمای ایران به یمن دسترسی به آثار روز سینمای جهان مشکلی با تماشای فیلم‌های بیش از دو ساعت ندارند، به شرطی که اثر از جذابیت‌های لازم برخوردار باشد. یادمان نرود عدم جذابیت در سینما مساوی است با مرگ تدریجی سینما.

خلعتبری در انهدام ناوهای نیروی دریایی عراق به ویژه ناوهای او زا آن قدر شجاعت و مهارت از خود نشان داده بود که به شکارچی ناوهای او زا مشهور شده بود.

## شکارچی ناوهای اوزا

○ پایگاه هشتم شکاری

انهدام ۲۳ ناو پیشرفته او زا مربوط به نیروی دریایی عراق (با قیمتی بالغ بر ۲۴۰ میلیون دلار) در پروازهای عملیاتی شهید خلعتبری در خلیج فارس به همراه سایر تیزپروازان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران کمردشمن را در جنگ های دریایی شکسته بود.

در سال ۲۰۰۶ یکی از مجلات جنگی آمریکا ویژه نامه ای در مورد مهارت های پروازی و ابتکار عمل ها و خلاقیت های خلبان شهید خلعتبری منتشر کرد.

پزشکان او را به خاطر پروازهای متعدد و پی در پی و فشارهایی که روی جسم او وارد شده بود از ادامه پرواز منع کرده بودند. اما خلعتبری کسی نبود که جسمش را بر خاک و مردم کشورش ترجیح دهد و از این رو توصیه پزشکان و فرماندهان جنگی اش را برای توقف پروازهای جنگی و غیر از آن را نپذیرفت.

خاطرات یک خبرنگار از قهرمان جنگ دریایی اولین برخوردی که با او داشتیم اواسط سال ۵۹ بود جوانی تیز با احساساتی ناسیونالیستی. در بین خلبانان گل کرده بود و به قهرمان جنگ دریایی معروف بود. می گفتند نیروی دریایی عراق را خلعتبری و دوران نابود کردند و این گفته مستند بود. از او خواستیم پیامی برای همزمانش بدهد. با احساساتی پاک فریاد زد اگر ذره ای از خاک وطنم به ته پوتین سرباز عراقی چسبیده باشد آن را با خونم در زمین وطن می شویم.

نزدیک دو سال پس از آن تاریخ بار دیگر با مأموریتی دیگر با او ملاقات کردم حسین کاملاً عوض شده بود شاید به اندازه ده سال پیر شده و همچون دیگر همزمانش داغ دهها هزار شهید و معلول چهره او را درهم شکسته بود این بار آن حسین دیگر آن جوان ناسیونالیست دیروز نبود یک خلبان پرشور حزب الهی بود که از سخنانش در نماز جمعه رشت و ارتباطش با ائمه جمعه شهرهای شمال سخن می گفت. خیلی صحبت کردیم ولی پردرد ولی روحیه ای آماده نبرد داشت احساس کردم از درد کمر رنج می برد از او پرسیدم انکار کرد و دوستانش گفتند با بیش از چهار سال جنگ هوایی با دشمن تاندان مسلح مثل بسیاری از دوستانش حاضر نیست حتی لحظه ای از پرواز کناره گیری کند و یا جای خود را برای انجام مأموریت های عادی به جوان ترها بدهد تا برسد به مأموریت جنگی.

حسین از خاطراتش می گفت. اولین مأموریت برون مرزی من اول مهر ۵۹ بود پس از بمباران

را برای رفع مشکلات نیازمندان هزینه کند. از اولین خلبانانی بود که ساعاتی پس از شروع جنگ تحمیلی و بمباران فرودگاه مهرآباد در کنار ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگنده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آسمان بغداد ظاهر شد در حالی که فرماندهی ۸ فروند از آن جنگنده ها را خودش به عهده داشت.

از طرف نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماینده ویژه در دادگاه بین المللی لاهه حضور یافت تا در برابر دولتمردان غربی و عربی از حقوق کشور عزیزش دفاع کند و در این امر خطیر با ابتکار عملی که در آن جا بروز داد حقانیت ایران را در جنگ ثابت کرد.

باوجود اینکه مدت مأموریت او در دادگاه لاهه ۲ ماه بود، به همه وعده ها و وسوسه های سران کشورهای آمریکا و انگلیس پشت پا زد. ادامه امور را به کاردار ایران در سوئیس سپرد و پس از ۱۵ روز به کشورش بازگشت. طبق اظهارات خودش نمی توانست شب ها و روزها را در سوئیس با آرامش طی کند که جنگنده های دشمن آرامش را از هموطنانش گرفته اند.

علاوه بر انجام مانورها و عملیات های جنگی غیرقابل تصور با هواپیمای جنگنده اف ۴ در شلیک موشک ماوریک آموزش تخصصی دیده بود و مهارت فوق العاده ای داشت. برای همین، میان ژنرال ها و افسران نیروی دریایی دشمن به حسین ماوریک شهرت پیدا کرده بود.

به خاطر همین تخصص، مدتی را در هوانیروز جهت آموزش خلبانان بالگرد جنگنده کبری برای شلیک و کاربرد موشک ماوریک سپری کرد.

تاسیسات نفتی، یگان های دریایی، اسکله های البکر و الامیه، پل الاماره و پالایشگاه کرکوک بارها توسط او مورد حمله و تخریب قرار گرفت.

در طول حضورش در دوران جنگ تحمیلی بیش از ۷۰ پرواز برون مرزی برفراز خاک دشمن داشت. این رقم تا زمان شهادتش بالاترین آمار پروازهای عملیاتی در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود.

وی به همراه شهید دوران، دورکن اصلی و محوری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات مروراید (آذرماه ۵۹) محسوب می شود که منجر به انهدام و نابودی نیروی دریایی ارتش عراق طی ماه های آغازین جنگ شد.

اگر ذره ای از خاک وطنم به پوتین سرباز عراقی چسبیده باشد آن را با خون خود در روی زمین می شویم.

می گفتند نیروی دریایی عراق را خلعتبری و دوران نابود کردند و این گفته مستند بود.

خلعتبری در انهدام ناوهای نیروی دریایی عراق به ویژه ناوهای او زا آن قدر شجاعت و مهارت از خود نشان داده بود که به شکارچی ناوهای او زا مشهور شده بود.

در یکی از مأموریت های حساس پروازی با انهدام یک ساختمان نظامی، ۴۸ افسر عالی رتبه و دو ژنرال عراقی را به درک واصل کرده بود.

در طول حضورش در دوران جنگ تحمیلی بیش از ۷۰ پرواز برون مرزی برفراز خاک دشمن داشت. این رقم تا زمان شهادتش بالاترین آمار پروازهای عملیاتی در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. برابر اظهارات متخصصان پرواز، وی در استفاده از هواپیمای اف ۴، انجام مانورها و عملیات های جنگی، انهدام هدف و شلیک موشک ماوریک همتا نداشت. آن قدر در مهار هواپیما و شیرجه های پروازی مهارت داشت که در هر شیرجه ای می توانست چند هدف را همزمان منهدم کند. در مجله های جنگی آمریکا بارها از شهید خلعتبری به عنوان یک نابغه جنگی و خلبان توانمند در هدایت هواپیمای اف ۴، در پروازها و مانورهای حساس نظامی و عملیاتی نام برده شد. همچنین نام او به عنوان یکی از شاگردان موفق و ممتاز دانشگاه

شپارد و تگزاس در فراگیری علوم خلبانی اف ۴ طی دوران آموزشش در مصاحبه ها و گفتگوهای اساتید این دانشگاه برده شد. در سال ۲۰۰۶ یکی از مجلات جنگی آمریکا ویژه نامه ای در مورد مهارت های پروازی و ابتکار عمل ها و خلاقیت های خلبان شهید خلعتبری منتشر کرد. حسین خلعتبری در سال ۱۳۲۸ در روستای بصل کوه رامسر دیده به جهان گشود و در نخستین روز فروردین ماه سال ۱۳۶۴ در نبردی نابرابر با سه فروند هواپیمای دشمن در آسمان کردستان مورد اصابت موشک یکی از هواپیماهای عراقی قرار می گیرد و به معراج ابدی می شتابد. طبق وصیت خودش در قلعه میرزا کوچک خان دفن گردید تا آنگونه که خود میخواست روحش نیز پاسدار مرز و بوم وطن باشد. زمانی که برای آموزش دوره خلبانی به آمریکا سفر می کرد به مادرش وکالت داد تا حقوق ماهیانه اش



مهرآباد توسط عراق بما دستور دادند بلافاصله با هشت فروند به بغداد حمله کنیم در طول مسیر ۵ مایل به ۵ مایل برای ما موشک می‌زدند ولی ما رفتیم پایگاه الرشید و المثنی را در قلب بغداد در هم کوبیدیم خاطره جالب این مأموریت برای من دیدن یک گنبد طلائی در انتهای جنوبی بغداد بود از طریق رادیو به هواپیمای همراه گفتم من یک گنبد طلائی می‌بینم جناب سرهنگ محققى گفتند زیارتان قبول آنجا مقبره امام موسی کاظم (ع) است .

از حسین خواستم خاطره هفتم آذر را تعریف کند گفت : من در آرت بودم سرهنگ یاسینی به اتفاق ناخدا بزرگی که همراه همدیگر بودند مرا بیدار کردند یاسینی گفت خلعتیری می‌خواهم بروی زیرآب !! بلند شدم به طرف اسکله البکر والامیه پرواز کردم در همین زمان فرمانده شهید ناوچه پیکان فریاد می‌زد ای هابیلیان آسمان سمت ۲۱۰ درجه ۱۲ مایلی چهار فروند ناوچه عراقی مشاهده می‌شود نابودشان کنید به محض شنیدن صدا به طرف آن‌ها سمت گرفتم دیدم سه تا ناوچه اوزا و یک فروند اژدرافکن عراقی به حالت تدافعی موضع گرفتند که از نظر پدافند هوائی از خودشان دفاع کنند و به اضافه هواپیماهای عراقی در همه جا پخش بودند ولی جرات نزدیک شدن بما را نداشتند به محض اینکه روی ناوچه‌ها شیرجه کردم ناوچه‌های عراقی یک موشک به طرف ناوچه‌ها هدف‌گیری کردند به ناوچه خودی گفتم مواظب خودتان باشید و بلافاصله دو فروند موشک به طرف ناوچه‌های عراقی رها کردم به محض اینکه تصمیم گرفتم دو فروند دیگر موشک رها کنم دیدم این دو تا ناوچه از سطح آب محو شدند موشک‌ها را برای دو فروند دیگر فرستادم و سریع برگشتم و با رادیو پیام دادم که هواپیمای گشت فوراً به منطقه بیاید و به او گفتم یک ناوچه مانده برو کارش را تمام کن . سروان ساجدی بود باوجود درد شدید کمر و گردن رفت و علاوه بر آن ناوچه سه فروند دیگر از ناوچه‌های عراقی را در دهانه‌ام القصر نابود کرد. من بلافاصله پس از پیاده شدن از هواپیما از این آشیانه به آن آشیانه رفتم موتور سمت راست را روشن کردم صبحانه نخورده بودم سرگرد ضربی مقداری نان آوردند داخل کابین خوردم و بلافاصله خودم را به منطقه عملیاتی رساندم دوتای دیگر از ناوچه‌های عراقی را به عمق دریا فرستادم با ناوچه پیکان تماس گرفتم گفتند دو تا دیگر در حال فرار هستند در یک کیلومتری آب‌های کویت یکی از آن‌ها را زدم و دیگری به جزیره بوبیان کویت پناهنده شد که ما مجاز به زدن

آن منطقه نبودیم باوجودی که کویت عملاً ناوچه دشمن را پناه داده بود!!  
فردای آن روز سرهنگ عابدین در منطقه پرواز داشت گفت یک کشتی خیلی بزرگ وارد آب‌شده این در حالی بود که پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران بر فراز اسکله البکر و والامیه به اهتزاز درآمده بود به من دستور داد فوراً به منطقه بروم بلند شدم آن غول بزرگ را در منطقه دیدم پل فرماندهی را زدم یک موشک هم به شکم این ناو زدم آمدم از بالای سرش رد شدم دیدم باند هلی‌کوپتر دارد چهارتا کاتیوشای سینه دارد شعله آتش از آن زبانه می‌کشد ولی هنوز غرق نشده من نشستم بما اطلاع دادند که این ناو هنوز غرق نشده بروید دوباره آن را بزنی من اعتراض کردم گفتم من آن را زدم بروید و آن را یدک کنید این توی آب‌های ماست شهید فکوری با من تماس گرفت درحالی که سخت عصبانی بود دلیل رفتن مرا نپرسید و اجازه نداد من صحبت کنم موضوع را نمی‌دانست ولی با فریاد به من دستور داد و من دستور را اجرا کردم از بالا به من گفتند استراق سمع شده این ناو حدود هشتصد نفر نیرو دارد و نیرو بر عراقی بوده وقتی بالاسر آن رسیدم دیدم طوفان شدید است و هلیکوپترهای عراقی قدرت حرکت ندارند با تمام موشک‌هایم آن را هدف قرار دادم فردا صبح بما اطلاع دادند که غرق شده مجدداً مأموریت یافتم که دو تا ناوچه عراقی که در آب سرگردان بودند

بزمن آن‌ها او را نبودند بعداً اسرای عراقی گفتند این‌ها مین جمع کن بودند با زدن آن‌ها کمر ما را شکستید.  
خلعتیری با شور و اشتیاق تا آخرین مأموریتش را در جهت نابودی نیروی دریایی عراق برای من یکی یکی تعریف کرد که به علت طولانی شدن مطلب ترجیح دادیم که در آرشیو تاریخ جنگ بماند.  
افتخار می‌کنم که مردانه جنگیدیم شب‌ها به اتفاق دوران سعیدی سپیدموی ضربتی در آشیانه می‌خوابیدیم تا هر لحظه نیاز باشد در دسترس باشیم یک روز بما مأموریت دادند پل العماره را بزنی پل درست وسط شهر بود وقتی من رفتم روی پل در اوج فشار ضد هوائی‌ها دیدم اتومبیل‌های رنگ و وارنگ که مشخص بود ماشین شخصی است روی پل در حرکت هستند با قبول خطر دور زدم و پس از رد شدن اتومبیل‌ها پل را زدم.  
باینکه بیش از هفتاد مرتبه به خاک عراق حمله کرده‌ام ولی به این قانع نیستم من باید بجنگم و مرگ برای من افتخار است و در وصیت‌نامه‌ام ذکر کرده‌ام در ولایت خودمان شیروود کوهی هست که می‌گویند میرزا کوچک خان در آنجا برعلیه روسیه می‌جنگیده. اگر افتخار شهادت نصیب من شد آنچه از من باقی ماند حتی اگر ذره‌ای از گوشت بدن من باشد مرا در قله آن کوه دفن کنید تا روح من هم پاسدار این مرزوبوم باشد.



# مرد آسمانی فوتبال ایران

حضور داشت. با حضور در تیم پرسپولیس می‌توانست به تیم ملی بزرگسالان هم دعوت شود. شهید رضایی مجد در سال‌های ۶۱ و ۶۲ به همراه تیم ملی جوانان به ترتیب در رقابت‌های جام پادشاهی بنگلادش و مسابقات قهرمانی جوانان آسیا در نپال شرکت داشت و موفق شد برای تیم ملی جوانان در مجموع ۱۵ گل به ثمر برساند.

مهدی رضایی مجد هم‌دوره چهره‌های مطرح فوتبال بود. او هم‌دوره امیر قلعه‌نویی، صمد مرفاوی، قنبر پور و رضا رجبی و بسیاری از چهره‌های مطرح دیگر فوتبال بود. یکی از گل‌های به یادماندنی او در بازی ایران و کره جنوبی زده شد در مسابقات جام قهرمانی در بنگلادش که فدراسیون تیم ملی جوانان را به جای تیم ملی بزرگسالان به مسابقات اعزام کرده بود.

وی برای آنکه بتواند دین خود را به کشور ادا کند با شرکت در عملیات والفجر مقدماتی و والفجر یک، حضور خود در جبهه‌های جنگ را اعلام کرد.

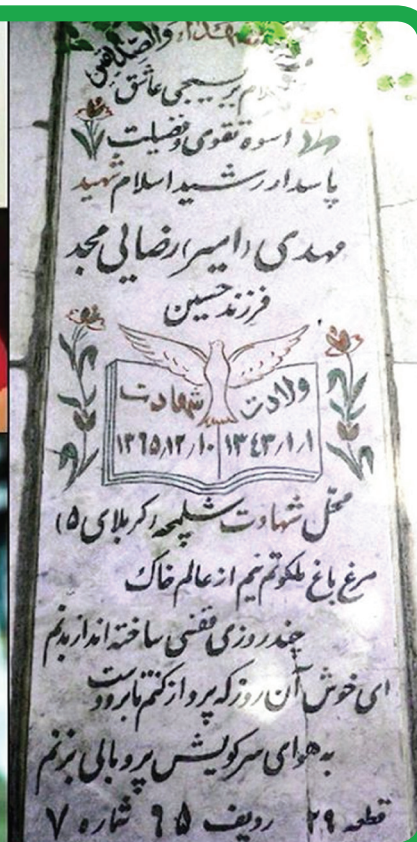
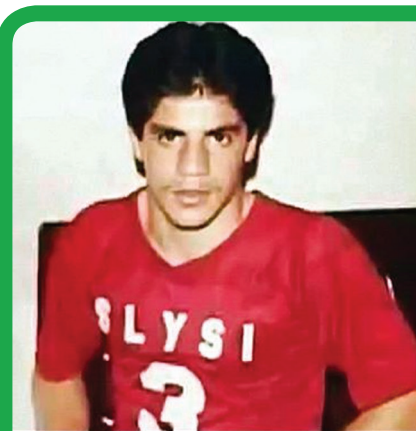
عضویت مهدی رضایی مجد در تیم فوتبال تهران جوان در سال ۶۵ را باید آخرین فعالیت ورزشی‌اش دانست چون او بار دیگر در اواخر بهمن‌ماه سال عازم جبهه‌های نبرد شد. حضور در عملیات تکمیلی کربلای پنج در منطقه شلمچه در تاریخ دهم اسفندماه سال، نقطه‌رهایی این شهید ورزشکار از بند این دنیا بود، مهدی دهم اسفندماه به دنیا آمد و دهم اسفندماه هم به‌سوی معبود خود شتافت.

شهید رضایی مجد پیش از حضور در جبهه‌های نبرد در میادین ورزشی بارها باعث بالا رفتن پرچم ایران و نواخته شدن سرود جمهوری اسلامی شد و پس‌از آن افتخارات خود را با به دست آوردن مدال شهادت به بالاترین درجه رساند.

روزهای انقلاب با روزهای نوجوانی او توأم شد. ۱۲ ساله بود که او رشته فوتبال را برای ادامه فعالیت‌های ورزشی خود برگزید و درخشش او در همان ابتدای کار، سبب شد تا به عضویت تیم فوتبال نوجوانان آذر تهران، جوانان اکباتان تهران و در نهایت به عضویت تیم جوانان ایران در سن ۱۷ سالگی درآید.

او در تیم‌های آذر، اکباتان و تهران جوان بازی کرد، سپس به تیم پرسپولیس پیوست و با این باشگاه قرارداد امضا کرد و ۴ ماه در تمرینات پرسپولیس

درگذر تاریخ، ورزشکاران بسیاری بودند که با تلاش‌هایی پهلوانانه، قهرمانی و پهلوانی را در کنار یکدیگر به دست آوردند. هرچند نتوانستند در دنیای کنونی ماندگاری داشته باشند اما تا ابد به‌عنوان یک ورزشکار پهلوان، در اذهان باقی می‌مانند. ورزش کشور از وجود مردان آسمانی بی‌بهره نبوده و شهید «مهدی رضایی مجد» کاپیتان اسبق تیم فوتبال جوانان ایران یکی از مردان آسمانی فوتبال ایران است که در زمان حضور خود در این تیم افتخارات زیادی را نصیب ورزش کشور کرد.



# مشتی خاک به پیشگاه خداوند متعال

○ الهام کنجکاو

برای دیدن و دلجویی می آمدند و از رشادت‌ها و شجاعت‌هایش می‌گفتند. اون‌ها می‌گفتند که علی همیشه همراه خودش طناب و چراغ‌قوه داشت و هیچ‌وقت نمی‌گذاشت جنازه دوستان و هم‌زمان شهیدش تو خاک دشمن باقی بمونه. علی آن‌قدر سریع آمدورفت که چشمان خیلی‌ها در راهش بازماند؛ هنوز اشک‌هایش در سینه‌زنی‌ها برای امام حسین (ع) و میدان‌داری‌هایش که گاهی به بیهوشی منتهی می‌شد، نمی‌شود فراموش کرد. او در کمال صداقت و عاشقانه در بخشی از وصیت‌نامه‌اش نوشت اگر جنازه‌ام به دست شما رسید و برای دیدنم آمدید، با چادر سفید بیاید که انگار به عروسی عزیز خود می‌روید. و در روز تشیع جنازه هم با چادر سفید باشید.

انگار که عزیز خود را به حمله داماد می‌برید. در روز تشیع جنازه‌ام شعرهای حسین، حسین و یا مهدی بدهید که آقایم شب اول قبر به داد من روسیاه برسد. یک شاخه گل سرخ و یک قطعه عکس امام را در قبرم بگذارید. تا آن را به آقا و مولایم حسین (ع) بدهم اگر چه نمی‌دانم در آن لحظه چه بگویم و اگر می‌شود مقداری خاک کربلا را در قبرم بگذارید و جنازه‌ام را در نیمه‌شب دفن کنید. بر روی سنگ‌قبرم نوشته شود: «مشتی خاک به پیشگاه خداوند متعال».

مادرم، الان باید رسالت زینب گونه خود را مانند دختر رسول‌الله به مردم نشان دهی. شما به مکه و خانه خدا و مدینه رفته‌ای و به شیطان سنگ زدی و به حجر الاسود بوسه زدی. به دست‌بوس امام‌های معظم رفتی و ما و دیگر دوستان به ملاقات صاحب کعبه، بین صفا و مروه رفتی. من بین خانه و نفس و در جبهه به شیطان سنگ زدم. شما گوسفند برای خدا کشتی و من خودم را برای دیدار با معشوق اهدا نمودم. خواهر گرامیم من افتخار می‌کنم که چنین خواهری داشتم و می‌توانستم با سربلندی در بیرون راه بروم. از شماها می‌خواهم که بچه‌های خود را حسین وار و زینب گونه تربیت کرده و آن‌ها را با احکام اسلام و قرآن و دین و راه زندگی و جهاد برای اسلام آشنا سازید که اگر اسلام از بین رود ما هم از بین خواهیم رفت. ما همه زندگی خود را برای اسلام گذاشتیم که خود دیده بودید. حتی جان ناقابل‌مان را.

لااقل به غذای بهتر برات درست می‌کردم آخه ما امروز ماکارونی داریم. دایی علی گفت: چه بهتر مگه نمی‌دونسی ماکارونی غذای موردعلاقه من هست. دلم می‌خواست نگاهم رو از روی چهره خسته اما خندانش برندارم آخه من خیلی خیلی دوستش داشتم. کوچک‌تر که بودیم یادمه که هر وقت می‌رفتم قزوین بهترین تفریح من این بود که به‌دوراز چشم مادرم من رو با خودش می‌برد موتورسواری بعد هم مغازه آقا مصطفی با به عالمه خوراکی‌های خوشمزه برمی‌گشتیم خونه. هر وقت از بیرون می‌آمد خونه شروع می‌کرد به بازی کردن با ما بچه‌ها، همیشه من رو بغل می‌کرد و پرتاب می‌کرد بالا و می‌گفت موش صحرایی بخورمت، می‌پرسی می‌دونی چرا موش صحرایی؟ چون موش صحرایی کوره ونمی‌بینه که چی می‌خوره و گرنه دلش نمیداد که بخورمت. ولی این دفعه‌های آخر که می‌آمد مرخصی زیاد سرحال نبود خسته بود و تو فکر و حال و هوای خودش بود باکسی زیاد حرف نمی‌زد. بار آخر که او مده بود مامان صداش کرد و باهاش شروع کرد به حرف زدن. تمام حرف‌هایی که اون روز بینشون ردوبدل شد رو خوب یاد مه. مادرم گفت علی جان شما دیگه به وظیفه خودت عمل کردی. عزیز دیگه طاقت دوریتو رو نداره. امیر هم که رفت جبهه. این بار دیگه بمون. دایی علی از این خواسته مامان جون جا خورد و گفت: یعنی چی؟ شما چه می‌دونید تو دل من چی می‌گذره؟ من چه جور می‌تونم پرپر شدن دوستان و هم‌زمان رو ببینم و بنشینم تو خونه.

همیشه فکر می‌کردم صدای زنگ درخونه و صدای زنگ تلفن خیر از دیدن کسی که مدت‌ها منتظرشی می‌دهد ولی گاهی که به‌صورت مادرم نگاه می‌کردم اضطراب و نگرانی رو می‌دیدم حتی صدای مارش عملیات جدید از رادیو حال مادرم رو دگرگون می‌کرد. آن روز هم اومدن بی‌موقع بابا به خونه اون هم همراه پسرعموی بزرگم عجیب بود انگار نیازی به گفتن کلمه‌ای و یا حرفی نبود مادرم دیگه نتونست روی با بایستد فقط گفت: علی؟ علی شهید شده؟ گریه بابا جواب مثبتی بود به سؤال مادرم. اون زمان ده سال داشتم و اینکه دیگه نمی‌تونستم دایی علی رو ببینم برام غیرقابل‌باور بود. بعد از تمام مراسم و تشیع جنازه، دوستان و هم‌زمانش



علی قاریانپور، چهاردهم مرداد ۱۳۴۳ در شهر قزوین به دنیا آمد. پدرش یوسف و مادرش طاهره نام داشت. تا کلاس دوم راهنمایی درس خواند کارگر کارخانه بود. از سوی بسیج در جبهه حضور یافت. دهم اسفند ۱۳۶۶ در شلمچه بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید و سال‌هاست که مشتاقان بسیاری از سراسر کشور برای میثاق با این شهید در گلزار شهدای قزوین حضور می‌یابند. شهیدی که خود را مشتی خاک به پیشگاه خداوند متعال می‌دانست.

آسمان فرصت خوبی است اگر پر بکشیم، به افق‌های دل‌انگیز خدا سر بکشیم در مشتی خاک به پیشگاه خداوند متعال.

دهه محرم بود. مادر بزرگم مدتی اومده بود تا پیش ما بمونه اون روز یکی از همسایه‌های کوچکی امون نذر داشت. از یه گروه تعزیه دعوت کرده بود تا داخل حیاط خونه اشون تعزیه اجرا کنند. من و خواهر کوچکم که برامون دیدن این برنامه خیلی هیجان‌انگیز بود و تازگی داشت به همراه عزیز «مادر بزرگم» رفته بودیم خونه همسایه. دور تادور حیاط جمعیت نشسته بود. خواهرم از صدای شیهه و چرخش اسب‌ها به دور حیاط و صدای بلند تعزیه خون‌ها وحشت کرده بود و من نگاهم به عزیز بود که چادرش رو جلوی صورتش کشیده بود و شونه هاش از گریه تکون می‌خورد. همین موقع یکی از همسایه‌ها اومد جلو و گفت برید خونه، دایی تون از جبهه او مده، می‌تونم بگم تقریباً تمام پله‌ها رو تا طبقه سوم دویدیم شاید ۶ ماه می‌شد که به مرخصی نیومده بود. هیچ‌وقت خوشحالی اون روز مامان و عزیز رو فراموش نمی‌کنم. مامان دستش رو انداخته بود دور گردن دایی علی و ول نمی‌کرد و دایی علی به این کار مامان می‌خندید. دایی علی عادت داشت هر وقت می‌آمد دیدنمون حتماً برامون هدیه‌ای می‌آورد اون روز هم برای من و خواهرم کتاب جوچه اردک زشت‌رو آورده بود. ما سرمون حساسی به کتاب گرم بود. مامان گفت: چرا بی‌خبر؟

یکی از منابع قدرت نرم کشورها ورزش است. ورزش ارتباط نزدیکی با سیاست پیدا کرده و به یک موضوع روابط بین‌الملل تبدیل است. کشورها سعی می‌کنند از ورزش به‌خصوص ورزش‌هایی که جنبه بین‌المللی دارد برای اهدافی خود در خصوص کسب قدرت، ثروت و افزایش منزلت بین‌المللی استفاده کنند. تحول ماهیت نظام بین‌الملل نقش ورزش در نشان بین‌الملل را دگرگون کرد. دلیل توسل دولت‌ها به ورزش به‌منظور وسیله‌ای برای پیشبرد بین‌المللی و داخلی دیپلماسی عمومی خود، این است که ورزش رویدادی جمعی و پدیده‌ای فرهنگی شناخته می‌شود و از نظر اجتماعی از مسیر ارزش‌های جهانی مشترک اجرا می‌شود. ورزش با این ویژگی‌ها می‌تواند نقش مهم سیاسی در ملت‌سازی از طریق افزایش غرور داخلی در شکل دستاوردها و پیروزی‌های تیم ملی در سطح بین‌المللی از طریق نشان دادن هویت جمعی مورد تأیید در عرصه بین‌المللی ایفا کند. این حس به‌خصوص بعد از برد

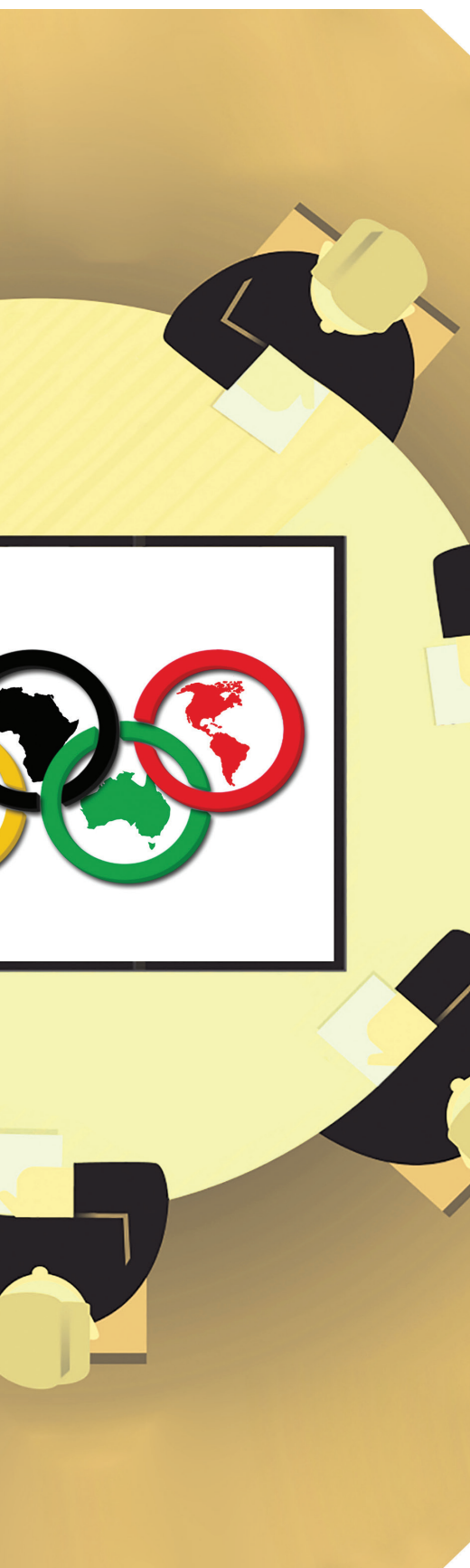
## دیپلماسی

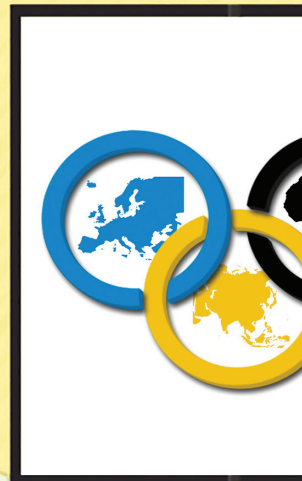
۲۴ قطعنامه صادر کرد که به ورود نظام‌مند ورزش‌ها به عرصه اقدامات برقراری صلح و توسعه پایدار در سطح بین‌المللی فرامی‌خواند. با در نظر داشتن چنین ایده‌ای دفتر ورزش برای صلح و توسعه سازمان ملل تأسیس شد و ۶ آوریل روز بین‌المللی «ورزش برای صلح و توسعه» نامیده شد. مزیت منحصر به فرد دیپلماسی ورزشی در این موضوع نهفته است که به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی نیازمند هزینه‌های پایین است ولی به دلیل قابلیت آن می‌تواند نتایج قابل توجهی داشته باشد. بنابراین، این نوع از دیپلماسی برای ارسال سیگنال‌هایی از بهبود و ارتقای روابط میان دو یا چند دولت با روابط محدود، قابل‌اعمال و مورد استفاده است. مطالعات بین‌رشته‌ای روابط

تیم‌های ملی در سطح منطقه‌ای و سطوح بالاتر را می‌توان در شور و شوق و غرور مردم در سطح جامع مشاهده نمود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهاد ورزش در هر جامعه‌ای، ایجاد و تقویت غرور ملی ناشی از پیروزی‌ها است که در هر دورانی چنین کارکردی را نه از ورزش بلکه از جنگ انتظار داشتند و به هنگام پیروزی بر رقیب، چنین حسی به آن‌ها دست می‌داد و به زبان امروزی در فرد و ملت پیروز حس برتری، یگانگی و هویت خاصی ایجاد می‌شد. دیپلماسی ورزشی این پتانسیل را دارد که روابط میان دولت‌ها را بهبود بخشد. با تحلیل ابعاد مختلف ورزش در امور سیاسی و دیپلماتیک، برخی خصوصیات معین ورزش آن را امری بسیار جذاب برای تحرک در روابط بین‌الملل می‌سازد.

ورزش می‌تواند به‌عنوان نیرویی محرک و بسیج‌کننده به کار رود و پلی میان ارتباطات بین‌المللی و صلح ایجاد کند. در سال‌های میان اکتبر ۱۹۹۳ تا اکتبر ۲۰۱۴، مجمع عمومی سازمان ملل مجموعاً

بین‌الملل از ظرفیت بالایی برای پرداختن به موضوعات مختلف برخوردار است. ورزش و پویای‌های مرتبط با آن از جمله مباحث بسیار جدیدی قلمداد می‌شود که مورد توجه محققین روابط بین‌الملل قرار گرفته. ورزش‌هایی مانند فوتبال دهه‌هاست که جنبه‌های سیاسی پررنگی داشته و در مدیریت کلان سیاسی به کارکردهای آن توجه می‌شود. جرج اورول نویسنده رمان‌های مشهوری هم چون قلعه حیوانات روزگاری فوتبال را چنین توصیف کرد: «جنگ منهای تیراندازی». به‌طور کلی برخی ورزش‌های حرفه‌ای چنان باسیاست درگیر شده‌اند که نمی‌توان از آثار و تبعات آن در روابط بین دولت‌ها و نیز صحنه داخلی کشورها غفلت کرد. نمونه تاریخی دیپلماسی ورزشی «دیپلماسی پینگ‌پنگ» بین ایالات متحده و چین در سال ۱۹۷۱ است که در ایجاد روابط حسنه میان پکن





و واشنگتن کارساز بود، البته در محیطی این تفاهم به دست آمد که هر دو طرف مایل به برقراری نهایی روابط دیپلماتیک بودند.

دیپلماسی موسوم به دیپلماسی کریکت میان هند و پاکستان نیز نمونه‌ای دیگر است که به میزان زیادی باعث تنش‌زدایی و بهبود روابط میان دو کشور بود. منازعات طولانی میان هند و پاکستان، با حملات تروریستی مانند حمله تروریستی بمبئی در سال ۲۰۰۸ تشدید شد و ناگزیر روابط سیاسی محدود و خصومت‌آمیز میان این دو کشور آسیایی همسایه را به وجود آورد که مذاکرات صلح را با مانع روبه‌رو کرد. باین‌حال، در مارس ۲۰۱۱،

نخست‌وزیر هند، دعوت‌نامه‌ای را به همتای پاکستانی خود فرستاد تا در کنار هم در یک بازی جام جهانی کریکت در هند که در آن تیم‌های دو کشور به

را به‌زور اشغال کرده است، به صحنه فوتبال کشیده شده و برخی از این رقابت ورزشی به «جنگ بدون کشتار» یاد می‌کنند.

وزارت امور خارجه ژاپن به طور معمول از فوتبال و فوتبال‌بست‌ها استفاده وسیع می‌کند. ژاپنی‌ها از فوتبال برای غلبه کردن به کلیشه‌های امپریالیستی استفاده کرده‌اند.

یکی از اهداف پشت سر تأسیس لیگ برتر فوتبال ژاپن در دهه ۱۹۹۰ بهبود عملکرد تیم ملی این کشور برای منعکس کردن سطح ثروتمند قدرت اقتصادی ژاپن در دستاوردهای ۴۰ ساله ایجاد صلح و رفاه بعد از جنگ جهانی در این کشور بود. البته در این رابطه نظریاتی انتقادی هم وجود دارد که در این مقوله قصد پرداختن به آن را نداریم.

در ورزش‌های مختلف مفاهیم آمیخته به جنگ و مبارزه بسیار دیده می‌شود. مثلاً در بازی شطرنج شاهد رویارویی دو سپاه هستیم. در فوتبال هم اصطلاحاتی مانند دفاع، حمله و توپ بکار می‌رود

## ورزشی

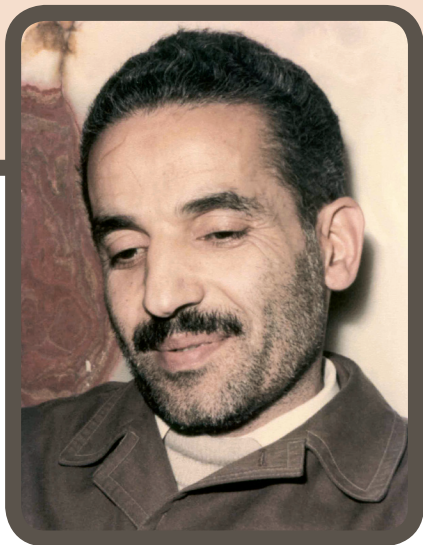
۴۵

شاهد جوان، شماره ۱۴۵

و آرایش بازیکنان در فوتبال آرایشی رزمی و برای دفاع از دروازه‌ها که نمادی از دروازه‌های کشورند؛ تلاش می‌شود. در جامعه جدید ورزش به روشی متناقض عمل می‌کند و به نمادی از صلح تبدیل می‌شود. ملت‌ها به این نتیجه می‌رسند که به‌جای اینکه با توپ با یکدیگر بجنگند با توپ با یکدیگر می‌جنگند! و به‌جای اینکه سربازان یکدیگر را نابود کنند از طریق ورزش با یکدیگر رقابت می‌کنند. در این حالت الگوی جدیدی از مبارزه در میان ملت‌ها شکل می‌گیرد و ورزش جایگزین جنگ می‌شود. و در آخر: این نکته حائز اهمیت است که تصمیم‌گیران سیاسی یک کشور چگونه می‌خواهند و می‌توانند از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک برای توسعه روابط بین‌الملل خود استفاده نمایند؟

رقابت در برابر هم می‌پردازند، شرکت کنند. عطای نمادین شاخه زیتون، از لحاظ راهبردی بر اشتیاق و علاقه مشترک به کریکت به‌عنوان عنصر وحدت‌بخش مبتنی بوده است که روشی سازنده برای فروگذاردن خطابه‌های تنش‌زای معمول و ایجاد فرصتی برای رویکردی بدیل در قبال مذاکرات صلح به‌حساب می‌آید.

در سال ۱۹۸۲ در جنگ فالكند، آرژانتین در برابر انگلستان تن به شکست داد شکستی که در حافظه تاریخی یک ملت حک شد. این انتقام ۴ سال بعد عملی شد نه در یک صحنه جنگ دیگری بلکه در قالب یک رقابت ورزشی که البته کم‌تر از نبرد هم نیست، مسابقه فوتبال. نبردی که در آن اسطوره فوتبال آرژانتین مارادونا با دو گل خود خصوصاً یکی از آن‌ها که در اوج زیرکی و رندی با دست‌زده شد. اختلافات دو کشور بر سر جزایری که آرژانتین مدعی است به این کشور تعلق دارد و انگلستان آن



به مناسبت انفجار دفتر نخست وزیری در هشتم شهریور سال ۱۳۶۰ و شهادت محمد علی رجایی «رئیس جمهور» و محمدجواد باهنر «نخست وزیر»، از دوم تا هشتم شهریور هفته‌ای به نام هفته دولت نام‌گذاری شد. در این هفته معمولاً سعی شده مردم با فعالیت‌ها و برنامه‌های آینده دولت آشنا شوند. بدین مناسبت گریزی کوتاه خواهیم زد بر این حادثه.

دولت شهید رجایی، نخستین دولت مکتبی بود که در آن دوره بحرانی حداکثر تلاش و کوشش خود را برای خدمت به اهداف مقدس انقلاب، صادقانه اعمال کرد تا آن جا که جان خویش را بر سر آن نهادند.

#### چگونگی حادثه

چند روز پس از فاجعه هشتم شهریور سال ۶۰، مرحوم آیت‌الله ربانی املشی (دادستان کل کشور) در ۱۸ شهریور ماه عامل انفجار دفتر نخست وزیری را که به شهادت شهیدان رجایی و باهنر منجر شد، در یک پیام تلویزیونی معرفی کرد. وی گفت: «عامل انفجار نخست وزیری شخصی به نام مسعود کشمیری، دبیر شورای امنیت بوده. این شخص بمبی در کیف خود جاسازی کرده بود که به طور عادی و معمولی، بدون این که هیچ کس به او ظنین شود و هیچ کس هم کیف او را بازرسی و رسیدگی نمی‌کرده و ... خیلی عادی بوده که کیفش را دست بگیرد و برود در جلسه شرکت کند و از آن جایی که منشی جلسه هم بوده، کنار رجایی و شهید باهنر بنشیند؛ و این کار را کرده و کیف خود را هم کنار آن‌ها قرار داده و طوری تنظیم کرده بود که انفجار، اولین بار، این دو شخصیت بزرگ و ارزنده و عزیز را بگیرد ... خود او هم رفتاری معمولی داشته است؛ گاهی بیرون می‌رفته، داخل می‌شده، با این و آن صحبت می‌کرده است؛ می‌رفته است چیزی از بیرون می‌آورده و گاهی چای می‌داده است. در بین یکی از این مواقعی که رفت و آمد می‌کرده است، به بیرون رفته و دیگر برگشته؛ و در همان موقع این انفجار به وجود آمده و این عزیزان را از ما گرفت.

# رئیس جمهور

## مروری بر زندگی سیاسی شهیدان رجایی

و محمدعلی رجایی که نامش در لیست فهرست ائتلاف بزرگ، لیست مشترک جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی قرار داشت، به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس اول راه یافت.

و سپس در مرداد ۱۳۵۹ به سمت نخست‌وزیری منصوب شد. شهید رجایی در مرداد ماه ۱۳۶۰ پس از عزل بنی‌صدر، در دومین انتخابات ریاست جمهوری، در رقابت با سید اکبر پرورش، عباس شیبانی، حبیب‌الله عسگرآولادی مسلمان موفق شد رئیس‌جمهور ایران شود.

اما این ریاست جمهوری تنها ۲۸ روز طول کشید. روز ۸ شهریور زمانی که وی از اتاق کارش خارج شد و به محل جلسه فوق‌العاده دولت رفت. ساعت ۱۵:۰۰ صدای انفجار مهیبی از ساختمان نخست‌وزیری برخاست. در این حمله تروریستی محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر به شهادت رسیدند.

### مروری بر زندگی سیاسی شهیدان رجایی و باهنر

#### محمدعلی رجایی

وی از ۱۱ مرداد ۱۳۶۰ تا ۸ شهریور همان سال، یعنی به مدت ۲۸ روز، رئیس‌جمهور منتخب مردم بود.

محمدعلی اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ توسط ساواک بازداشت شد و پس از ۵۰ روز آزاد شد. در سال ۱۳۵۳ برای بار دوم بازداشت شد و به زندان منتقل شد. سرانجام در روز عید غدیر، آبان ماه ۱۳۵۷ پس از چهار سال از زندان آزاد شد. رجایی بلافاصله با تأسیس انجمن اسلامی معلمان، به مبارزه علیه رژیم پرداخت. عضو «کمیته استقبال» شد، و در کنار دیگر انقلابیون مهیای ورود امام خمینی (ره) شد. پس از پیروزی انقلاب به سمت وزیر آموزش و پرورش منصوب شد. ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ انتخابات دوره نخست مجلس شورای اسلامی برگزار شد



دریای کرمش امید عفو دارم. این مختصر را برای رفع تکلیف و تعیین خط مشی برای بازماندگان و برحسب وظیفه شرعی نوشتم و گرنه وصیت‌نامه این بنده حقیر با این همه تحولات در زندگی در این مختصر نمی‌گنجد و مکه، حج بیت‌الله بر من واجب شده بود امکان رفتن پیدا نشد. اینک که به لقاءالله شتافتم این واجب را یکی از بندگان صالح خداوند به عهده بگیرد. ثلث اموال به تشخیص بازماندگان به «خیرالعمل» صرف شود و اگر به نتیجه قطعی نرسیدند به بنیاد شهید بدهید.

#### شهید باهنر

شهید باهنر در سال ۱۳۴۱، همکاری خود را با نهضت اسلامی و سیاسی روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آغاز کرد و در اسفند ماه ۱۳۴۲ پس از ایراد سخنرانی‌هایی در مساجد «هدایت»، «الجواد» و «حسینیه ارشاد»، به مناسبت سالگرد حادثه «فیضیه»، دستگیر شد. پس از آن شش بار به زندانهای کوتاه مدت محکوم شد و از سال ۱۳۵۰ ممنوع‌المنبر گردید.

او در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام (ره) و به همراه چند تن از یاران، مامور تنظیم اعتصابات شد و در همان سال نیز با فرمان امام (ره) به عضویت شورای انقلاب اسلامی درآمد.

برخی مسئولیت‌های شهید باهنر پس از پیروزی انقلاب اسلامی عبارتند از: مسئولیت نهضت سوادآموزی، نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان، نماینده شورای انقلاب اسلامی در وزارت آموزش و پرورش، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی.

شهید باهنر در کابینه محمد علی رجایی به سمت وزیر آموزش و پرورش منصوب شد. پس از فاجعه بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دکتر بهشتی، او به عنوان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی انتخاب شد و به دنبال انتخاب شهید رجایی به سمت ریاست جمهوری، به عنوان نخست‌وزیر جمهوری اسلامی به مجلس معرفی شد که با رای قاطع مجلس به تشکیل کابینه خود پرداخت.

# وری در ۲۸ روز

## جایی و باهنر به مناسبت هفته دولت

### آخرین وصیت

بیست روز قبل از شهادت، قبل از ترک خانه برای شرکت در جلسه‌ای مهم، همسر رجایی به او گفت: «پیشنهاد می‌کنم وصیت‌نامه جدیدی بنویسید. وصیت‌نامه قبلی را سال‌ها پیش نوشته‌اید.» رجایی به یاد آورد که در سال ۱۳۵۲ قبل از این که به زندان برود، وصیت‌نامه‌ای نوشته بود و آن روز، هشت سال از نوشتن آن وصیت‌نامه می‌گذشت. کمی فکر کرد. سپس کاغذی خواست تا وصیت‌نامه‌ای جدید بنویسد. او بر روی یک برگ کاغذ دفتر مشق بدون این که پاک‌نویس کند خوش خط و خوانا و بدون خط‌خوردگی و روان و ساده وصیت‌نامه‌ای نوشت و آن را به همسرش داد. نکاتی که در این چند خط به آن‌ها اشاره شده، بسیار قابل تأمل است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

این بنده کوچک خداوند بزرگ با اعتراف به یک دنیا

اشتباه، بی‌توجهی به ظرافت مسئولیت از خداوند رحیم طلب عفو و از همه برادران و خواهران متعهد تقاضای آمرزش خواهم می‌کنم.

وصیت حقیقی من مجموعه زندگی من است. به همه چیزهایی که گفته‌ام و توصیه‌هایی که داشته‌ام در رابطه با اسلام و امام با انقلاب تأکید می‌نمایم. به کسی تکلیف نمی‌کنم ولی گمان می‌کنم اگر تمام جریان زندگی مرا به صورت کتاب درآورند برای دانش‌آموزان مفید باشد.

هر چه از مال دنیا دارم متعلق به همسر و فرزندانم می‌باشد. کیفیت عملکرد را طبق قانون شرع به عهده خودشان می‌گذارم.

برادرم محمدحسین رجایی وصی و همسر من ناظر و قیم باشند.

خدای را به وحدانیت، اسلام را به دیانت، محمد (ص) را به نبوت و علی و یازده فرزندان معصومین علیهم‌السلام را به امامت و پس از مرگ را به قیامت و خدای را برای حسابرسی به عدالت قبول دارم و از

# علل رسمی تا غیر رسمی قطع روابط با قطر

آنچه ذکر شد، ادبیات رسمی عربستان علیه قطر بود. در یک کلمه، عربستان قطر را «حامی تروریسم» معرفی کرد.

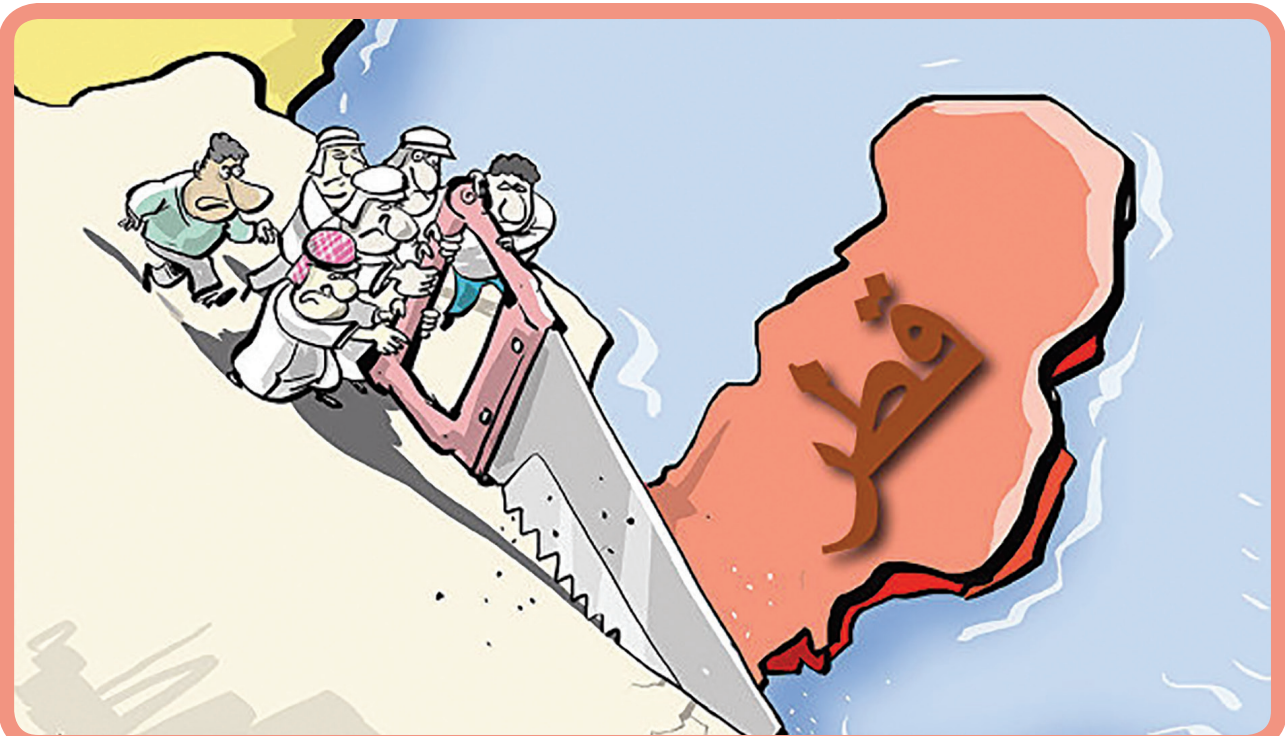
علاوه بر عواملی که بیان شد روایت‌های دیگری در خصوص این اتفاقات وجود دارد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

## روایت اول

برخی کارشناسان می‌گویند، اتفاقی که رخ داده، ناشی از زدوبند محمد بن زاید و محمد بن سلمان است. (ولیعهد امارت ابوظبی و جانشین فرمانده نیروهای مسلح امارات عربی متحده - ولیعهد عربستان و وزیر دفاع این کشور). شائبه‌های زیادی در خصوص کمک بن زاید به بن سلمان برای تصاحب قدرت در عربستان وجود دارد. به گزارش یک خبرنگار عمانی محمد بن زاید به‌طور محرمانه به مسقط سفر و با سلطان قابوس دیدار کرده است. در این دیدار محمد از سلطان خواسته تا در فشار بر قطر همراه شود اما مسقط رد کرده ولی گفته اگر بخواهند مشکل را با گفت‌وگو حل کنند، می‌توانند در عمان این کار را بکنند. نگاهی به بازیگران این بازی (مثل بن سلمان ۳۱ ساله و تمیم ۳۶ ساله) نشان می‌دهد که امرا و

علیه ریاض و خدشه‌دار کردن حاکمیت عربستان. ۲. پناه دادن گروه‌های تروریستی و افراطی متعدد توسط قطر، که هدفش بی‌ثبات کردن منطقه است مثل جماعت اخوان المسلمین، داعش و القاعده ۳. ترویج ادبیات و طرح‌های گروه‌های مذکور (اخوان، داعش و القاعده) از طریق رسانه‌های خود (قطر) به شکلی همیشگی. ۴. حمایت قطر از فعالیت گروه‌های تروریستی مورد حمایت ایران در استان قطیف در [شرق] عربستان و در بحرین. ۵. حمایت مالی، پشتیبانی و پناه دادن افراطیونی که هدفشان بی‌ثبات کردن وطن [عربستان] است ۶. استفاده از رسانه‌ها برای فتنه‌انگیزی در داخل کشور و منطقه ۷. حمایت از «شبه‌نظامیان کودتاچی حوثی» در یمن حتی بعد از اعلان تشکیل ائتلاف برای این کشور ۸. در بیانیه آمده که این تصمیم همزمان با مقامات بحرین گرفته‌شده که هدف حملات و عملیات تروریستی است که مورد حمایت قطر است

عربستان در سفر دونالد ترامپ به ریاض، قطر را حامی تروریسم معرفی کرد و از همین‌جا بود که تمیم جوان آزاده‌خاطر، در دوحه پاسخ داد که حزب‌الله و حماس گروه‌های مقاومت هستند و ایران در منطقه کشوری مهم است و برخی [یعنی عربستان] که برداشتی افراطی از اسلام دارند، سبب توسعه افراطی‌گری و تروریسم شده‌اند. بعد از این اظهارات تلویزیون عربستان سعودی بامداد روز دوشنبه پنجم ژوئن (۱۵ خرداد) اعلام کرد که ریاض بنا بر حقوق بین‌المللی خود، «روابط دیپلماتیک و کنسولی» با قطر را قطع و همه منافذ زمینی، دریایی و هوایی با قطر را مسدود می‌کند. در بیانیه عربستان درباره قطع روابط با قطر آمده بود که علت این امر مربوط به امنیت ملی عربستان سعودی است. عربستان موارد زیر را از جمله علل قطع رابطه بیان کرد که نگارنده آن را این‌طور خلاصه می‌کند: ۱. «اقدامات خلاف قانون و بزرگ» مقامات دوحه، از سال‌ها پیش تاکنون، پنهان و آشکارا برای دودسته کردن صف داخلی عربستان و تحریک برای شورش





گذشته از پیامدهای سیاسی و اقتصادی، این اتفاق در حوزه ورزش نیز دارای تبعاتی است. از جمله می‌توان به تبعات تنش دیپلماتیک بر جام جهانی سال ۲۰۲۲ نام برد. تصمیم هماهنگ چند کشور منطقه در قطع ارتباط دیپلماتیک با قطر برگزاری موفقیت‌آمیز جام جهانی فوتبال سال ۲۰۲۲ میلادی در این کشور را در هاله‌ای از ابهام قرارداد. برنامه‌ریزی برای برگزاری جام جهانی در قطر پروژه‌ای چند میلیارد دلاری است که شامل ساخت ۹ ورزشگاه و زیرساخت‌های گسترده و متعدد در این کشور می‌شود. کمیته عالی مسئول برگزاری این مسابقات تاکنون واکنشی رسمی به تحولات دیپلماتیک منطقه نشان نداده اما به گفته برخی ناظران تنش‌های اخیر بزرگ‌ترین چالشی است که قطر تاکنون برای برگزاری جام جهانی با آن روبرو شده است. هرچند همچنان چند سال تا زمان برگزاری مهم‌ترین مسابقات تیم‌های ملی فوتبال جهان در قطر باقی‌مانده است اما تبعات اقتصادی تنش‌های دیپلماتیک اخیر می‌تواند این پروژه را با چالش جدی مواجه کند.

رسیده که الان رسیده و سرانجام آمریکا نیز برای تحقق این خواسته اسرائیلی، به سه کشور عربستان، مصر و امارات چراغ سبز داده تا قطر را تنبیه کنند.

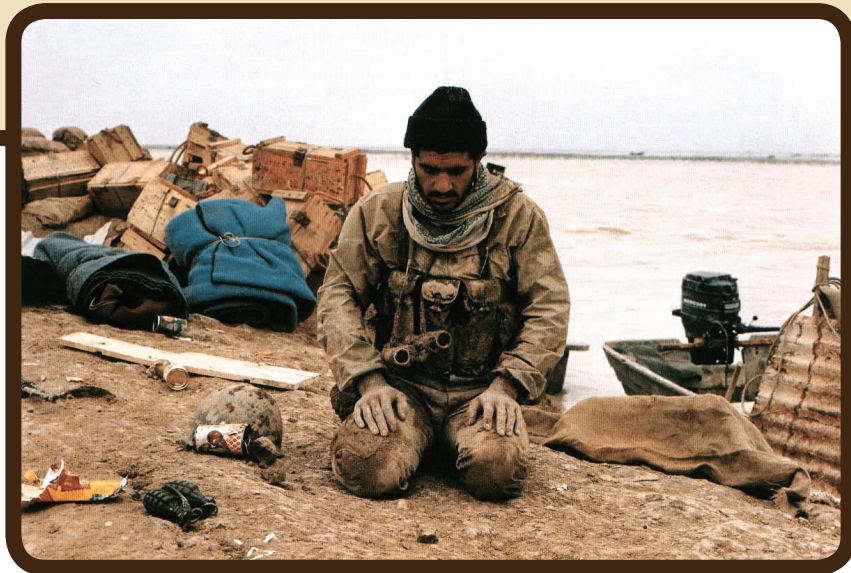
### روایت سوم

ریشه دیگر بحران که می‌توان به آن اشاره کرد، مسئله هک ایمیل سفیر امارات در آمریکا است. در پی بالا گرفتن اختلاف قطر و عربستان پس از نشست ریاض، ظاهر فرد یا افراد مرتبط با قطر در پانکی ایمیل سفیر امارات در قطر را هک کردند. اسنادی که در این هک به دست قطری‌ها افتاده هم ابوظبی را نگران کرده هم ریاض را. این اسناد ظاهر آن قدر مهم است که برخی گفته‌اند، قطع روابط، اقدام پیشدستانه برای مهار کردن موج افشای برخی مسائل توسط قطر است. شمس‌الدین نقاز یک نویسنده و تحلیلگر سعودی معتقد است که امارات در طرح خاورمیانه جدیدی که آمریکا در تلاش برای اجرای است، نقشی مهم و بسیار مخرب دارد و افشای چنین چیزی ریاض و ابوظبی را به شدت نگران کرده است. گذشت ایام ابعاد این مسئله بسیار مهم را بیشتر روشن خواهد کرد که آیا قطر در مقابل این فشارها مقاومت خواهد کرد یا خیر.

شاهزادگان کم سن و سال در این مسئله نقش دارند اما این همه ماجرا نیست. این مسئله چند ریشه دارد که ریشه اصلی آن در اسرائیل است؛ مثلاً «الی آویدار» نماینده سابق تل‌آویو در نمایندگی اقتصادی اسرائیل در دوحه، در گفت‌وگو با «راديو اسرائیل» می‌گوید که این اقدامات، اجرای خواسته‌های دولت دونالد ترامپ است. او توضیح داده که قطع روابط با قطر، اجرای رویکرد ترامپ برای خلاص شدن از ارث باراک اوباما است. ترامپ معتقد است که قطر که عضوی از لیست کشورهای عربی میانه‌رو است، نباید در عین حال، روابط خوبی با اخوان المسلمین و ترکیه داشته باشد.

### روایت دوم

برخی این اقدام عربستان علیه قطر را اعلام جنگ نامیده‌اند؛ جنگی که از سفر ترامپ به ریاض آغاز شده و در حاشیه اجلاس سران عرب با ترامپ، عربستان، مصر و امارات به قطر پیشنهاد کرده‌اند با توجه به روابطی که با حماس و مقاومت اسلامی در اراضی اشغالی دارد، «وطن جایگزین» باشد برای آوارگان فلسطینی یا اینکه کشور پیشگام در این امر باشد اما قطر این پیشنهاد را رد کرده و اختلافات به‌جایی



در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با هجوم ارتش عراق به مرزهای غرب و جنوب و حمله هوایی به چند فرودگاه جنگ تحمیلی ۸ ساله دولت عراق به رهبری صدام حسین علیه ایران آغاز شد. این واقعه در حالی اتفاق افتاد که تنها ۱۹ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذشت. صدام حسین رئیس‌جمهوری وقت عراق چند روز پیش از این اقدام، پیمان ۱۹۷۵ الجزایر را در برابر دوربین‌های تلویزیون بغداد پاره کرد و در نطقی با تأکید بر مالکیت مطلق کشورش بر اروندرود که آن را شط العرب می‌نامید و طرح این ادعا که جزایر سه‌گانه ایران به اعراب تعلق دارد، همزمان جنگ زمینی، هوایی و دریایی علیه ایران را آغاز کرد.

## جنگ نابرابر

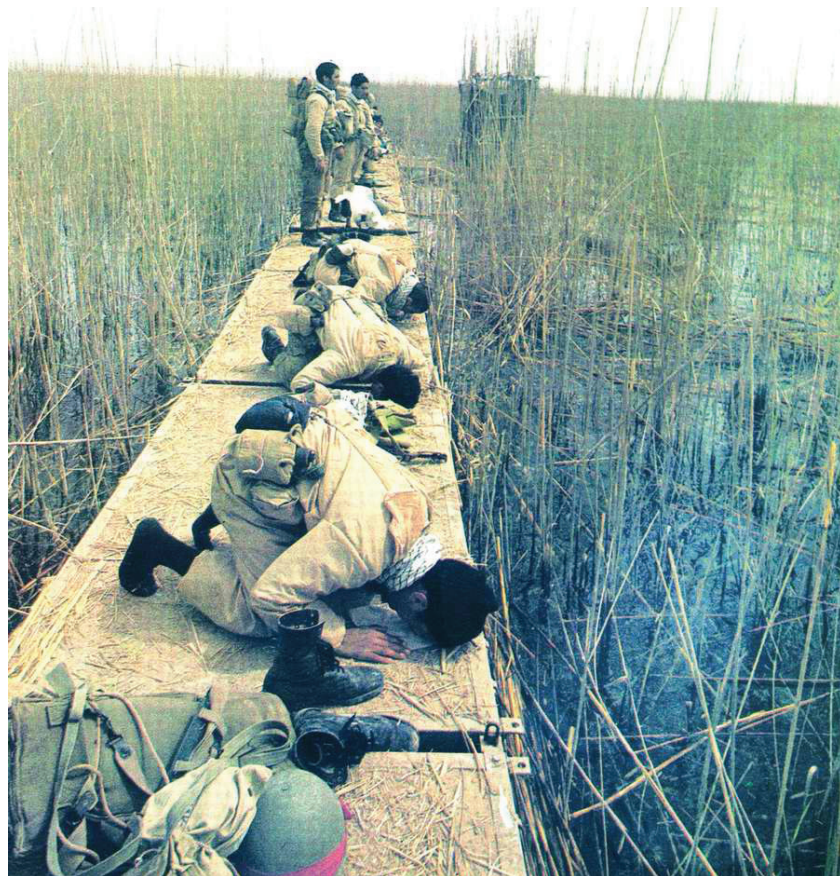
مروى کوتاه بر جنگ تحمیلی تا آزادسازی خرمشهر

### اختلافات مرزی

مهم‌ترین اختلاف مرزی دو کشور یک اختلاف کهنه بر سر وضعیت اروندرود بود. قسمت انتهایی شط العرب یا اروندرود مرز دو کشور را تشکیل می‌دهد. دولت عراق معتقد بود که مرز دو کشور بایستی بر اساس مفاد قرارداد قسطنطنیه ۱۹۱۳ تعیین شود اما ایران مرز دو کشور را خط تالوگ یعنی عمیق‌ترین قسمت رودخانه می‌دانست. نهایتاً در سال ۱۹۷۵ در قرارداد الجزایر عراق خواسته‌های ایران در زمینه شط العرب را پذیرفت و خط تالوگ برای نخستین بار مرز رسمی دو کشور در این رودخانه شد و ایران هم در ازای آن تعهد کرد که به حمایت از شورشیان کرد پایان دهد. اما همان طور که در بالا اشاره شد پنج سال بعد و پنج روز پیش از آغاز جنگ صدام حسین این قرارداد را فسخ کرده و مدعی شد این پیمان به دلیل عدم رعایت مفاد آن از سوی ایران اعتبار خود را از دست داده است. البته این بهانه ای بیش نبود. صدام وقوع انقلاب اسلامی در ایران را تهدیدی علیه خود می‌دانست. به هر حال برای اولین بار اخبار ساعت ۲ بعدازظهر روز ۳۱ شهریور، خبر بمباران فرودگاه مهرآباد را مخابره کرد.

همچنین در ساعت ۱:۴۵ دقیقه روز ۳۱ شهریور ۶ هواپیمای میگ عراقی باند فرودگاه اهواز را بمباران کردند.

حدود ساعت یک و ۵۰ دقیقه ۳۱ شهریور، ۸ میگ عراقی، فرودگاه و چند نقطه حساس دیگر شهر تبریز هم با ۱۱ راکت مورد حمله قرار گرفت. از سوی دیگر ستاد مشترک ارتش ساعتی پس از آغاز حملات عراق انتشار اطلاعیه‌های خود را آغاز کرد. در این اطلاعیه‌ها موارد مورد تأیید درباره حملات عراق و پاسخ‌های ایران به اطلاع مردم



می‌رسید. روز اول مهر ستاد مشترک ارتش اعلام کرد که در حملات متقابل ایران به مواضع دشمن، ۱۱ فروند هواپیمای میگ عراقی سرنگون شده و ۴ فروند ناوچه موشک‌انداز نیز غرق شده است.

نیروی زمینی عراق از سه جبهه و در هر جبهه با یک سپاه یورش زمینی خود را آغاز کرد. سپاه اول از جبهه شمالی حدود ۲۵ کیلومتر در اطراف قصر شیرین پیشروی کرد و سپاه دوم از جبهه میانی و در اطراف مهران، هردو پس از برخورد به مناطق کوهستانی متوقف شدند. این حملات برای پشتیبانی از حمله اصلی در خوزستان انجام شد.

هدف اولیه بخش جنوبی ارتش عراق، تصرف برق‌آسای شهر مرزی خرمشهر و پس از آن آبادان، اهواز، دزفول و سوسنگرد بود. صدام تصور می‌کرد که مورد استقبال مردم خوزستان که بخشی از آنان عرب یا عرب‌زبان بودند قرار خواهد گرفت.

سه ستون زرهی عراقی که برای تصرف خرمشهر اعزام شده بودند با مقاومت ناهماهنگ و خودجوش مردم این شهر مواجه شدند و در کمین حدود ۳۰۰۰ غیرنظامی‌ای افتادند که سلاح‌های ناچیزی همچون تفنگ ام ۱ گاراند، نارنجک و کوکتل مولوتوف در مقابل تجاوز ارتش عراق مقاومت می‌کردند. بیشتر

نیروهای مقاومت خرمشهر با وجود آموزش نظامی ناچیز انگیزه بسیار زیادی برای جنگیدن داشتند. این نیروها موفق شدند جلوی پیشروی سریع ارتش عراق را بگیرند و عراق در همان مرحله اول جنگ، در رسیدن به اهداف خود ناکام ماند و درگیر یک نبرد خانه به خانه در کوچه‌های خرمشهر شد. تصرف خرمشهر ۱۵ روز به طول انجامید و در درگیری‌ها عراقی‌ها ۵۰۰۰ کشته دادند و پس از آن نیز عراق به مدت سه هفته درگیر نبردهای خیابانی با گردان تکاوران دریایی بوشهر در این شهر بود.

پس از تصرف خرمشهر، ارتش عراق موفق شد در اواخر آبان شهر آبادان را به‌طور کامل محاصره کند. عراقی‌ها که بر حمایت عرب‌های خوزستان از ارتش خود، دست کم در شمال خوزستان حساب کرده‌بودند، بازهم ناکام ماندند. حملات پیاپی عراق برای تصرف شهرهای سوسنگرد و اهواز عقیم ماند و ارتش عراق شانس غافلگیری را به‌خاطر مقاومت مردمی از دست داد.

در طی یک عملیات سه روزه ایران موفق شد شهر آبادان را پس از حدود یک سال از محاصره خارج کند. این هم‌زمان نیروی هوایی ایران تأسیسات نفتی کرکوک در شمال عراق و دو مرکز نفتی

در کویت را که واسطه مبادله نفت خام عراق با محصولات سوختی بودند بمباران کرد.

### آزادسازی خرمشهر

مدتی پیش از فتح خرمشهر، تحلیلگران سازمان سیا به این نتیجه رسیدند که در صورت ادامه همین روند، عراق در جنگ با ایران شکست خواهد خورد. در سوم خرداد ۱۳۶۱ به یک پیروزی بزرگ دیگر دست یافتیم. عملیات بیت‌المقدس در سه محور جنوب سوسنگرد در شمال خوزستان، جاده اهواز خرمشهر در مرکز و خود شهر خرمشهر انجام شد و در هر سه محور به پیروزی رزمندگان منجر شد. تنها کمتر از ۲۸ ساعت از آغاز عملیات، کنترل شهر را به دست رزمندگان افتاد.



تکاوران نیروی دریایی ارتش نقش بسزایی در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر داشتند و در خیابان‌های این شهر دوش تا دوش مردم و پاسداران با دشمن جنگیدند.

## تکاوران دریایی ارتش و مقاومت ۳۴ روزه در خرمشهر

و پاسگاه مرزی ایران و عراق در منطقه شلمچه در اختیار ما قرار گرفت و ۲۱ نفر از نیروهای آنها به اسارت ما درآمدند.

در این شرایط منتظر نیروی کمکی بودیم که نیروی کمکی برای ما نیامد. در روز بعد ارتش عراق با نیروی تازه نفس و آتش سنگین به میدان آمد و ما ناچار عقب نشستیم. ما در روز پنج مهر قدم به قدم از پاسگاه مرزی تا یک کیلومتری پل نو از صبح تا بعدازظهر با دادن هفت مجروح و یک شهید عقب نشینی کردیم. اما با همه این احوال اجازه ندادیم که نیروهای عراقی از پل نو جلوتر بیایند و در همان جا آنها را زمین گیر کردیم.

هوا که تاریک شد نیروهای عراقی مانند همیشه زمین گیر شدند زیرا که می ترسیدند عملیاتی انجام دهند و وقتی که راه می رفتند از سایه خودشان هم وحشت داشتند. آنها می گفتند: هر جا که ما می رویم تکاوران نیروی دریایی ایران حضور دارند و ما را در کمین گرفتار می کنند و در واقع هم همین

کمک می کردند. ما زمانی که از بوشهر به خرمشهر می آمدیم برای هر واحد یک آشپزخانه صحرایی داشتیم اما یک بار هم از آشپزخانه هایمان استفاده نکردیم و مردم در تمام طول مدتی که ما در این شهر بودیم ما را از همه نظر پشتیبانی می کردند. روز چهارم مهر دشمن از جاده شلمچه تا پل نو پیش آمده بود. تکاوران مستقر در پل نو سربازان دشمن را متوقف کرده و تا ساعت ۱۱ شب دشمن را از شلمچه عقب رانده و حتی وارد خاک عراق شدند

از تکاوران دریایی ارتش می توان به عنوان یکی از گروه‌های تاثیرگذار در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر در برابر ارتش عراق، نام برد. کماندوهای نیروی دریایی در آن زمان در کنار برادران سپاهی و مردم خرمشهر دلاورمردانه در برابر بعثیان ایستادند و در این شهر مقاومت کردند. آنچه می‌خوانید روایتی است از یکی از این تکاوران نداجا. نیروهای مردمی در خرمشهر با علاقه و ایمان قوی و محبت زیاد، به ما در دفاع از خرمشهر





تیپ شش لشکر تکاور عراق در منطقه ای به نام ذوالفقاریه می خواستند از رود بهمنشیر عبور کرده و جاده خرمشهر، ارونکناز که تنها جاده پشتیبانی ما بود را به تصرف خود در آورند.

تعدادی از نیروهای ما به این منطقه رفته و از زدن پل بر روی رود بهمنشیر توسط نیروهای عراقی جلوگیری کردند. گردان ۱۵۳ لشکر ۷۷ خراسان نیز به فرماندهی سرگرد کهتری به کمک ما آمد و پس از همفکری و طراحی عملیات در عملیات ذوالفقار ۱۳ نفر و ۶۰۰ نفر از نیروهای دشمن در آب غرق شده و ۶ تانک آنها نیز به آتش کشیده شد.

گردان تکاور پلی را از لوله های آهنی درست کرده و با آن از روی رود بهمنشیر عبور کرد و سربازان دشمن را تا پشت جاده آبادان، بندرامام عقب راندند. این شکست موجب تضعیف روحیه سربازان دشمن شد و فرماندهان ارتش اسلام وقتی که دیدند ارتش عراق در شرایط نامساعدی قرار دارد تصمیم گرفتند تا بلافاصله طراحی عملیات های بعدی را انجام دهند. به همین ترتیب عملیات های ثامن الائمه، فتح المبین و بیت المقدس به دنبال هم طراحی و با موفقیت اجرا شدند که در نهایت به آزادسازی خرمشهر منتهی گردید.

نیروی دریایی در عملیات بیت المقدس حضوری فعال داشت به این صورت که دو گردان تکاور، سه گردان تفنگدار، سه گردان قایقران با ۳۰۰ قایق برای انتقال نیروها از رود کرخه و کارون و یک واحد غواص برای کمک به هنگام انتقال مجروحین از رودخانه، از نیروی دریایی در این عملیات شرکت داشتند. در عملیات بیت المقدس زمانی که سایر نیروها از شمال و شمال شرق به خرمشهر نزدیک می شدند تکاوران نیروی دریایی ضلع غربی رود کارون را در اختیار خود داشتند.

در روز سوم خرداد زمانی که سایر نیروها از سمت شمال وارد خرمشهر شدند دو گردان از تکاوران نیروی دریایی از ضلع شرقی رود کارون یعنی از همان جایی که در چهار آبان ۵۹ عقب نشسته بودند، وارد خرمشهر شدند. در حدود ساعت ۱۲ روز سوم خرداد ۶۱ در میدان راه آهن خرمشهر نیروها به یکدیگر رسیده و کار الحاق انجام شد و نیروهای عراقی عده ای عقب نشینی کرده و برخی نیز به اسارت درآمدند.

قرار می دادند. در نهایت در ساعت چهار صبح با دادن خسارات و تلفات زیاد تا حدود چهار کیلومتر عقب نشستند.

دشمن در منطقه بالای خور عبدالله پایگاهی برای پرتاب موشک های کرم ابریشم داشت که پرسنل ما با عبور از ارونرود در خاک دشمن با یک عملیات شناسایی و مهمات گذاری این پایگاه راداری را به آتش کشیدند.

گردان تکاور نیروی دریایی در ۳۴ روز پیش از سقوط خرمشهر و در عملیات های ثامن الائمه، فتح المبین و بیت المقدس ۱۰۳ شهید و ۳۰۰ مجروح را تقدیم انقلاب کردند.

پیش از عملیات ثامن الائمه گردان تکاور به همراه گردانی از لشکر ۷۷ خراسان عملیاتی را به نام ذوالفقار اجرا کردند و آن به این صورت بود که

طور بود.

در هفدهم یا هجدهم مهرماه بود که نیروهای ما در یک عملیات شناسایی محل استقرار یک لشکر تکاور از دشمن که در واقع مقر فرماندهی آنها بود را شناسایی کردند و تصمیم گرفتیم که با یک تک شبانه ضربه ای را به آنان وارد کنیم. نیروها در نیمه های شب در اطراف خاکریز عراقی ها با تمام تسلیحات مستقر شدند و وقتی فرمان آتش صادر شد کماندهای ما خاکریز دشمن را به زیر آتش گرفتند.

تکاوران دشمن سراسیمه از خواب بیدار شده و ابتدا گمان می کردند که آتش از هوا بر سر آنها ریخته می شود و ضدهوایی هایشان را فعال کردند وضعیت به گونه ای بود که آسمان از آتش آنها روشن شده بود و آنها در مواقعی حتی یکدیگر را مورد هدف



## پوتین

باد پوتین هایی بخیر که مشکی بودند  
اما از پس خود ذره‌ای تیرگی و تاریکی به جای  
نگذاشتند  
و جاهایی رفتند که کفشهای دیگر جرأت  
قدم نهادن به آنها را پیدا نکردند

بال نمی‌خواهم این پوتین‌های کهنه  
هم می‌تواند مرا به آسمان ببرد

سید علی آملی



۵۴

## شهدای مدافع حرم

دوباره غزلی از عروج از صداقت نور  
نگاه عاشقانه ی دلم ز خط عبور  
ودست های زلال توست در کرانه ی خورشید  
کنار بی کسی ام نشسته به وقت حضور

سکوت مبهمی وزید در لحظه های وداع  
نگاه رهایی نگر ز رد پای عبور

هماره عشق شکفته است کنار پنجره ها  
چونان که لاله دمیده است ز اوج شعروشعور

تمام سادگی ات ز کوچه های دل جاریست  
و کوه درشگفت تو و وداع آخرنور

چو عاشق، دلت پر کشیده در هوای حرم  
به آیه آیه قرآن به آیه های صبور

اسماعیل یکتایی لنگرودی

## عید قربان

این عید خدا کند خدایی باشیم  
دور از شب و شیطان و سیاهی باشیم  
باشد که در این هزاره تاریکی  
نورانی انوار الهی باشیم

جواد مزنگی

## بی‌قراری

ناودانها شر شر باران بی‌صبری است  
آسمان بی‌حوصله، حجم هوا ابری است  
کفشهایی منتظر در چارچوب در  
کوله باری مختصر لبریز بی‌صبری است  
پشت شیشه می‌تپد پیشانی یک مرد  
در تب دردی که مثل زندگی جبری است  
و سرانگشتی به روی شیشه های مات  
بار دیگر می‌نویسد: «خانه ام ابری است»

قیصر امین پور

## سلام

بهشتی هست، از زهرا به تهران  
که هر دم لاله‌ای می‌کارد احمر  
رجایی‌ها، در آنجا، باهنرها  
مفتح‌ها، شریعت‌ها، مُطهر  
مجاهد آیت‌الله طالقانی  
به نستوهی و بستیزی، ابوذر  
بهشتی شاه مظلوم شهیدان  
به هفتاد و دو تن کانون گوهر  
چه چمران و چه فلاحی و یاران  
همه سر کرده و سردار و سرور  
شهیدان جهاد و جبهه جنگ  
چمن‌های خزان، گل‌های پرپر

استاد شهریار

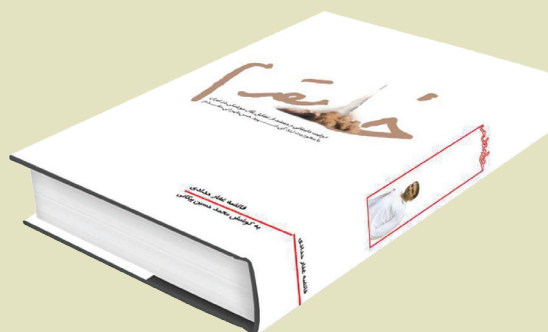
## سیره شهید رجایی

نویسنده: غلامعلی رجائی

کتاب «سیره شهید رجائی» نوشته غلامعلی رجائی، به منش و شیوه زندگی این دولتمرد شهید می‌پردازد. این کتاب را نشر شاهد منتشر کرده است.

این کتاب با این جمله شهید محمدعلی رجائی آغاز می‌شود: «چیزی که من همیشه در زندان انفرادی با خودم می‌گفتم این بود که: رجائی! همه‌اش که نباید دیگران سرنوشت باشند و تو سرنوشت آنها را بخوانی، حالا یک بار هم تو سرنوشت درست کن و بگذار دیگران بخوانند!» بسیاری از این خاطرات برای نخستین بار منتشر شده است، از میان نوشته‌های این اثر به راحتی می‌توان به شناخت نسبی لازم از شخصیت فردی و اجتماعی شهید رجایی دست یافت.

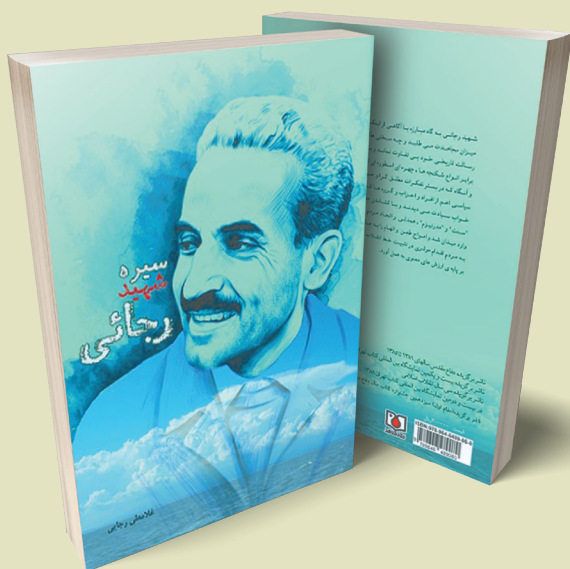
این کتاب در ۱۲ فصل شامل، دوران نوجوانی و جوانی، در خانه، شمع محفل خویشاوندان، دوران مبارزه، دوران زندان، دوران تدریس، ویژگی‌های فردی و اخلاقی، آیین سادگی‌ها، از مردم، با مردم، برای مردم، دوران درخشان، مواضع فکری و دیدگاه‌ها و ضمائم و معرفی روایان خاطرات تدوین شده است.



## خط مقدم

نویسنده: فائزه غفار حدادی

خط مقدم نام کتاب داستانی و مستند از تشکیل یگان موشکی در ایران با محوریت زندگی حسن طهرانی مقدم است که در مورد جنگ ایران و عراق که به اهتمام فائزه غفار حدادی و با پژوهش محمدحسین پیکانی نگاشته شده و توسط انتشارات تعالی اندیشه به چاپ رسیده است. این کتاب مهم‌ترین و مستندترین کتاب در زمینه «خاطره‌نگاری پیشرفت موشکی ایران در دوران جنگ هشت ساله» ایران و عراق محسوب می‌شود.





راستش در این شماره هم به نیت شما متولدین هر ماه تفالی زدیم  
به وصیت شهدا که امید در آینده وصیت شهدا برسیم به آنچه که از  
ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

### تبر

خدایا! چقدر دوست داشتنی و پرستیدنی هستی  
هیئات که نفهمیدم با ابعادالله، شفاعت چقدر  
لذت بخش است. انسان آماده باشد برای دیدارش.  
ولی چه کنم خدایا تهیدستم.

شهید اسدالله احمدی

### فروردین

همه آنها را به تقوا دعوت می‌کنم و می‌خواهم که  
جز به خدا به چیزی نیندیشند. این خداست که به  
انسان صفا می‌دهد.

شهید حیدر حیدری

### مرداد

دست از رهبر عالیقدر امام عزیزمان بر ندارند و  
همیشه اوقات در فکر انقلاب باشند. تا به پیروزی  
نهایی برسانند.

شهید شیرقلی اسپرورینی

### اردیبهشت

به خود بیایید و ببینید این جوانان ما چرا این گونه  
برای شهادت سبقت می‌گیرند و قطعاً بدانید زندگی  
فقط این دنیا نیست و بدانید که دنیادوستی، انسان  
را فنا می‌کند.

شهید فضایل باقری چیزه

### شهریور

گر من و اشخاص دیگر به جبهه نرویم و از این مرز و  
بوم مواظبت نکنیم، هرگز ایرانی آباد و آزاد نخواهیم  
داشت.

شهید مرتضی زارع پور

### خرداد

باید دنیا را با تمامی ظاهر فریبده‌اش و خوشی‌های  
توأم با خواری و ذلت چون حیوانی بی‌شعور  
برگزیند و یا باید چونان حسین شهید (ع) آن سرور  
آزادگان، مرگ سرخ با عزت را انتخاب نماید.

شهید محمد صادق کیایی

### مهر

راه را باید رفت و همه منظور الله است پس راهی را بروید که حتما برسید نه اینکه برویم و خدای نکرده همه زحمت را در راه کج و انحراف بکشیم.

شهید علی اصغر عاملی

### دی

از خدا می‌خواهم که با این سینه ذلیل و حقیر با فضلش معامله کند و حال که دست خالی می‌روم، امیدوارم این جان مرا در راه خودش قبول کند.

شهید حجت الله خمسه‌ای

### آبان

بچه‌های خود را حسین وار و زینب گونه تربیت کرده و آنها را با احکام اسلام و قرآن و دین و راه زندگی و جهاد برای اسلام آشنا سازید که اگر اسلام از بین برود ما هم از بین خواهیم رفت؟ ما تمام زندگی مان را برای اسلام گذاشتم.

شهید علی قاریان پور

### بهمن

ما قدم در راهی گذاشته ایم که راه خدا و انبیاء است و خدا هم در این راه ما را یاری خواهد کرد.

شهید فردین آژیده

### آذر

ملت مبارز ایران! هیچ موقع از روحانیت مبارزی که سال‌ها برای این انقلاب زحمت کشیده و برای پیروزی آن شکنجه دیده و زجر کشیده و سال‌ها در زندان‌ها به سر برده‌اند، دور نشوید و آنها را تنها نگذارید.

شهید اکبر عاملی

### اسفند

باید خیلی جدی‌تر خودتان را در سنگر انجمن مساجد مدارس و همه‌ی صحنه‌های انقلاب با سلاح ایمان، عبادت و جهاد و اخلاق با سیاست- خودسازی- دگر سازی و جامعه‌سازی مجهز کنید باید مطالعه کنید.

شهید محمد بهتوی



Mohammad-Ali Rajai was born on 15 June 1933 in Qazvin, Iran. His father, Abdulsamad, died when he was 4 years old after which he lived with his mother and brother. Rajai grew up in Qazvin, and moved to Tehran in 1946. After moving to Tehran, he had a close relationship with the anti-Shah groups and parties. He was known with Ayatollah Mahmoud Taleghani. In 1958, He moved to Bijar for a short period, but after a year, he moved back to Tehran and graduated with a degree in education from Tarbiat Moallem University in 1959. He became a member of the People's Mujahedin of Iran (MKO). In

1960, he also joined Freedom Movement of Iran. He was arrested by the Shah's forces for three times for his opposition activities. Rjai was finally detained in May 1974, but was set free after four years. He was actively involved in the Iranian Revolution and was a leader in the movement to purge Iranian universities of American and European influences, which was later called the Cultural Revolution. Rajaei appointed to important occupations after the victory of Islamic revolution.

---

خوانندگان عزیز شما با ترجمه و ارسال متن فوق به آدرس رایانامه مجله  
می توانید به قید قرعه **اشتراک ۶ ماهه** برنده شوید

---



کاریکاتوربست: سید میثم آفاسیدحسینی  
 خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از  
 کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند.  
 حتما روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

## فرم اشتراک مجلات شاهد

شماره حساب سبیا: ۰۱۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی  
 به نام معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران

اشتراک شش ماهه ۳۰۰.۰۰۰ ریال  
 اشتراک یکساله ۶۰۰.۰۰۰ ریال



نام و نام خانوادگی ..... تاریخ تولد .....

اشتراک شش ماهه ۱۵۰.۰۰۰ ریال  
 اشتراک یکساله ۳۰۰.۰۰۰ ریال



تلفن ثابت ..... تلفن همراه ..... نشانی الکترونیکی .....

اشتراک شش ماهه ۱۵۰.۰۰۰ ریال  
 اشتراک یکساله ۳۰۰.۰۰۰ ریال



کدپستی ..... آدرس کامل پستی .....

اشتراک شش ماهه ۱۳۲.۰۰۰ ریال  
 اشتراک یکساله ۲۶۴.۰۰۰ ریال



مبلغ واریزی ..... ریال - شماره فیش بانکی ..... تاریخ واریز .....

امضاء/تاریخ

امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۲۳۵۸۴ دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۲۸۴۳۵

نشانی: تهران-خیابان آیت الله طالقانی-خیابان ملک الشعراء بهار شمالی-شماره ۵-معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران-طبقه ۳-اداره مجلات شاهد



سالروز

# ۱۷ شهریور

گرامی باد

